

شهادت
بی کرانه ترین
شکوه عدالت
و باب علم
امیر المومنین
حضرت علی (ع)
تسلیمت باد



صبح صادق

القرآننا

هفته نامه داخلی
سیاسی، فرهنگی و اجتماعی

گفت‌وگو با محمدحسین مهدویان کارگردان فیلم «ایستاده در غبار»
راه متوسلیان ادامه دارد
«ایستاده در غبار» اولین فیلم محمدحسین مهدویان، بی تردید مهم‌ترین اتفاق سینمای ایران در سال‌های اخیر به شمار می‌آید؛ فیلمی که در قالبی متفاوت و جدید، زندگی یکی از قهرمانان تاریخ معاصر ایران یعنی سردار احمد متوسلیان، فرمانده جاویدالآثر سپاه محمد رسول‌الله(ص) را به تصویر کشیده است. مهدویان ۲۵ ساله البته پیش از این سبک منحصر به فرد خود را در سریال «آخرین روزهای زمستان» هم تجربه کرده بود؛ اما فیلم «ایستاده در غبار» ساختار و روایت منسجم‌تری دارد.
صفحه ۱۲

در گفت‌وگوی صاحب‌نظران
با صبح صادق مطرح شد

**کاهش
سرعت
رشد
علمی؛
دلایل
و راه‌کارها**

صفحه ۲



**ویژه اقدامات
محرومیت زدایی
قرب کوثر
قرارگاه سازندگی
خاتم‌الانبیاء(ص)
ضمیمه صبح صادق**



**تمدن
سیاسی غرب
در آستانه فروپاشی**

صفحه ۳

تضادهای حقوق بشر آمریکایی در گفت‌وگوی اختصاصی صبح صادق با دکتر عماد افروغ

منافع قدرت طلبانه آمریکا پشت پرده حقوق بشر نهفته است

حسن رحیم‌پور ازغدی
**حقوق بشر آمریکایی
حقوق امپریالیسم غربی است**

دکتر حسین شیخ‌الاسلام
**رفتارهای ضد بشری
آمریکا در جهان**

**پرونده صبح صادق
برای حقوق بشر
آمریکایی**
صفحات ۸ تا ۵

■ نظام سرمایه‌داری یا نظام امپریالیستی چندین تضاد دارد؛ در واقع، تضاد مینا و بناسنت؛ یعنی مینای آنها مینای دولت حداقلی بوده، اما بنای آنها یک بنای امپریالیستی یا جهان‌گستری است. این دو با هم همخوانی ندارند.

■ اگر همه شرایط و لوازم حقوق بشر اسلامی خوب مطرح بشود مسلم است که با حقوق بشر ناتوان و ترک‌خورده و بی‌ریشه غرب چالش خواهد داشت. چون منافع و نیازهای بیشتری را تأمین کرده و دربرمی‌گیرد. این منفعتهی که صرفاً به معیشت و لذت و قدرت تقلیل پیدا کرده را به چالش می‌کشد.



یادداشت

رسول سنائی‌راد
حقوق‌های نجومی؛ خیانت به ارزش‌ها و ظلم به مردم

«سال‌ها گذشته و من زیر بار سنگین مشقات زندگی و فراق عزیزانم خمیده و فرسوده شدم. دیگر نای راه رفتن هم ندارم، اما هر وقت بتوانم سر خاک آقا و جواد می‌روم. مادران و همسران مثل من در ایران زیادند، اما وای بر کسانی که به دین و میهن خود خیانت کردند.»

فراز فوق، آخرین بخش از مصاحبه همسر شهید علی رحیمی و مادر جواد رحیمی است که در کتاب «دسته یک» باز روایی خاطرات شب عملیات جاده فلو-ام‌القصر به چاپ رسیده است. شهید علی رحیمی و پسرش جواد در سال‌های ۱۳۶۴ و ۱۳۶۵ به شهادت رسیده و همسر شهید بار تکفل خانواده‌ای عیال‌وار را عهده‌دار بوده و برای تأمین مخارج مجبور به کار خدماتی در بیرون از خانه هم شده است و این زبان حال بسیاری از حامیان و طرفداران انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران است. خانواده‌هایی که تمام سرمایه خود را پای دفاع و نگهداری از انقلاب و نظام آورده و بی‌هیچ ادعا و منتی، تنها نگرانی آنان خیانت به نظام است و پس. همین خانواده‌ها هستند که مولد زیباترین ارزش‌ها همچون: خدمت صادقانه و بی‌منت، گذشت و ایثار، همدلی و همزبانی با سایر مردم، پاسداشت عزت کشور و مقاومت در برابر خواسته‌های ظالمانه دشمنان و... بوده و همچنان آبرو و سرمایه اجتماعی نظام به شمار می‌آیند.

از این رو وقتی عده‌ای فرصت‌طلب با خیانت در امانت، مسئولیت را بهانه‌ای برای سوءاستفاده و مال‌اندوزی قرار داده و حقوق‌های نجومی دریافت می‌دارند. امام خاتمه‌ای به صراحت آن را «هجوم به ارزش‌ها» نامیده و با ضروری شمردن برخورد حتمی با آن، تأکید فرمودند: «این موضوع نباید شامل مرور زمان شود؛ بلکه باید حتماً به صورت جدی پیگیری و نتیجه آن به اطلاع مردم رسانده شود.» همچنین معظله خطاب به رئیس‌جمهور و هیئت دولت یادآور شدند که: «تگاه مهم‌های به مسئولیت که در واقع یک امانت است، موجب کوچک و حقیر شدن انسان خواهد شد.»

اگر چه موضوع دریافت‌های نجومی در بین مدیران و مسئولان، عمومیت نداشته و اکثریت بدنه مدیریتی و مسئولان کشور، دریافت‌های ضابطه‌مند، قانونی و متعارف دارند، اما همین تعداد هم برای نظام جمهوری اسلامی خیلی بد و در شرایطی که با پدیده رکود، کساد و بیکاری مواجه هستیم که رهبری نظام نسبت به بازگشت شبانه جویای کار با دست خالی به خانه، ابراز شرمندگی می‌فرماید، در حد یک قاجاعه است.

از این رو برخورد با این پدیده زشت یک خواسته همگانی است که باید با فوریت و قاطعیت از سوی هر سه قوه پیگیری، ریشه‌کن و تمامی روزه‌ها و چشمه‌های این فساد مشروعیت‌سوز فراتر از هر فراق‌کنی سیاسی و جناحی کور شود. برای تحقق این مهم اقدامات زیر لازم و ضروری است:

- ۱- دستگیری و محاکمه دریافت‌کنندگان و پرداخت‌کنندگان حقوق‌های نجومی و به عبارت واقعی‌تر، غارتگران بیت‌المال و مصدرا و برگرداندن وجوه غارت شده به خزانه که ورود قاطع دستگاه قضایی و همکاری دستگاه اجرایی را می‌طلبد.
- ۲- بازنگری و تطبیق نظام پرداخت مدیران و مسئولان ارشد و عالی با ضوابط قانونی و انجام اصلاحات قاطع.
- ۳- تقویت سامانه‌های نظارتی مانند دیوان محاسبات و سازمان بازرسی برای نظارت‌های دقیق و مؤثر.
- ۴- شکستن حلقه انحصاری مدیریتی و باز کردن مسیر چرخش مدیریت و میدان دادن به مدیران متعهد و خدمت‌جوان‌تر.

برنامه ۱۰ ساله نظامی آمریکا برای تجهیز رژیم صهیونیستی

واشنگتن آماده اعطای بزرگ‌ترین کمک نظامی به تل آویو است

پیشنهاد کمک نظامی آمریکا را بپذیرد. آنها اعلام کردند، تردید دونالد ترامپ، نامزد ریاست جمهوری جمهوریخواهان درباره روابط با اسرائیل، اعتراض‌های هیلازی کلینتون، نامزد دموکرات‌ها نسبت به شهرک‌سازی اسرائیل در کنار کرانه باختری و نگرانی‌های برنی سندرز، نامزد دیگر دموکرات‌ها درباره وضعیت فلسطینیان و سیاست‌های اشغالگرایانه اسرائیل برخی از نگرانی‌های نتانیاهو است.

کمک‌های آمریکا به رژیم صهیونیستی، به ویژه در بخش نظامی و حمایت از سامانه موشکی گنبد آهنین در حالی ادامه دارد که این رژیم برخلاف گذشته در تمامی جنگ‌های اخیر با مقاومت فلسطین و حزب‌الله با شکست روبه‌رو شده و کارشناسان نظامی صهیونیستی اذعان کرده‌اند که عملکرد ارتش رژیم صهیونیستی در جریان جنگ هفت روزه نوار غزه «۱۴ تا ۲۱ نوامبر ۲۰۱۴» ناموفق بوده است.

بانک انصار برای پنجمین بار نشان مدیریت سلامت اداری را کسب کرد

اداری این بانک و زمینه‌ساز کسب مقام نخست در کشور شده است. وی تأکید کرد: تهیه داش‌بورد جامع و ارزیابی ریسک کنترل‌ها، به روز رسانی متمرکز چک‌لیست‌ها، این بانک در حوزه سلامت اداری کشور و حسابرسی به کارکنان، امکان

سه مدل اصلی دارد: «ف - ۳۵ ای» با توان نشست و برخاست متعارف؛ «ف - ۳۵ بی» با توان برخاست کوتاه و نشست عمودی و «ف - ۳۵ سی» با توان ناوشینی. یک مقام کاخ سفید کمتر از دو ماه پیش خبر داده بود، به دنبال فشار سناتورهای آمریکایی درباره لزوم کمک نظامی این کشور به رژیم صهیونیستی، واشنگتن آماده اعطای بزرگ‌ترین کمک نظامی به تل آویو است.

«لیندسی گراهام» سناتور جمهوریخواه، «کریس کونز» سناتور دموکرات و «تد کروز» سناتور و نامزد جمهوریخواه از جمله کسانی بودند که درباره تعلل در امضای توافق بر سر بسته کمک‌های نظامی آمریکا به رژیم صهیونیستی هشدار دادند. برنامه کمک نظامی آمریکا به رژیم صهیونیستی در یک بازه زمانی ۱۰ ساله در راستای به‌روز کردن سامانه موشکی و هوایی و تقویت تجهیزات نظامی در برابر حملات

رژیم صهیونیستی رسماً جنگنده اف - ۳۵ را از آمریکا تحویل گرفت. پایگاه «لیوم السابح» مصر با اعلام این خبر از رادیو رژیم صهیونیستی، افزود: «اسرائیل رژیم صهیونیستی» حالا اولین دارنده این جنگنده در جهان پس از آمریکا و تنها مالک آن در خاورمیانه غرب آسیا و شمال آفریقا است؛ جنگنده‌ای که دارای قابلیت‌هایی، مانند پنهان ماندن از دید رادار و حمل سلاح‌های هوشمند است.»

مدیر عامل بانک انصار گفت:
این بانک برای پنجمین بار پیاپی، عالی‌ترین جایزه مدیریت سلامت اداری را به دست آورد تا در زمینه مبارزه با فساد اداری و حفظ سلامت اداری در سطح ملی همچنان رکورددار باشد.

فرخاوان
یازدهمین دوره انتخاب کتاب سال پاسداران اهل قلم

سؤال تریبون هفتم
چه عواملی سبب شکل‌گیری حقوق‌های نجومی برای برخی مدیران دولتی شده است؟
همراه با ۳ جایزه تریبون
پيامک ۰۲۳-۳۰۰۹۹۰۰۳ صفحه ۱۲

کاتال تلگرام صبح صادق
علاقه‌مندان می‌توانند برای دسترسی سریع‌تر به مطالب هفته نامه و دریافت فایلها به کاتال تلگرام هفته نامه مراجعه نمایند
@SobheSadeghWeekly

سرمقاله

سعدالله زارعی

قدس؛ زخم عمیق مرهم دقیق

پرونده فلسطینی یکی از پیچیده‌ترین پرونده‌های تاریخ است و حوادث فراوانی که پیرامون آن پدید آمده از شدت این پیچیدگی حکایت می‌کند. فلسطین در دوره اسلامی دست‌کم دو بار بین مسلمانان و غیرمسلمانان دست به دست شده و در هر بار دست به دست شدن توأم با اتفاقات عجیب و غریب بوده است. برای اینکه فلسطین به دست مسلمانان نیفتد، روم مقاومت زیادی از خود نشان داد و در نهایت زمانی که در دوره عمرین خطاب ناچار به تسلیم شد، لطامت زیادی به اماکن مقدس و تاریخی فلسطین وارد کرد. در نیمه‌های قرن ششم هجری که مقلان با اواخر قرن دوازدهم میلادی بود، ایوبیان تصمیم گرفتند فلسطین را از اشغال صلیبی‌ها بیرون آورند. صلیبی‌ها مقاومت زیادی کردند و کشته‌های زیادی هم دادند، اما سرانجام تسلیم سپاه صلاح‌الدین ایوبی شدند.

غرب که خاطره تلخ از دست رفتن فلسطین را فراموش نکرده بود، هشت قرن بعد دوباره تصمیم گرفت با بهره‌گیری از ضعف امپراتور عثمانی، فلسطین را به تصرف در آورد. بر این اساس سناریوی اشغال تدریجی فلسطین به واسطه «یهود» در دستور کار قرار گرفت. اروپای مسیحی در اواخر قرن ۱۸ - و در جریان برگزاری همایشی در شهر بال سوئیس در سال ۱۸۹۷ - اجرائی نقشه اشغال تدریجی را شروع کرد و حدود ۵۰ سال بعد به آن دست یافت. در این پنجاه سال صدها هزار فلسطینی کشته و صدها هزار نفر دیگر نیز آواره شدند. اینک در سطح جهان بزرگ‌ترین جمعیت آواره به فلسطینی‌ها تعلق دارد.

امروز هنوز هم صهیونیست‌ها درگیر پروژه انتقال و تثبیت خود هستند. فلسطینی‌ها هم هنوز درگیر همه همان مسائلی‌اند که در آن سال‌ها با آنها مواجه بوده‌اند؛ بیت‌المقدس و خطراتی که با آن مواجه است، آوارگان و دیغنه‌ها بازگشت آوارگان، دیده شدن حقوق انسانی که به‌طور نظام‌مند نقض می‌شود. فراموشی از سوی هم‌کیشان و مسلمانان و ضعف رهبران و سازمان‌های کارآمد هنوز هم در چشم‌انداز فلسطینی دشواری پدید می‌آورد. طی سال‌های اخیر، وجود گروه‌های تروریستی در منطقه که همه حواس کشورهای عربی - اسلامی را به خود معطوف کرده است تأثیر مهمی بر به حاشیه رفتن فلسطین داشته است.

بخشی از فلسطین در غزه است که مردم آن در پی نزدیک به ۹ سال محاصره هم‌اینک با یک مرگ تدریجی مواجه‌اند و بخش دیگری در کرانه باختری است که با اختلافات شدید بین فتح و حماس دچار بحران هویتی شده است. وضع مسلمانان مستقر در سرزمین‌های موسوم به ۱۹۴۸ نیز تا حد زیادی مبهم است. در متن جامعه فلسطینی هنوز هویت‌طلبی حرف اول را می‌زند. نسل جوان که یک بار در اواسط دهه ۱۹۸۰ با گروه‌های ناسیونالیستی و چپ فلسطینی قطع امید کرد، امروز بار دیگر تحت تأثیر اختلافات درون گروه‌های اسلامی به سمت نگرش جدیدی که اصالت مبارزه با رژیم اشغالگر قدس را حفظ کرده، گرایش نشان می‌دهد؛ گرایش‌هایی که به بافت فکری جوانان انقلابی در مصر، تونس، یمن و لیبی در سال ۲۰۱۱ شباهت زیادی دارد. در واقع، فلسطین سه دهه پس از دهه ۸۰ هم‌اینک بار دیگر دارد پوست می‌اندازد. از سوی دیگر روند حرکت رژیم صهیونیستی شدت محسوس پیدا کرده است. تمایل به تضعیف بیشتر موقعیت فلسطینی‌ها در کابینه فعلی «نتانیاهو» موج می‌زند. انتصاب «آوبگدور لیبرمن» رئیس افراطی‌ترین تشکل یهودی - اسرائیلی بیتنا - به وزارت جنگ نشان می‌دهد که یهودی‌ها اینک دست بازتری در اعمال فشار به فلسطینی‌ها پیدا کرده‌اند.

همه این موارد بیان تلخی از وضعی است که درباره فلسطین وجود دارد. روز قدس باید آن قدر گرم و پر حرارت برگزار شود تا روحیه و فضای تازه‌ای را برای فلسطین پدید آورد، وگرنه ممکن است زمان زیادی به درازا نینجامد تا قدس به‌طور کلی در هاضمه کثیف صهیونیست‌ها محو شود.

حسن خدای

دانشگاه تراز انقلاب اسلامی از منظر امام خامنه‌ای

امام خامنه‌ای عصر روز شنبه (۹۵/۳/۲۹) در دیدار جمعی از استادان، نخبگان علمی و پژوهشگران دانشگاه‌ها، با تشریح نکاتی مهم درباره دانشجویان دانشگاه‌ها فرمودند: «آن انسان عالم، صورت، مجاهد فی سبیل‌الله، برای خدا کار بکن، که برای خودش کیسه ندوخته و کار را بلد است و وارد میدان می‌شود و شجاعانه انجام می‌دهد، ... این کجا تربیت می‌شود؟ عمدتاً در دانشگاه‌ها. پس مسئله برمی‌گردد به دانشگاه؛ باید دانشگاه را آراسته به آن خصوصیتی کرد که کشور فردا، کشور بیست سال بعد و ایران بیست سال بعد به آن احتیاج دارد. مسئله دانشگاه این قدر مهم است.»

دانشگاه آرمانی مد نظر امام خامنه‌ای، دانشگاهی است که با رکود و خودمردگی فاصله دارد و چنین فضایی عمدتاً دارای سه شاخصه اساسی است که می‌توان آنها را به مثابه اضلاع یک سه‌وجهی تصور کرد که هر یک از وجوه این سه‌وجهی مکمل دیگری به شمار می‌آیند. با نگاهی به بیانات رهبر فرزانه انقلاب در سال‌های اخیر در جمع دانشگاهیان می‌توان سه ضلع دانشگاه‌ها را به شکل متشکل از نشاط علمی، نشاط معنوی و نشاط سیاسی است این‌گونه تعریف کرد: **۱- نشاط علمی:** اساسی‌ترین وجه تمییز دانشگاه از سایر محیط‌های اجتماعی نشاط علمی است. در صورتی که دانشگاه‌های کشور در عرصه علم پویایی و خودباوری داشته باشند، یقیناً محصول چنین نشاطی را می‌توان در پیشرفت‌ها و دستاوردهای علمی آن کشور جست‌وجو کرد. از این روست که معظم‌له فرمودند: «اولاً مسئولان آموزش عالی - چه بهداشت و درمان، چه وزارت علوم - نگذارند پژوهشگر و نوآور ناامید و خسته بشود، این خطر است. دیدید این آقایان آمدند صحبت کردند، با نشاط و با علاقه. این نشاط باید در کل مجموعه پژوهشکده‌های ما و جایگاه‌های پژوهشی، تحقیقی و محیط‌های دانشگاهی نیل‌ان داشته باشد، همه باید احساس امید بکنند؛ نگذارید ناامید بشوند، نگذارید خسته بشوند.» (۹۵/۳/۲۹)

۲- نشاط معنوی: در حقیقت وجه تمیز دانشگاه تراز انقلاب اسلامی با سایر محیط‌های آکادمیک و دانشگاهی غیرمذهبی نشاط معنوی است. معنویت به رویکرد علمی دانشگاه نیز جهت می‌دهد و آن را با اهداف عالی نظام هم‌راستا می‌کند. البته، معنویت به معنای انزوا و گوشه‌نشینی نیست؛ بلکه معنویت در فضای دانشگاه ایده‌آل است که واجد پویایی لازم برای تحرک در عرصه‌های علمی و سیاسی انقلاب باشد. رهبر معظم انقلاب اسلامی در این‌باره فرموده‌اند: «البته احساس هویت ما فقط در زمینه علم نیست؛ ما در زمینه سخن نو، همین که ایشان گفتند: همین سخن تازه بگو سخن تازه گفته‌ایم. فکر مردم‌سالاری همراه با معنویت و دین یک فکر نو در دنیای امروز است. تصور نشود که فکر گرایش به معنویت یک امر قدیمی و ارتجاعی و به قول آقایان دهم‌شده است و مانند این حرف‌ها است؛ نخیر، امروز دنیا به خاطر خلأ معنوی در تلاطم است و این را قبول دارند؛ این را دارند می‌گویند، تکرار می‌کنند.» (۹۵/۳/۲۹)

۳- نشاط سیاسی: ضلع سوم مورد نیاز برای تحرک دانشگاه، وجود نشاط سیاسی در این محیط علمی است. ایجاد نشاط سیاسی در دانشگاه دو نتیجه مهم در بر دارد؛ اول آنکه سبب افزایش تحلیل سیاسی و بصیرت‌بخشی عمومی در قشر دانشگاهیان می‌شود و دوم آنکه زمینه را برای تولید گفتمان سیاسی از درون دانشگاه برای جامعه فراهم می‌آورد. رهبر معظم انقلاب در زمینه افزایش فعالیت سیاسی دانشجویان در دانشگاه فرموده‌اند: «محیط دانشگاه به طور طبیعی محیط تضارب آرا و افکار است، این طبیعت دانشگاه است؛ ... بنده خودم مراجعه می‌کنم به خاطرات خودم و به دوره جوانی خودمان - پنجاه، شصت سال پیش - که با افرادی بحث می‌کردیم سر مسائل سیاسی، سر مبارزات، داد، بیداد! محیط چالشی، خاصیت جوانی است، به خصوص جوان دانشجوی که خب اهل این حرف‌ها است؛ بنابراین، این هیچ اشکالی ندارد. اشکال این است که ما از این محیط چالشی علیه انقلاب و ارزش‌های انقلاب بهره‌بردار می‌کنیم، این بد است...» (۹۵/۳/۲۹)

فعالیت سیاسی در دانشگاه‌ها نباید با دو وجه دیگر نشاط دانشگاه‌ها منافات داشته باشد؛ لذا ضلع نشاط سیاسی در دانشگاه باید به گونه‌ای تعریف شود که از یک سو نه‌تنها برخلاف اصول معنوی و ملاحظات دینی نباشد؛ بلکه هرگونه فعالیت سیاسی تنها در راستای افزایش بصیرت معنوی و درک جایگاه اجتماعی دانشجویان به مثابه موتور محرک جامعه دینی انجام شود و از سوی دیگر به هیچ عنوان مخل آرامش مورد نیاز برای ارتقا و پیشرفت علمی این محیط نباشد.

نکته و نظر

جهت یاب

نکته: آیت‌الله حائری شیرازی درباره اهمیت شب قدر نکته ظریفی دارد و می‌گوید: شب قدر یعنی یک شب می‌تواند جهت‌یاب مسیر یک سال باشد. اگر وقت خود را بیشتر صرف انتخاب راه و جهت حرکت کنیم، راه برای ما هموار خواهد شد. بسیاری از اوقات، انرژی خود را صرف حرکت می‌کنیم، درحالی که انتخاب جهت مهم‌تر است.

نظر: شب قدر در سراسر کشور در مساجد و حسینیه‌ها، حرم امام رضاع) و امام‌زادگان کشور با شور و حال وصف‌نشدنی برگزار شد. قشرهای مختلف مردم بدون جهت‌گیری‌های سیاسی در این مراسم‌های معنوی شرکت کردند؛ اما در این میان برخی از فتنه‌گران مراسم شب قدر را در سالن‌ها و اماکنی برگزار کردند که در سال‌های گذشته محل سازماندهی و تئوری‌سازی جریان‌های فتنه بوده است. در این مراسم‌ها کسانی سخنرانی کرده‌اند که در فتنه ۸۸ نقش اصلی را داشته و به تازگی دوران محکومیت خود را به پایان رسانده‌اند. این نشان می‌دهد، آنها مسیر خود را از مردم و انقلاب جدا کرده‌اند و همچنان به توطئه و دسیسه‌چینی علیه نظام می‌پردازند. امام علی (ع) در خطبه ۵۰ نوح البلاغه می‌فرمایند: «انما بده وقوع الفتن اهواء تلبیح و احکام تتبدع یخالف فیها کتاب‌الله و بتولی علیها رجال رجلا علی غیردین‌الله؛ همانا ابتدای بروز آشوب‌ها و فتنه‌ها، هواها است که مورد تبعیت قرار می‌گیرند و احکامی است که بدعت گذاشته می‌شوند. در این فتنه‌ها با کتاب خدا مخالفت می‌شود و مردانی از مردان دیگر بر مبنایی غیر از دین خدا تبعیت می‌کنند.» به راستی جهت‌یاب فتنه‌گران اکنون به کدام سو است؟!

زیر نظر شورای نویسندگان معاونت سیاسی
نماینده ولی فقیه در سپاه
تلفن: ۳۳۲۲۱۹۵
نمابر: ۳۳۲۲۱۹۹۷
صندوق پستی: ۱۷۲۸۵/۱۸۵
sobhesadegh@iran.ir
سامانه پیامک ۳۰۰۰۹۰۰۳۳

در گفت‌وگوی صاحب‌نظران با صبح صادق مطرح شد

کاهش سرعت رشد علمی؛ دلایل و راه‌کارها

سیدمحمد مشکوه‌الممالک

حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار جمعی از استادان، نخبگان علمی و پژوهشگران دانشگاه‌ها، پارک‌های علم و فناوری و مراکز علمی و تحقیقاتی فرمودند: من چندی پیش نیز در خصوص کاهش سرعت رشد علمی تذکر دادم؛ زیرا سرعت کم شده است و برای جبران فاصله عقب‌ماندگی علمی چاره‌ای جز افزایش سرعت رشد علمی وجود ندارد. اگر در غرب سرعت رشد علمی کاهش پیدا کرده به این دلیل است که آنها از بیشتر ظرفیت‌های خود استفاده کرده‌اند، اما ما باید عقب‌ماندگی شصت یا هفتاد ساله خود را که به وسیله حکومت‌های خانن و غافل به وجود آمده، جبران کنیم تا بتوانیم در این مسابقه جهانی خود را به سطوح بالا و قله‌ها برسانیم.

تأکید و هشدار معظم‌له سبب شد تا در گفت‌وگویی با چند تن از صاحب‌نظران و استادان دانشگاه چرایی کاهش رشد علمی کشور را بررسی کنیم.

ضرورت پیگیری نقشه جامع علمی کشور

دکتر محمد حسینی*

در دهه اخیر تردیدی در رشد علمی کشور وجود ندارد و مهم‌تر از رشد علمی، سرعت و شتاب این رشد است که حائز اهمیت بوده؛ زیرا باعث می‌شود تا ما بتوانیم از نظر علمی جایگاه ویژه خود را در بین کشورهای جهان به دست آوریم.

این رشد در دولت جدید نیز با افزایش تعداد مقالات ادامه یافت، اما آن چیزی که سبب نگرانی رهبر معظم انقلاب شده مسئله سرعت و شتابی است که تنزل یافته و عوامل متعددی که در این امر دخالت داشته‌اند. متأسفانه در حوزه علم، دانش و فناوری نیز این رخوت و رکود وارد یافته است. وزارت علوم و وزارت بهداشت وظیفه دارند بسترهای لازم را فراهم کرده و از مشوق‌های مورد نظر حمایت کنند تا سرعت مورد نیاز را در عرصه پژوهشی شاهد باشیم.

زمانی که یک مسئله‌ای مانند بوسه‌ها مطرح می‌شود و به ناحق بیش از سه هزار نفر نیروی انقلابی و متعهد را معطل می‌گذارند و حیثیت آنان را زیر سؤال می‌برند، نشان از آثاری منفی است که برای این جوانان انقلابی و افراد تأثیرگذار در دانشگاه مشکلاتی را ایجاد کرده است. تشکل‌های سیاسی دولت‌ساخته‌ای نیز هستند که همه هم‌وغم‌شان این است که فضای سیاسی دانشگاه را در اختیار بگیرند، یا بعضی از برنامه‌های فرهنگی حاشیه‌ساز اولویت دانشگاه را تحت‌الشعاع قرار دهند، در حالی که رهبری بارها برخی از این فعالیت‌ها را منع کرده‌اند. شورای عالی انقلاب فرهنگی باید پیگیر نقشه جامع علمی کشور باشد و وضعیت دانشگاه‌ها را رصد کند که آیا اینها به مأموریت اصلی خود توجه دارند، یا اسناد بالا دستی را مد نظر قرار داده‌اند؟ مجلس نیز باید نظارت کند که آیا پروژه‌های عظیمی که در بخش هوافضا و بخش‌های دیگر ورود داشته تداوم داشته و یا اینکه که رها شده است. وجود افرادی که چهره سیاسی آنها بر چهره علمی‌شان در دانشگاه غالب باشد سبب موضع‌گیری آنان شده و تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم خود را بر فضای دانشگاه خواهد داشت.

* وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در دولت دهم

جلوگیری از مهاجرت و جایابی نخبگان

دکتر محمدرضا مخبر دزفولی*

متأسفانه امروز با کاهش سرعت رشد علمی در کشور مواجه هستیم؛ اصل مطلق تولید علم در کشور ما کم نشده است، ما سال گذشته ۲۹ هزار مقاله چاپ شده در نمایه‌های بین‌المللی داشتیم. سال ۲۰۱۵ کشور ما ۳۱ هزار مقاله علمی داشت. در واقع، مطلق تولید علم ما افزایش پیدا کرده است؛ اما چون کشورهای دیگر در مقام رقابت چند برابر ما برنامه‌ریزی کرده‌اند آن کشورها هم به همین نسبت و بلکه بیشتر از آن افزایش تولید علم پیدا کرده‌اند.

به دلیل اینکه سرعت رشد علمی در کشور کم شده است، با وجود مطلق افزایش تولید علم ممکن است از این ناحیه آسیب ببینیم.

بر اساس آن شیب و سرعتی که ایران در دهه ۸۰ داشت، برآوردهای جهانی نشان می‌داد که ایران در سال ۲۰۱۸ رتبه چهارم جهان را از نظر تولید علم خواهد شد. ما امروز در scopus رتبه ۱۸ یا ۱۹ جهان و در isi رتبه ۲۰ یا ۲۱ هستیم. اگر سرعت ما پایین نیامده بود طبق آن شیبی که در گذشته داشتیم امروز باید رتبه تک‌رقمی می‌داشتیم. قطعاً با سرعت رشد فعلی تا سال ۲۰۱۸ به رتبه چهارم جهان نخواهیم رسید.

بهبود وضعیت فعلی کشور از نظر سرعت رشد علمی شرایط و ملزومات مختلفی دارد؛ افزایش سرمایه‌گذاری در راستای تولید علم و افزایش سرعت تولید علم اهتمام و توجه بیش از گذشته به دانشمندان و محققان، درگیر نکردن دانشمندان و دانشگاه‌های کشور با مسائل حاشیه‌ای و برجسته نکردن موضوعات فرعی که دانشمندان و محققان را در محیط‌های دانشگاهی و علمی مایوس می‌کند. یکی از مشکلاتی که دانمنگیر جامعه علمی کشور شده است، مهاجرت دانشجویان است که نکته مهم در این مسئله این است که نباید اجازه بدهیم یأس و ناامیدی در محیط‌های دانشگاهی ترویج شود. برخی آگاهانه و یا ناآگاهانه دانشجویان و نخبگان کشور را از آینده کشور می‌ترسانند. به فرموده حضرت آقا اگر کسی این کار را آگاهانه انجام دهد خیانت کرده است.

* دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی

مدیریت‌های شرکت‌ها و بنگاه‌هایی که از بودجه عمومی تأمین می‌شود، اگرچه نمی‌توان ضرورت لحاظ کردن معیارهای منطقی در پرداخت حقوق چون سواد، تجربه، تخصص، خطرپذیری و زحمت در انجام مسئولیت‌ها را نادیده گرفت که به تفاوت‌های منطقی می‌انجامد و قطعاً مساوات و شیوه‌های ادعایی سوسیالیست‌های تختلی در مسیر تجربه محک‌خورده و پذیرفتنی نیست؛ اما نباید از پیامدهای خطرناک و فاجعه‌بار پرداخت‌های نجومی و بی‌حساب و کتاب برخی از مدیران که مولد فاصله طبقاتی و احساس محرومیت و فلاکت و تشدید فساد برای کم‌نیواردرن در مسیر رقابت و عقب‌ماندن از قافله ثروت و اشرافیت است غفلت کرد. اما آنچه بیش از همه در این مرحله قابل انتظار بوده و می‌تواند افکار عمومی را التیام بخشد رسیدگی، برخورد جدی و گزارش اقدامات به مردم است. پیامبر اعظم(ص) نابودی اقوام پیشین تمدن‌ها را در دو چیز می‌دانند؛ عدم مجازات افراد معتبر و مجازات افراد گمنام و نامعتبر.

رئیس‌جمهور محترم، معاون اول را مأمور به انجام رسیدگی و برخورد



▲ شناسایی اولویت‌ها / سقوط یک دستگاه اتوبوس حامل سربازان پادگان ۰۵ کرمان و کشته شدن ۱۳ سرباز تذکرات رهبری را به یادمان آورد که در دیدار اخیر مسئولان نظام به نوعی توجه به توسعه راه‌ها را از اولویت‌های کشور دانستند.



▲ همراهی با فتنه‌گران/ در مظلومیت رهبری همین بس که ۲۴ ساعت پس از تذکر ایشان درباره عدم همراهی با فتنه در جلسه با هیئت دولت، «سیدمحمود داعی» نماینده ایشان در روزنامه اطلاعات، تاج‌زاده در آغوش گرفته و بر پیشانی‌اش بوسه می‌زند.



▲ شب قدر/ همه تصاویری زیبا از شب قدر داریم، اما هنگامی که خادم امام رضاع) این‌گونه خالصانه در کفشداری عبادت می‌کند، هر کسی آرزو می‌کند که کاش یک عمر میان خاک پای زوار در گوشه کفشداری‌اش باشد.

رهبری پرچمدار حمایت از دانشمندان

دکتر منصور کبکائیان*

رهبر معظم انقلاب یادآوری کردند که شتاب علمی کشور افت کرده است. بخشی از دلایل این مسئله به بودجه‌های علم و فناوری و بودجه‌های پژوهشی برمی‌گردد. برای نمونه بودجه‌های مربوط به طرح‌های کلان ملی تقریباً به صفر رسیده است، این موضوع اثرات بسیار بدی در پی دارد. هر طرح ملی تعداد زیادی از استادان و محققان را به خود مشغول داشته و محققان با این پروژه‌های جدی که کارشناسی و طراحی شده دلگرم شده بودند و امیدوارانه فعالیت می‌کردند؛ اما متأسفانه این طرح‌ها به جایی رسیدند که نه‌تنها بودجه‌ای به آنها تخصیص داده نشد. در این رابطه ما به سازمان مدیریت، وزارت علوم و شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری انتقاد داریم که چرا در پی رفع این مشکل نیستند. در سال‌های گذشته چند سالی در دانشگاه‌ها جو علمی بسیار قوی حاکم شد و سیاسی‌کاری و حاشیه‌آفرینی تقلیل پیدا کرده بود، بالطبع دانشجویان هم وقت بیشتری را برای تحصیل علم و پژوهش صرف کردند و استادان دلگرم شدند؛ اما امروز یکی از نگرانی‌ها این است که عامل حاشیه‌آفرینی و سیاسی‌کاری نیز به دیگر عوامل کاهش سرعت علمی کشور اضافه شود.

خواهش ما از مسئولان آموزش عالی، به ویژه مسئولان وزارت علوم این است که تمرکز جدی خود را بر مسئله توسعه علمی بگذارند، جو آموزش عالی کشور را تقویت کنند و حمایت‌ها و بودجه‌های بیشتری را بگیرند. امروز پرچم حمایت از دانشمندان در دست رهبری نظام است، این قدرت بسیار بالایی است که مسئولان باید از این فرصت و قدرت استفاده کنند.

رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی با ایران رقابت می‌کنند، به ویژه عربستان سعودی با بودجه‌های کلانی که در این زمینه تعیین کرده با ایران در رقابت است. البته، ما اعتقاد داریم که رشد عربستان یک رشد توخالی است. در حالی که کشور ایران بدون هیچ حمایتی از سوی کشورهای صنعتی نزدیک بود. رتبه اول در منطقه را کسب کند که متأسفانه امروز کمی با آن اهداف فاصله داریم.

* دبیر ستاد راهبری نقشه جامع علمی کشور

کرده‌اند، اما هرگونه تعلل و مرور زمان می‌تواند شائبه برخورد جناحی و سیاسی با این موضوع را پدید آورد. لطفاً در برخورد با پدیده زشت حقوق‌های نجومی و غارت بیت‌المال، مراعات هیچ دولتی، جناحی، نهادی و جایگاهی نشود. مفسدان را به گرایش سیاسی و در هر جایگاهی باید مجازات شده و احساس ناامنی کنند. برخورد با هر مفسدی التیام‌بخش قلوب مردمی است که در جنگ، بازسازی، توسعه، مهرورزی و عدالت، نجابت و همراهی به خرج داده و بی‌هیچ توقعی سهم خویش را ادا کرده و تنها نگرانی و دغدغه آنان خیانت به انقلاب و نظام اسلامی بوده است. موضوع دریافت‌های نجومی خیانت در امانت مسئولیت و تهاجم به ارزش‌ها و در رأس آن عدالت و انصاف است که این مردم نجیب بابت آن پرداخت‌های سنگین داشته و دارند.

ای کاش مسئولان و مدیران محترم سری به خانواده‌های شهیدان مدافع حرم بزنند و پرداخت‌ها و دریافت‌های‌شان را با هم مقایسه کنند. این مقایسه نتیجه‌ای جز شرمساری نخواهد داشت. البته، اگر وجدان و انصافی باشد.

ردیف	نام	تاریخ تولد	تاریخ فوت	سبب فوت	محل دفن
۱	سید محمد حسینی	۱۳۰۳/۰۳/۰۳	۱۳۹۵/۰۳/۰۳	سکته قلبی	قبرستان باقریه
۲	دکتر محمد حسینی	۱۳۰۳/۰۳/۰۳	۱۳۹۵/۰۳/۰۳	سکته قلبی	قبرستان باقریه
۳	دکتر محمد حسینی	۱۳۰۳/۰۳/۰۳	۱۳۹۵/۰۳/۰۳	سکته قلبی	قبرستان باقریه
۴	دکتر محمد حسینی	۱۳۰۳/۰۳/۰۳	۱۳۹۵/۰۳/۰۳	سکته قلبی	قبرستان باقریه
۵	دکتر محمد حسینی	۱۳۰۳/۰۳/۰۳	۱۳۹۵/۰۳/۰۳	سکته قلبی	قبرستان باقریه
۶	دکتر محمد حسینی	۱۳۰۳/۰۳/۰۳	۱۳۹۵/۰۳/۰۳	سکته قلبی	قبرستان باقریه
۷	دکتر محمد حسینی	۱۳۰۳/۰۳/۰۳	۱۳۹۵/۰۳/۰۳	سکته قلبی	قبرستان باقریه
۸	دکتر محمد حسینی	۱۳۰۳/۰۳/۰۳	۱۳۹۵/۰۳/۰۳	سکته قلبی	قبرستان باقریه
۹	دکتر محمد حسینی	۱۳۰۳/۰۳/۰۳	۱۳۹۵/۰۳/۰۳	سکته قلبی	قبرستان باقریه
۱۰	دکتر محمد حسینی	۱۳۰۳/۰۳/۰۳	۱۳۹۵/۰۳/۰۳	سکته قلبی	قبرستان باقریه

▲ سند حقوق بشر/ مصطفی تاج‌زاده که به جرم اقدام علیه امنیت ملی از ۲۳ خرداد سال ۸۸ تا خرداد امسال در زندان بوده، حقوق کامل دریافت می‌کرده است. این فیش نشان می‌دهد که یک نفر می‌تواند هم در کانون فتنه بوده و هم از نظام حقوق دریافت کند!



▲ تکمیل جورچین سرقت/ ترکیه با تهیه مجسمه مومی جدید از مولانا جلال‌الدین بلخی (رومی)، شاعر، فیلسوف و عارف بزرگ ایرانی از روی تصویر «فاروق همدم چلبی» نوه مولانا سعی در تسخیر کامل مولانا دارد.



▲ سواحل بوشهر در حال نابودی است/ دریاخواری و تخریب تالاب با ارزش ساحلی برای ساخت دهکده تفریحی ساحلی؛ زنگ خطر برای خلیج فارس به صدا درآمده است.

تمدن سیاسی غرب در آستانه فروپاشی



خارج شدن انگلیس از اتحادیه اروپا تمدن سیاسی غرب را در آستانه فروپاشی قرار داده است و این موضوع فرصتی تاریخی برای ایران اعلام شده است.

گاردین نوشت: «در تهران، حمید ابوطالبی، دستیار سیاسی رئیس‌جمهور ایران، حسن روحانی در پیامی در توئیتر گفت، خروج انگلیس «فرصتی تاریخی» برای ایران به وجود آورده است. سردار مسعود جزایری معاون رئیس ستاد کل نیروهای مسلح ایران، هم گفت: «اتحادیه اروپا مهره‌ای در دستان آمریکا است.» جزایری افزود: «انگلیس باید بهای سال‌ها استعمار و جنایاتی که علیه بشریت کرده را بپردازد.» او گفت: « این هزینه استقلال خواهی اسکانلند و بخش‌های دیگر انگلیس از این کشور خواهد بود. مردم ایرلند، اسکانلند و بخش‌های دیگر حق آن را دارند تا از حاکمیت استبدادی پادشاهی به اصطلاح بریتانیای کبیر بیرون بیایند.» دونالد تاسک، رئیس شورای اروپا هشدار داده است که خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا می‌تواند به طور جدی تمدن سیاسی غرب را تهدید کند. کشورهایی در اتحادیه اروپا وجود دارند که در اوضاع کنونی گزینه بالقوه‌ای برای خروج از این اتحادیه پس از اقدام تاریخی بریتانیا به شمار می‌روند. دومی‌نوی اتحادیه اروپا سایر کشورهای دیگر مانند فرانسه، یونان، اسکانلند، مجارستان، هلند، دانمارک را نیز در بر می‌گیرد. گفتنی است ۶۱ درصد از فرانسوی‌ها دیدگاه مثبت و امیدوارکننده‌ای نسبت به اتحادیه اروپا دارند.

شنیده‌های غسان بن جدو از امام خامنه‌ای



«غسان بن‌جدو» مدیر تونسی‌ال‌اصل شبکه ماهواره‌ای و بین‌المللی «المیادین» در مصاحبه‌ای شخصیت رهبر معظم انقلاب و سردار سلیمانی را تبیین کرد و گفت: رهبر جمهوری اسلامی ایران موضع استراتژیکی نسبت به منطقه دارند.

من از سیاستمداران مختلف عربی و اروپایی در خصوص کاریزمای ایشان زیاد شنیدم. من اخیراً در روسیه بودم و در آنجا جمله‌ای از پوتین برایم نقل شد که مرا شگفت‌زده کرد. یکی از نزدیکان پوتین از نظر رئیس‌جمهور روسیه درباره آیت‌الله خامنه‌ای برای من سخن گفت. پوتین عقیده دارد ایشان – رهبر معظم انقلاب– یک شخصیت جهانی است. پوتین در وصف آیت‌الله العظمی خامنه‌ای گفته‌است:ایشان فقط رهبر ایران نیستند؛ بلکه یکی از تصمیم‌گیران بین‌المللی هستند وی در ادامه افزود: پیام قاسم سلیمانی پیامی جدی است. ما سخنان سردار قاسم سلیمانی را بسیار جدی تلقی می‌کنیم. نه تنها ما بلکه دیپلمات‌ها و غربی‌ها به صورتی جدی سخنان قاسم سلیمانی را رصد می‌کنند. بگذارید یک نمونه برای‌تان بگویم؛ من یک بار در واشنگتن کلامی شنیدم و بسیار شگفت‌زده شدم. پنج سال پیش یک مسئول در وزارت امور خارجه آمریکا به من گفت: آیا می‌دانی اگر قاسم سلیمانی نبود، نیروهای آمریکایی به سلامت از عراق خارج نمی‌شدند؛ اگرچه آمریکا با دولت نوری المالکی در این باره قراردادی بست؛ اما عقب‌نشینی آمریکا از عراق با ضمانت و امان‌نامه قاسم سلیمانی صورت گرفت.



روی خط خبر

ژست اپوزیسیونی

آقای رئیس!

مجموعه موضع‌گیری‌های تازه سخنگوی دولت در مقام «منتقد» و «پوزیسیون» حقوق‌های نجومی، در حالی مطرح می‌شود که خود تئویخت، اصلی‌ترین چهره‌ای است که باید به واسطه پرداخت حقوق‌های نجومی به گروهی از مدیران نهادهای دولتی و وابسته به دولت پاسخگو باشد؛ اما گویا قاعده بازی تغییر کرده است! به راستی، اگر این فیش‌های حقوقی با هر انگیزه‌ای، سر از رسانه‌ها در نمی‌آورد و دومی‌نوی افشای حقوق مدیران ارشد رخ نمی‌داد، آیا این پیگیری‌ها صورت می‌پذیرفت یا روال پرداخت‌ها که در سه سال دولت یازدهم نیز همچون دولت دهم استمرار داشته، همچنان برقرار می‌ماند؟ در صورت افشا نشدن این وقایع، آیا اراده‌ای برای توقف این روند غلط پرداخت حقوق وجود داشت؟ بنابراین، ژست «پوزیسیونی» سخنگوی دولت در برخورد با حقوق‌های نجومی خریدار ندارد و اگر مقصرانی در این ماجرا باشند، آقای رئیس سازمان برنامه و بودجه حتماً یکی از اصلی‌ترین آنهاست.

نظر رهبری درباره لایک

رهبر معظم انقلاب اسلامی در شب میلاد کریم اهل بیت حضرت امام حسن مجتبی(ع) در دیدار با جمعی از اهالی فرهنگ، استادان

شوک نیروی دریایی سپاه به ارتش آمریکا



دستگیری تفنگداران نیروی دریایی آمریکا به دست فرزندان شجاع کشورمان، آمریکا را در یک شوک نظامی فرو برده که پیامدهای آن ادامه دارد و برای بیرون آمدن از این شوک دست به اقدامات متعددی زده است.

در این راستا مقامات آمریکایی ابتدا به عذرخواهی وزیر خارجه آمریکا و سکوت اوباما در این باره پرداختند و اکنون به اخراج نیروهای نظامی دستگیر شده روی آورده‌اند، تا جایی که نیروی دریایی ایالات متحده دومین افسر را نیز برکنار کرد. آسوشیتدپرس نوشته است، رئیس فرماندهی مرکزی نیروی دریایی آمریکا با برکناری فرمانده گروه ضربت ۵۶ از مقام خود، او را به بخش دیگری منتقل کرده است. این دومین برکناری بعد از ماجرای بازداشت موقت تفنگداران آمریکایی از سوی ایران است. اردیبهشت امسال نیروی دریایی آمریکا، فرمانده ده تفنگدار آمریکایی را که دی ماه گذشته پس از ورود به حریم ایران در خلیج فارس برای ۱۵ ساعت بازداشت شدند، از سمت خود عزل کرد. در بیانیه‌ای که نیروی دریایی ارتش ایالات متحده آمریکا منتشر کرد، آمده؛ این نیرو اعتماد خود به فرمانده «ریک راش» را از دست داده است. وی مسئول آمادگی و آموزش بیش از ۴۰۰ ملوان، از جمله ده ملوان بازداشت شده به دست سپاه پاسداران ایران بود. آسوشیتدپرس به نقل از یک مقام رسمی آمریکا نوشت، درباره هفت نفر دیگر در هفته آینده تصمیم‌گیری شود.

سردار سلیمانی، مجری سیاست‌های نظام است



مشاور عالی فرمانده نیروی قدس سپاه با اشاره به حضور مستشاری سردار سلیمانی در عراق گفت: سردار سلیمانی، مجری سیاست‌ها، کمک‌ها و حمایت‌های نظام جمهوری اسلامی ایران از دولت و ملت عراق است و در مقابل جبهه تکفیری‌ها به مردم عراق کمک می‌کند و کسی منکر این مسئله نیست.

سردار مسجدی گفت: در خانه‌های بسیاری از عراقی‌ها در کنار عکس علما، عکس حاج‌قاسم سلیمانی نیز مشاهده می‌شود و این نشان‌دهنده علاقه آنها به ایشان است. نگاه آنها این است که سردار سلیمانی در جایگاه یک فرمانده عالی از طرف جمهوری اسلامی ایران پشتیبان آنها است. مردم عراق می‌دانند که حاج‌قاسم سلیمانی تابع تصمیمات در ایران است و ایشان این تصمیمات را نمایندگی می‌کنند. وی افزود: من پیش‌بینی‌ام این است که در آینده نزدیک داعش از عراق پاک‌سازی خواهد شد، ولی در سورهی ممکن است زمان بیشتری لازم داشته باشد؛ چراکه جریان‌ات تکفیری در آن کشور زمین‌گیر تر شده‌اند و جبهه آنها کمی پیچیده‌تر است، اما روند ضعف آنها ادامه پیدا خواهد کرد. اگر در یک جمع‌بندی کلی بخواهم بگویم مطمئتم به فضل الهی این روند به نفع جبهه حق، دولت و ملت عراق و سوریه و با شکست جریان تکفیر و حامیان آن پیش خواهد رفت.

مسئله

برنامه عربستان برای تحریک الازهر به ایران‌ستیزی



اسناد افشا شدهٔ وزارت امور خارجه عربستان سعودی، نشان می‌دهد که دلیل توجه عربستان به الازهر آن است که می‌خواهد قطع رابطه میان الازهر، در جایگاه بزرگ‌ترین مؤسسه اهل سنت در جهان عرب، با شیعیان به ویژه «ایران» ادامه یابد و تلاش برخی از شیوخ الازهر مانند مرحوم «محمود شلتوت» برای کاستن از اختلاف میان دو طرف با شکست مواجه شود.

پایگاه اینترنتی «ساسة‌پست» مصر گزارش داد که مجموعه دیگری از اسناد افشا شده حاکی است «احمد القطان» سفیر عربستان در قاهره همواره با نمایندگان الازهر، به ویژه شیخ آن و عده‌ای از شخصیت‌های اسلامی در تماس است و برای هماهنگی با آنان به منظور مقابله با آنچه «ترویج تشیع در مصر» می‌نامد، تلاش می‌کند.

این مسئله، محتوای یکی از نامه‌های افشا شده از سوی وزارت امور خارجه عربستان درباره حمایت غیرمستقیم عربستان سعودی از نشست مطبوعاتی «محمد حسان»، از مبلغان سلفی، را تأیید می‌کند که بر اساس آن قرار شد طرحی زیر نظر الازهر برای مقابله با تشیع اجرا شود. «انور عشقی»، نژال سابق سعودی و رئیس مرکز پژوهش‌های سیاسی و راهبردی الشرق در ادعاهای خود علیه ایران و مذهب تشیع، گفت: «عربستان سعودی به خوبی اهمیت الازهر را برای مقابله با خطر تشیع درک می‌کند و می‌داند که باید این نقش در آینده، متناسب با افزایش خطر ایران، گسترش یابد.»

خام‌اندیشی به خام‌فروشی منتهی می‌شود



از منظر اقتصاد مقاومتی مهم‌ترین علت نابسامانی‌های اقتصادی موجود چیزی جز خام‌فروشی نبوده است. منطقاً نتیجه خام‌فروشی، خام‌اندیشی است.

دکتر مسعود درخشان، اقتصاددان و عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی گفت: سیاست‌های اقتصاد مقاومتی را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد؛ دسته اول- مقاوم‌سازی اقتصاد ملی در برابر مشکلات و عدم تعادل‌های ساختاری در اقتصادی است که هم اکنون بار سنگین معضلاتی چون بیکاری، تورم، وابستگی به نفت، واردات بی‌رویه، ضعف شدید نظام تولید و آشفنگی الگوی مصرف و نظایر آن را به خوبی احساس می‌کنیم. دسته دوم- مقاوم‌سازی اقتصاد ملی در برابر بحران‌هایی است که ریشه در اقتصاد ملی دارند؛ اما فعلاً نپهاند و به احتمال زیاد در آینده ظاهر می‌شوند، مانند بحران آب، بحران انرژی، بحران محیط زیست. دسته سوم- مقاوم‌سازی اقتصاد ملی در برابر اختلال‌ها و عدم تعادل‌هایی است که معمولاً ریشه در فرآیند رشد اقتصادی دارند و ناشی از فقدان راهبردهای توسعه در بخش‌های مختلف اقتصادی و همچنین حاصل نداشتن توازن توسعه منطقه‌ای هستند. دسته چهارم- مقاوم‌سازی اقتصاد ملی در برابر تهدیدهای اقتصادی دولت‌هایی است که ویژگی انقلابی جمهوری اسلامی ایران با منافع آنها در تضاد است. وی افزود: اگر کسی فکر می‌کند که با واردات کالاها و خدمات می‌توان رفاه اقتصادی را تأمین کرد خام‌اندیش است.

تلاش است وارد برجام ۲ شود، این را می‌توان از مذاکرات موفق ظریف با جان کری و وزیر خارجه آلمان فهمید. بی‌بی‌سی گفت: برکناری امیر عبداللّه‌پن، شخصیت نزدیک به سپاه، برگ برنده خوبی برای دولت به شمار می‌رفت، اما بیانیه قاسم سلیمانی تیر خلاصی بود به اقدامات یک هفته گذشته ظریف و پشتت پایب به برجام ۲ دولت روحانی.

گلایه‌های عارف

از امیدهای ناچجا

محمدرضا عارف، نماینده اصلاح‌طلب مجلس شورای اسلامی دهم که در دو انتخابات درون مجلس برای ریاست مجلس و ریاست کمیسیون آموزش موفق نبود، به تازگی در دیدار شاخه جوانان حزب ندا با بیان اینکه انتخابات کمیسیون‌ها مهندسی شده بود، ناراحتی خود در این‌باره را این‌گونه بیان کرد: اگر برخی کم‌لطفی‌ها از جانب کسانی که در ائتلاف امید بودند، صورت نمی‌گرفت، بهتر به هدف خود می‌رسیدیم و به همین وجود دارد که در زمان مناسب مطرح خواهد شد.

فتوای عالمانه

ماموستا عبدالرحمن خدایی، امام جمعه سمنندج با اشاره به فتوای رهبر معظم انقلاب مبنی‌بر حرام اعلام کردن اهانت به همسران پیامبر اسلام(ص)، گفت: فتوای عالمانه مقام معظم‌رهبری

یادداشت

انتفاضه بحرین

محمدرضا مرادی

سرانجام رژیم آل خلیفه با اقدام علیه رهبر شیعیان بحرین زمینه مبارزه مسلحانه مردم این کشور را فراهم کرد؛ چراکه در پنج سال گذشته انقلابیون بحرینی سعی داشتند تنها با برگزاری تجمعات و به صورت کاملاً مسالمت‌آمیز در راستای تحقق اهداف خود بکوشند؛ اما گویا آل خلیفه مبارزه غیرمسلحانه مردم بحرین را نشانه ضعف آنها دانسته و شیخ‌عیسی قاسم، رهبر شیعیان این کشور را سلب تابعیت کرده است. بحرین از بهمن سال ۱۳۸۹ صحنه برگزاری اعتراضات خیابانی مردم است؛ مردمی که خواستار برکناری رژیم آل خلیفه و آزادی زندانیان سیاسی هستند. مردم بحرین برخلاف دیگر انقلاب‌های منطقه، سلاح به دست نگرفته و به خشونت روی نیاورده‌اند. اما پاسخ رژیم آل خلیفه به این انقلاب و رفتار صلح‌آمیز دستگیری و انحلال بوده است و مردم بحرین به هیچ‌یک از حقوق خود دست نیافته‌اند. در چند هفته اخیر آل خلیفه اقدامات خود علیه انقلابیون بحرین را شدت بخشیده است اقداماتی چون؛ رژیم بحرین در این هفته‌ها «نبیل رجب»، رئیس انجمن حقوق بشر بحرین را بازداشت کرده، دفاتر جمعیت وفاق ملی اسلامی را به همراه دو جمعیت اسلامی دیگر تعطیل کرده، از سفر شماری از فعالان حقوق بشری به خارج از کشور ممناعت به عمل آورده و تعدادی از علمای دینی ششیعه را به حضور فراخوانده است. این امر علاوه بر موارد دیگر نقض حقوق بشر است که اکثراً علیه شهروندان شیعه اعمال می‌شود. اما اوج اقدامات آل خلیفه سلب تابعیت از «شیخ‌عیسی قاسم» رهبر معنوی انقلاب بحرین است که به اتهام فرقه‌گرایی صورت گرفت. کارشناسان این تصمیم آل خلیفه را احقانه ارزیابی کرده‌اند؛ چراکه شیخ‌عیسی قاسم از یک خانواده قدیمی بحرینی است که حتی از خاندان قطری تبار حاکم نیز اصالت بیشتتری در این جزیره شیعه‌نشین دارد و سلب تابعیت شیخ‌قاسم حامل این پیام به شهروندان حقیقی بحرین است که آنها نیز باید سرزمین آبا و اجدادی خود را ترک کنند. اما این اقدام احقانه آل خلیفه چه پیامدهایی را به دنبال خواهد داشت؟

مردم بحرین در پنج سال گذشته به دنبال خواسته‌های مشروع خود بودند و در این مسیر سعی داشتند از سلاح و خشونت استفاده نکنند. به طور کلی می‌توان مجموعه مطالبات مردم بحرین، به ویژه شیعیان این کشور از رژیم آل خلیفه را در موارد زیر خلاصه کرد:

- تدوین قانون اساسی جدید که به موجب آن تمامی مذاهب در بحرین از حقوق یکسان برخوردار باشند.
- برگزاری انتخابات پارلمانی به صورت کاملاً دموکراتیک.
- آزادی تمامی زندانیان سیاسی که تنها به دنبال اعلام مخالفت خود با رژیم حاکم بازداشت شده‌اند.
- برگزاری انتخابات دموکراتیک در کشور، به طوری که قدرت در کشور به یک خاندان خاص (رژیم آل خلیفه) محدود نباشد.

پس از پنج سال مردم بحرین به هیچ‌یک از خواسته‌های خود نرسیده‌اند؛ اما به دلیل اعتقادات رهبران شیعه بحرین، مردم همچنان به صورت مسالمت‌آمیز به دنبال تحقق اهداف خود بودند. سلب تابعیت از رهبر شیعیان این کشور می‌تواند به معنای پایان این نوع روش مبارزه باشد. در بحرین کسی که سلب تابعیت می‌شود از تمام حقوق شهروندی محروم می‌شود و باید در اسرع وقت کشور را ترک کند. سلب تابعیت یکی از عجایب روزگار است که تنها بحرین آن را در پیش گرفته است. به همین دلیل باید شاهد تغییر رویکرد و روش مبارزاتی در بحرین بود. مبارزه سخت می‌تواند جایگزین روش کنونی انقلابیون شود. در واقع مردم بحرین نیازمند انتفاضه‌ای علیه آل خلیفه هستند؛ انتفاضه‌ای که باید با تأسی از مردم فلسطین شکل دهند و تا رسیدن به اهداف خود به آن ادامه دهند. اکنون باید منتظر خیزش مردم بحرین بود که این بار احتمالاً مرحله جدید مبارزه آنها به شکلی خشونت‌آمیز شروع خواهد شد.

یادداشت

لغو تابعیت ابزار رژیم آل خلیفه برای فتنه‌انگیزی

محمدرضا بلوردی

از سال ۲۰۱۱ و با شروع تحولات در کشورهای عربی، مردم بحرین نیز در اعتراض به وضعیت سیاسی و اجتماعی حاکم بر این کشور دست به اعتراض زده و خواستار احقاق خود شدند؛ اما واکنش رژیم آل خلیفه سرکوب شدید این اعتراضات بوده و نتیجه آن شهادت و زندانی شدن جمع بسیاری از معارضان و مخالفان این رژیم بوده است. رژیم حاکم در بحرین به‌تازگی سیاستی در پیش گرفته، تأکید بیشتر روی موضوع لغو تابعیت معارضان سیاسی است که با بهانه‌های مختلفی صورت می‌گیرد و طبق اعلام سازمان ملل متحد در سال‌های اخیر ۲۵۰ نفر از شهروندان بحرینی لغو تابعیت شده‌اند. آخرین اقدامی که در این زمینه صورت گرفته، لغو تابعیت آیت‌الله شیخ‌عیسی قاسم، مرجع دینی شیعیان این کشور بوده است که با بهانه اقدام آیت‌الله قاسم در جهت دامن زدن به فرقه‌گرایی افراطی در این کشور صورت گرفته است که بدون شک پیامدهایی برای آل خلیفه در بر خواهد داشت.

در اوضاع کنونی به نظر می‌رسد، رژیم بحرین تصمیم گرفته است با شدت بخشیدن به اقدامات خود علیه معارضان و اقداماتی، مانند صدور حکم ۹ سال زندان برای شیخ‌علی سلمان، رئیس جمعیت الوفاق، تعطیل کردن تشکل‌های اسلامی «التوعیه»، «الرساله الاسلامیه» و «الوفاق»، بازداشت دوباره «نبیل رجب» فعال بحرینی حقوق بشر، جلوگیری از سفر فعالان حقوق بشر و نیز صدور حکم اعدام برای برخی از معارضان، اوضاع را در این کشور بیش از پیش سخت‌تر و بحرانی‌تر کند. این در حالی است که تحولات بحرین در مقایسه با تمام کشورهای عربی که شاهد این دست تحولات بودند، مسالمت‌آمیزتر بود. مقامات بحرینی با اقدام اخیر خود نشان دادند، تصمیم گرفته‌اند در برخورد با مخالفان خود همان راهی را بروند که پیش از این عربستان سعودی رفته بود؛ عربستان سعودی با اعدام شیخ باقر نمرالنمر او را ترور فیزیکی کرد و اکنون آل خلیفه به شیوه‌ای متفاوت به دنبال حذف آیت‌الله عیسی قاسم است. سعودی‌ها همچنین از تصمیمی که در بحرین گرفته شده، استقبال کرده‌اند.

به نظر می‌رسد، دولت بحرین در مسیری گام برمی‌دارد که پایان آن پرنگاهی خطرناک برای این رژیم است؛ چراکه به محض اعلام لغو تابعیت شیخ‌قاسم صدها نفر از مردم بحرین ضمن اعلام همبستگی خود با مرجع دینی خود در مقابل منزل این روحانی در منطقه دراز تجمع کرده و شعارهایی را علیه اقدام آل خلیفه سرر دادند. از همین‌رو انتظار می‌رود در روزهای آینده اوضاع در این کشور متشنج شود؛ زیرا لازمه این لغو تابعیت، اخراج شیخ‌عیسی قاسم از کشور است که می‌تواند به تقابل شدید بین معارضان و حکومت منجر شود. همچنان که ائتلاف جوانان ۱۴ فوریه با صدور بیانیه‌ای از مردم خواسته است همبستگی و مساعدت خود را نشان دهند و تأکید کرده است در چنین شرایطی نشستن در خانه‌ها جایز نیست.

پنجره

بردگی در لوای نام آزادسازی، سناریوی خطرناک غرب

■ ■ ■ **قاسم غفوری** ■ ■ ■

مجموع این رفتار محافل غربی و صهیونیستی در حالی صورت می‌گیرد که تجربه‌های تاریخی درس‌های مهمی درباره رفتار آنها در قبال مناطق کردنشین منطقه دارد. آرشیبو کتابخانه ریچارد نیکسون، در دهه ۱۹۷۰ نامه هنری کیسینجر، مشاور امنیت ملی آمریکا خطاب به سفیر ایالات متحده در تهران را منتشر کرده است.

کیسینجر در این نامه هلمز را مأمور کرده است تا درباره اعلام آمادگی ایالات متحده برای کمک به کردها با شاه ایران گفت‌وگو کند. وی در عین حال تأکید می‌کند که ایجاد حکومت خودمختار و مستقل کرد در عراق و نوعی تقسیم‌بندی دائمی این کشور، منافع طولانی‌مدت اقتصادی را به همراه نخواهد داشت. بارزانی که از دهه ۱۹۶۰ با آمریکا در تماس بود، بار دیگر برای دریافت کمک علیه بغداد به آنها مراجعه کرد. آمریکایی‌ها کردها را به شورش علیه بغداد ترغیب کردند و میلیون‌ها دلار سلاح، پشتیبانی لجستیکی و بودجه مالی برای آنها تهیه کردند.

همان‌گونه که در نامه کیسینجر به هلمز به طور مستقیم به آن اشاره شده است، آنها ترجیح می‌دادند شورشیان فقط تا آنجا پیش بروند که برای کشیدن شیره عراق کافی باشد. هشت ساعت پس از آنکه عراق با شروط آمریکا و ایران (که در توافقنامه الجزیر در سال ۱۹۷۵ فرمول‌بندی شده بود) موافقت کرد، شاه و آمریکا کمک‌های خود (حتی کمک‌های غذایی) به کردهای عراق را قطع کردند و مرز ایران را بستند و راه عقب‌نشینی کردها را مسدود کردند. این روزها در حالی آمریکایی‌ها ادعای رویکرد به استقلال کردها در سوریه و عراق را سر می‌دهند که رفتار عملی آنان نشان می‌دهد آمریکا بار دیگر به دنبال سوءاستفاده از کردها برای رسیدن به منافع خود در منطقه است و در نهایت نیز با خیانت آنها را در وضعیت بلا تکلیفی و سردرگمی باقی خواهد گذاشت.

در زمینه اهداف اصلی آمریکا در عراق و منطقه می‌توان به سخنان کیسینجر درباره سوریه توجه داشت. هنری کیسینجر در یک نشست تلویزیونی نظر خود را درباره حل بحران سوریه این‌طور بیان کرد: «مسئله اصلی در سوریه اختلاف بین اقلیت‌ها است. اگر واقعا می‌خواهیم خون‌ریزی‌ها در سوریه متوقف شود، باید به دنبال نتیجه‌ای باشیم که در آن قومیت‌های مختلف در سوریه کما بیش به خودمختاری برسند، به همین علت است که من هیچ وقت طرفدار مداخله نظامی در سوریه نبوده‌ام.» هنری کیسینجر همچنین، در مقاله خود که در تاریخ ۱۳/۳/۱۳۹۱ در روزنامه «واشنگتن پست» منتشر شد، نسبت به هرگونه دخالت یا حمله نظامی به کشور سوریه هشدار داد و چنین حمله‌ای را عامل تغییر نظام جهانی دانست. وی در ادامه افزود، نباید فراموش کرد که تجربه چند دهه اخیر نشان داده هنگامی که حکومتی سقوط می‌کند، آن کشور به پناهگاهی برای تروریست‌ها و گروه‌های مسلح تبدیل می‌شود. کیسینجر در مقام یکی از تصمیم‌سازان در ساختار سیاست خارجی آمریکا بارها بر مخالفت با استقلال کردها تأکید می‌کند؛ چنانکه کری، وزیر خارجه آمریکا در سفر به اقلیم کردستان به‌طور رسمی با طرح استقلال مخالفت می‌کند. بر این اساس می‌توان گفت رویکرد غرب به کردهای عراق و سوریه صرفاً یک بازی برای رسیدن به منافع‌شان است و در نهایت نیز آنها را در بحران رها خواهند کرد؛ طرحی که راهکار مقابله با آن همگرایی ملی در مبارزه با تروریسم و برقراری امنیت است که ضمن ایجاد جایگاه مردمی برای آنان زمینه‌ساز شکست توطئه غرب علیه کردهای سوریه و عراق می‌شود.

رخنه

نفوذ رژیم صهیونیستی در جهان اسلام – ۲۴

گینه اسیر سیاست‌های صهیونیست‌ها

■ ■ ■ **عبدالله عبادی** ■ ■ ■

میان اسرائیل و منطقه غرب آفریقا، دانیال بنحاسی سفیر سابق اسرائیل در سنگال و برخی افسران بلندپایه ارتش رژیم صهیونیستی.»

رژیم دیکتاتوری کامارا با کمک مشاوران امنیتی رژیم صهیونیستی مخالفان را سرکوب می‌کند و طی مدت کوتاهی اکثر آنها را از پای درمی‌آورد. قتل عام مخالفان در اکتبر و نوامبر ۲۰۰۹



نمونه‌هایی از استبداد و نقض حقوق بشر در این کشور است. گارد ریاست‌جمهوری و گارد محافظان کامارا از طریق شرکت امنیتی اسرائیلی GLOBAL CST و شرکت GLS (دوبوید) تسور افسر امنیتی بازنشسته موساد صاحب این شرکت است.) آموزش می‌بینند، صهیونیست‌ها در قبال این خدمات پولی دریافت نمی‌کنند؛ بلکه در ازای آن امتیازات کلانی در زمینه استخراج الماس و آهن می‌گیرند. شرکتBSGR که صاحب آن تاجر معروف الماس

«بنی اشتیمتزو» بود به همراه شرکت صهیونیستی دیگری به نام LR امتیازات مهمی در زمینه استخراج آهن از دولت کودتاگر در دریافت می‌کنند، همچنین شرکت سلکوم گینه – که صاحبان اصلی آن

فراسو

سرنوشت سیاه سعودی در اتحادیه‌های خودساخته

■ ■ ■ **رضا اشرفی** ■ ■ ■

محوری درباره آن متصور شد. اول آنکه؛ امارات تا زمانی کنار سعودی بوده که فشارهای جهانی مبنی بر محکومیت جنایت آن در یمن افزایش نیافته بود. به عبارتی، امارات از ترس قرار گرفتن در لیست سیاه از همگرایی با سعودی دوری کرد و او را در میانه راه تنها گذاشت. دوم آنکه؛ هدف امارات از جنگ یمن نه کمک به سعودی، بلکه اهداف اقتصادی و نظامی بود. از یک سو به بهانه جنگ خریدهای تسلیحاتی خود را افزایش داد و از سوی دیگر با بمباران عدن به مثابه تهدید اقتصادی برای مراکز اقتصادی اسارات، یک رقیب اقتصادی را از میدان به‌د کرده و پس از پایان این طرح اعلام خروج از جنگ کرد. به عبارتی، امارات نه به دنبال کمک به سعودی، بلکه به دنبال استفاده ابزاری از آن برای رسیدن به منافع خود بود و در نهایت نیز آن را رها کرد. نمود دیگر این وضعیت را در رفتارهای مصر در قبال سعودی می‌توان مشاهده کرد. مصر در دوران السیسی بارها خود را همسو با سعودی دانسته و از دو طرح بزرگ سعودی، یعنی اقدام نظامی در یمن و نیز تشکیل ارتش واحد عربی اعلام حمایت داشته است. پس از گذشت ماهه‌ا از این ادعاها مسجل شده که مصر نگاه واحدی به سعودی ندارد و به دنبال امتیازگیری اقتصادی به بهانه همکاری بوده و در این راه نیز میلیاردها دلار از سعودی دریافت کرده است. مصر سرانجام از حضور گسترده در جنگ یمن خودداری کرد، همسویی علیه سوریه را اجرا نکرد و در نهایت نیز ارتش واحد عربی به سبک سعودی ایجاد نشد.

نمود دیگر نگاه ابزاری به سعودی را در رفتارهای مقامات آمریکایی می‌توان مشاهده کرد. در حالی سران آمریکا از دلارهای نفتی و البته خریدهای تسلیحاتی سعودی درآمدهای کلانی داشته‌اند و از بحران‌سازی منطقه‌ای آن برای اهداف خود بهره گرفته‌اند که در نهایت برای منافع شخصی خود به سیاست انتقادی از سعودی روی آورده‌اند. نمود عینی آن رفتارهای هیلاری کلینتون، وزیر خارجه سابق آمریکا و نامزد دموکرات‌ها برای انتخابات آتی آمریکاست. در حالی که حزب وی به ریاست جمهوری اواما درآمدهای بسیاری از سعودی کسب کرده و اهداف منطقه‌ای خود را با نقاب سعودی پیگیری کرده‌اند و خود نیز کمک‌هزینه‌های انتخاباتی بسیاری از سعودی دریافت کرده، اما سیاست انتقاد از سعودی را در پیش گرفته است. هیلاری پس از حادثه تیراندازی اورلاندو به سعودی‌ها در باب حمایت مالی از تروریسم هشدار داد. البته، به لیست سوءاستفاده‌کنندگان از سعودی سایر متحدانش چون پاکستان، سودان، جیبوتی و… را نیز باید افزود که تا رزمان دریافت کمک‌های مالی در کنار سعودی بوده و پس از آن راه خود را جدا کرده‌اند.

با توجه به آنچه ذکر شد می‌توان گفت که هر چند سعودی ادعا دارد که توانسته ائتلاف‌های بسیاری ایجاد کند؛ اما در عمل همان متحدان ادعایی به چشم یک ابزار به سعودی نگاه کرده و در نهایت پس از تأمین خواسته‌های خود سعودی را تنها گذاشته و از آن دوری جست‌ه‌اند. به عبارتی، سعودی که به دنبال استفاده ابزاری از کشورها برای رسیدن به اهدافش بود خود مورد سوءاستفاده کشور‌های به‌اصطلاح متحدش قرار گرفت و در نهایت نیز رها شد. به عبارتی، سعودی چاه‌کن برای دیگران خود در قعر چاه قرار گرفت.



هویت

۴۵۷

کانادا؛ مجاز شدن مرگ به کمک پزشکان!

در اقدامی که بسیاری از نهادهای حقوق بشری آن را مغایر با اصول انسانی می‌دانند، پارلمان کانادا با قانون جنجالی مرگ به کمک پزشکان یا «مرگ خوب» (تانازی) موافقت کرد.

اتانازی کمک به مرگ بیماران ناامید از بهبود است. با تصویب این قانون در پارلمان کانادا، این کشور از جمله کشورهای معدودی خواهد شد که به پزشکان اجازه می‌دهد به مرگ بیماران ناامید از بهبودی کمک کنند. پیش از کانادا، کشورهایی چون هلند، سوئیس، آلبانی، کلمبیا و ژاپن به همراه شش ایالت آمریکا این اقدام را مجاز شمرده بودند. این در حالی است که اتانازی در بسیاری از کشورها غیرقانونی است. بسیاری از مردم جهان این اقدام را خلاف مشیت الهی می‌دانند. نهادهای حقوق بشر بارها درباره مرگ بیماران به وسیله آنچه کمک پزشکان عنوان می‌شود هشدار داده و آن را اقدامی علیه بشریت دانسته‌اند.

آلمان: تشدید اسلام‌هراسی

یک پژوهش دانشگاهی در آلمان نشان می‌دهد که تمایلات اسلام‌هراسی و نژادپرستی علیه مسلمانان در این کشور از سال ۲۰۱۴ تاکنون افزایش زیادی داشته است. اطلاعات به دست آمده در پی نظرسنجی دانشگاه لایپزیک، حاکی از این وضعیت است. بر این اساس، نیمی از پرسش‌شوندگان به مسلمانان در کشورشان حس بیگانگی دارند. این در حالی است که آمار یاد شده در سال ۲۰۱۴ حدود ۴۳ درصد ارزیابی شده بود و ۴۰ درصد از افراد معتقد بودند که مسلمانان می‌توانند به آلمان مهاجرت کنند. در این نظرسنجی هم مانند نظرسنجی‌های پیشین، مردم نظر چندانی خوشایندی درباره اقلیت‌ها نداشته‌اند. برای نمونه حدود ۶۰ درصد از افراد معتقدند که بیشتر افرادی که درخواست مهاجرت داده‌اند واقعا در کشور خودشان دچار مشکل نیستند. بسیاری تأکید دارند مواضع ضد اسلامی دولت‌مردان غربی زمینه‌ساز تشدید اسلام‌هراسی در این کشورها شده است.

فرانسه: بحرانی تر شدن هر روزه وضعیت بحرانی زنان در فرانسه

براساس تحقیقات، در ادامه آشکار شدن وضعیت بحرانی زنان در فرانسه مدعی حقوق بشر، ۸۷ درصد از زنان فرانسوی که از خدمات حمل‌ونقل عمومی استفاده می‌کنند قربانی آزار جنسی بوده‌اند. زنان ناگزیر شده‌اند برای مقابله با آزارهای جنسی رویه خود را تغییر دهند، به طوری که نیمی از زنان هنگام استفاده از وسایل حمل‌ونقل عمومی به‌ویژه در شب لباس‌های خاصی می‌پوشند. به‌طور کلی ۲۴ درصد از زنان از وسایل حمل‌ونقل عمومی چشم‌پوشی کرده، از تاکسی یا از خودروهای شخصی استفاده می‌کنند. همچنین بسیاری از زنان قربانی حملات نژادپرستانه می‌شوند که بسیاری از آنان را زنان سیاه‌پوست و اقلیت‌های دینی از جمله مسلمانان تشکیل می‌دهند.

آمریکا: آزار معترضان به اقدامات خشونت‌آمیز پلیس

آمریکا از جمله کشورهای غربی است که ادعای حقوق بشر برتر را سر می‌دهد و با این ادعا نیز علیه سایر کشورها پرونده‌سازی می‌کند. آمریکا در حالی همچنان خود را کانون حقوق بشر در جهان معرفی می‌کند که در عرصه داخلی حتی ظرفیت شنیدن صدای انتقاد و اعتراض از سوی دولت‌مردانش وجود ندارد. برای نمونه گروه‌های فعال حقوق بشر در لس‌آنجلس اعلام کردند معترضان به اقدامات خشونت‌بار پلیس در این شهر تحت آزار و اذیت، جانمایی و بازرسی با زورداشت ۲۴ نفر می‌گیرند. آمارها نشان می‌دهد از میان ۲۸ خانه تیراندازی مأموران پلیس لس‌آنجلس در سال ۲۰۱۶ نیز یک‌سوم افرادی که هدف گلوله پلیس قرار گرفته‌اند بیماران روانی بوده‌اند. در سال‌های اخیر نیروهای امنیتی آمریکا به بهانه مبارزه با تروریسم و تشدید فضای امنیتی به سرکوب گسترده مردم دست می‌زنند که البته تعداد بسیاری از کشته‌شدگان به دست پلیس را مردم‌پوستان تشکیل می‌دهند.



کند و کاو

۷۱۶

رخدادهاییرانمن مسائل ایران و آمریکا

ایران نه دوست و نه شریک ما است

خبرگزاری فارس: در ادامه دشمنی آشکار مقام‌های آمریکایی با جمهوری اسلامی ایران، «جو بایدن» معاون رئیس‌جمهور آمریکا گفت: ایران نه دوست آمریکا و نه شریک این کشور است. وی در بخش دیگری از اظهاراتش بار دیگر تأکید کرد: ایران به توافق هسته‌ای با کشورهای گروه ۵+۱ که تیر ماه سال گذشته امضا شد، پایبند بوده است.

ادعاهای دوباره مقام‌های آمریکایی درباره پارچین

خبرگزاری تسنیم: مقام‌های کنونی و سابق آمریکایی ادعا کردند، دولت اوپاما به این نتیجه رسیده است که اورانیوم کشف‌شده سال گذشته در یک پایگاه نظامی سزّی ایران احتمالاً مربوط به فعالیت‌های قبلی هسته‌ای این کشور بوده است. یک مقام ارشد دولت آمریکا در این‌باره گفت: وجود ذرات اورانیوم در آنجا احتمالاً مربوط به یافته‌های ما درباره مشارکت پارچین در برنامه تسلیحات هسته‌ای در گذشته بوده است، البته وجود اورانیوم به خودی خود نمی‌تواند چیزی را ثابت کند. مقام‌های دولت اوپاما افزودند: کشف اورانیوم در تأسیسات پارچین، ارزیابی نهادهای اطلاعاتی آمریکا در این زمینه را تغییر نداده است که تهران تلاش‌های خود را برای ساخت بمب اتمی در سال ۲۰۰۳ میلادی متوقف کرده است.

ایران‌هراسی با ادعای مبارزه با پول‌شویی

خبرگزاری باشگاه خبرنگاران: «مایک پامپئو» نماینده جمهوریخواه مجلس نمایندگان آمریکا، در بیانیه‌ای از نهاد بین‌المللی مبارزه با پول‌شویی خواست که در برابر ایران قاطعانه عمل کند. پامپئو در این بیانیه نوشته است: «کارگروه اقدام مالی در حالی که دیگران در برابر ایران و دولت اوپاما تسلیم نشده‌اند، کماکان حقایق را در مسائل مناقشه‌انگیز بیان می‌کند.» «کارگروه اقدام مالی» اسفند سال گذشته با صدور بیانیه‌ای، ایران را به‌همال در «مقابله با خطرات تأمین مالی گروه‌های تروریستی» متهم کرده و تهران را «تهدید برای یکپارچگی نظام مالی بین‌المللی» خوانده است.

مشکلات بانکی برای فشار بر ایران مفید است

خبرگزاری فارس: «بارارا اسلاوین»، تحلیلگر ارشد «شورای آتلانتیک»، در تحلیلی درباره مشکلات بانکی فعلی در اجرای برجام، این موانع را برای فشار بر مقامات ایران به منظور محدود کردن آنچه به ادعای وی نقش‌آفرینی سیاه پاسداران انقلاب اسلامی در اقتصاد ایران است، مفید خوانده است. وی به هراس شرکت‌ها از تجارت با ایران اشاره کرده و نوشته است: «این واقعیت که شرکت‌های خارجی روند کندی برای بازگشت به ایران دارند، می‌تواند شوهدمند باشد؛ زیرا مقامات ایران را برای محدود کردن نقش سیاه در اقتصاد و بلا برندن مفید در بخش بانکی تحت فشار قرار می‌دهد.»

تصویب مفاد جدید در زمینه تحریم‌های ایران

خبرگزاری تسنیم: کمیته اعتبارات ستاد مفاد جدیدی را در زمینه تحریم‌های ایران تصویب کرده است. این کمیته این مفاد جدید را قالب گزارشی همراه با لایحه بودجه سال مالی ۲۰۱۷ به تصویب رسانده است. لحن جدید گنجانده‌شده در «طرح خدمات مالی و دولت عمومی در سال مالی ۲۰۱۷» به ابتکار سناتور «جان بوزمان» -وزارت خزانه‌داری را به «بررسی کامل تمامی موارد حذف تحریم‌های ایران در دو سال گذشته ملزم می‌کند.» بر اساس مفاد پیشنهادشده، در صورتی که وزارت خزانه‌داری آمریکا تشخیص دهد که مؤسسه‌ای اقدام به انجام فعالیت‌هایی در این زمینه کرده است، باید آن مؤسسه را تحریم کند یا درباره تحریم نکردن آن توضیح مکتوب ارائه دهد.

آمریکا بر تهدید داعش و ایران متمرکز است

خبرگزاری ایرنا: وزیر دفاع آمریکا گفت که ایران کشور در خاورمیانه اُغرب آسیا و شمال آفریقا بر «تهدید» داعش و ایران متمرکز است. «اشتون کارت» وزیر دفاع آمریکا ایران را جزء تهدیدهای پیش روی کشورش خواند و گفت: واشنگتن در خاورمیانه تمرکزش را به دو تهدید، که حرف اول آنها با «I» شروع می‌شود (Iran & ISIS)، معطوف کرده است. آمریکا با تهدید خواندن ایران، موضوع افزایش همکاری‌های نظامی با کشورهای عربی علیه ایران را مطرح کرده است.

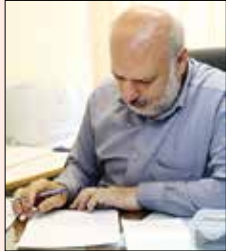


نقض حقوق بشر در آمریکا و به وسیله آمریکایی‌ها در دنیا از همه کشورها بیشتر است؛ اما مردم دنیا و همچنین ملت ایران و دولت ایران و نظام اسلامی را به نقض حقوق بشر متهم می‌کنند! پرچم حقوق بشر را کسانی به دست گرفته‌اند که خودشان بزرگ‌ترین ناقض حقوق بشرند!

۱۳۸۴/۰۱/۰۱



آمریکا ناقض سربالی حقوق بشر



علی قاسمی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نظام جمهوری اسلامی ایران که در حال تثبیت اوضاع خود بود، با انواع توطئه‌ها و به شیوه‌های مختلف مورد حمله قرار گرفت. شیوه‌هایی که همواره دشمنان داخلی و خارجی به سرکردگی آمریکا از آن استفاده کردند، از جمله ترور، بمب‌گذاری و ناپدید کردن حقوق مسلم مردم ایران که به نوعی نقض حقوق بشر به شمار می‌آید. مرور تاریخ انقلاب اسلامی نشان می‌دهد، برخی از این اقدامات ضدبشری از نظر زمانی در تیر ماه اتفاق افتاده است. از جمله، سوءقصد نافرجام گروهک تروریستی فرقان به آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در روز ششم تیر ماه ۱۳۶۰ در مسجد ابوذر تهران که در آن ضبط صوت بمب‌گذاری شده منفجر شد و دست راست ایشان صدمه شدیدی دید. بمب‌گذاری دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی ایران که یک روز بعد؛ یعنی در روز هفتم تیر ماه ۱۳۶۰ اتفاق افتاد و در این حادثه هولناک آیت‌الله دکتر بهشتی و ۷۲ نفر از یاران ایشان که مسئولیت‌هایی، همچون نمایندگی مجلس، وزارت و ... را به عهده داشتند، به دست منافقین که منطقی جز ترور و خشونت نداشتند، به شهادت رسیدند. ترور آیت‌الله صدوقی، سومین شهید محراب در یازدهم تیر ماه ۱۳۶۱ که هنگام ترک جایگاه نماز جمعه با دهان روزه از سوی اعضای گروهک تروریستی منافقین به درجه رفیع شهادت نائل آمد و جنایت ضد بشری بمباران شیمیایی سردشت در هفتم تیر ماه سال ۱۳۶۶ از سوی رژیم بعث عراق که در حقیقت حامیان آن دولت‌هایی بودند که در پس شعارهای فریبنده دفاع از حقوق بشر و مبارزه با تروریسم، رژیم بعثی عراق را در جنگ تحمیلی هشت ساله به ساخت و انبار سلاح‌های گشتار جمعی تشویق و حتی تجهیز کردند. اوج این خبثات آمریکایی‌ها در ۱۲ تیر ماه ۱۳۶۷ اتفاق افتاد و آن شلیک همزمان دو موشک به هواپیمای مسافربری ایرباس شرکت هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران از طریق ناو آمریکایی «وینسنس» بود که تمامی ۲۹۰ نفر مسافر و خدمه آن به شهادت رسیدند؛ ۱۱۸ نفر از این مسافران بی‌گناه، زن و کودک بودند. از همه دردناک‌تر آن بود که ریگان، رئیس‌جمهور وقت آمریکا به جای عذرخواهی در اقدامی شرم‌آور به فرمانده جنایتکار ناو وینسنس نشان افتخار داد. با این جنایات سربالی که در هفته دوم تیر ماه اتفاق افتاد، امام خامنه‌ای در دیدار با خانواده‌های شهیدای هفتم تیر و جمعی از خانواده‌های شهیدها با یادآوری جنایات سلسله‌وار مذکور، فرمودند: «اگر طراح این حوادث هم سرویس‌های امنیتی آمریکا و غرب نبودند، حداقل کمک‌کننده بودند؛ حداقل تشویق‌کننده بودند. این دشمن‌ها را بشناسیم. به تعبیر بعضی دوستان، خوب است این هفتم تا دوازدهم تیر را هفته «حقوق بشر آمریکایی» اعلام بکنیم.» پیگیری پیشنهاد هوشمندانه رهبر معظم انقلاب در نام‌گذاری هفته دوم تیر ماه به عنوان هفته «حقوق بشر آمریکایی» از سوی سازمان‌های ذی‌ربط می‌تواند مقدمه‌ای بر نمادسازی سیاست‌ها و افشای اقدامات ضدحقوق بشری آمریکا در جهان باشد. از این رو هفته‌نامه صبح صادق با هدف تبیین رهنمودها و منویات رهبر معظم انقلاب بخش ویژه‌ای را به این موضوع اختصاص داد تا با تنویر افکار عمومی در عملیاتی‌سازی این خواسته معظم‌له گام برداشته باشد. آنچه در این اوضاع کنونی ضرورت دارد، این است که با اقدامات این چنینی و به موقع و بیدار کردن افکار عمومی اجازه ندهیم آمریکا که خود یکی از بزرگ‌ترین ناقضان حقوق بشر در جهان به شمار می‌رود و ناقض سربالی حقوق بشر در قبال کشورهای جهان، به‌ویژه علیه جمهوری اسلامی ایران است، در هر مقطعی که منافعش اقتضا کند، از این موضوع به‌منزله یک ابزار سیاسی علیه ملت‌های مظلوم، از جمله ایران بهره‌برداری کند.

حسن رحیم‌پور ازغدی

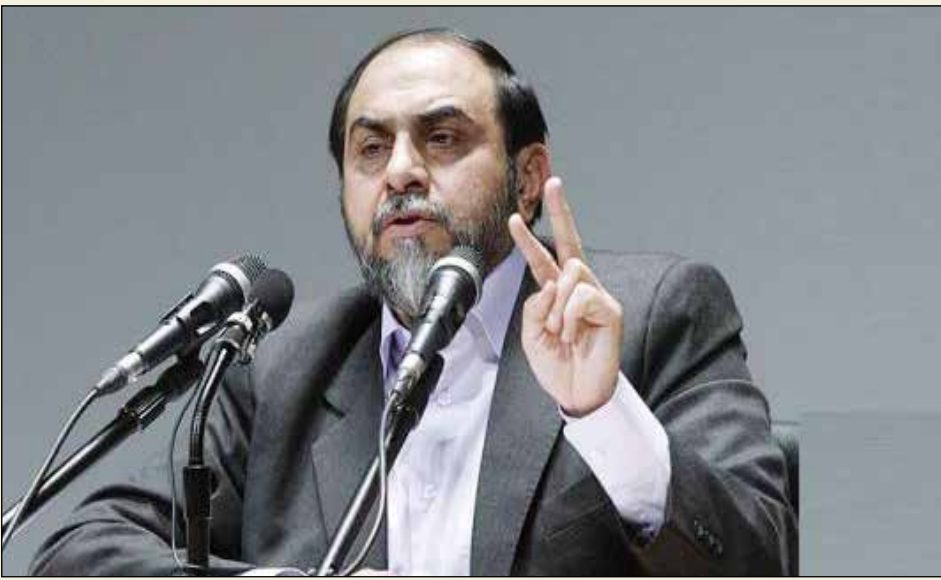
حقوق بشر آمریکایی، حقوق امپریالیسم غربی است

آمریکا هستند، ولی فقط یک درصد از اقتصاد این کشور در دست آنان است و با تبعیض کنترل‌شده و زورورق پیچ شده آنها را کنار می‌زنند.

غرب فرهنگ‌ها و اخلاق را نابود می‌کند

در فیلم‌ها نشان می‌دهند سیاهان زباله‌های جامعه آمریکایی

اعلامیه حقوق بشر مدافع سرمایه‌دار سفیدپوست غربی است. حقوق بشر حقوق محرومان و سیاهان و اقلیت‌های دیگر نیست. آنچه به عنوان تاریخ آموزش داده می‌شود تاریخ و حافظه سیاهان و بردگان نیست؛ حافظه سرمایه‌داران است. با همان وقاحتی که اخبار جنایات علیه سیاهان را سانسور می‌کنند، با همان وقاحت اخبار علیه مسلمانان سانسور می‌شود چون افکار



حسن رحیم‌پور ازغدی، استاد حوزه و دانشگاه ۱۳ آبان سال گذشته در همایش بین‌المللی افق نو با موضوع ظلم علیه سیاهان به ایراد سخنانی پرداخت که بخش‌هایی از آن را در ادامه خواهید خواند.

سیاهان و مسلمانان

ملت‌های ستم‌دیده از سوی امپریالیست

ما و شما ملت‌های تحت ستم و غارت‌شده به دست امپریالیسم غربی به طور عام و آمریکا به طور خاص هستیم. با ما همان کردند که با شما رنگین‌پوستان به شکل مهندسی شده امروزی زیر پوشش‌های روشنفکری و حقوق بشری می‌کنند. بزرگ‌ترین جنایات علیه ما ملت‌های مسلمان و غیرمسلمان و کثیف‌ترین جنایات علیه شما متأسفانه در ذیل ادبیات روشنفکری صورت گرفته است.

شرایط آن قدر وخیم است که دروغ‌های خیلی بزرگ گفته می‌شود و به دروغ‌های کوچک قانع نیستند. لایحه حقوق بشر از حیثیت همه اعضای خانواده بشری سخن می‌گوید، از صلح و عدالت در جهان حرف می‌زنند. از اینکه تحقیر بشر وجدان بشری را برآشفته می‌کند می‌گویند؛ اما در همین زمان کثیف‌ترین جنایات را انجام می‌دهند.

هیچ انسانی نباید اسیر طغیان و ستم شود، اما حتی اجازه اعتراض داده نمی‌شود؛ یعنی آزادی بیان باشد، اما امکان بیان نباشد؟ درست زمانی که از برابری حقوق انسان‌ها و آزادی حقوق می‌گویند، برخی نمی‌توانند امکان زندگی اخلاقی داشته باشند و معلوم می‌شود که عقل و وجدان بشری نیست؛ بلکه منافع سرمایه‌دار سفیدپوست غربی شرط است. وزارت جنگ و خارجه آمریکا همین حرف‌ها را می‌زنند، ولی داخل آمریکا با مردم خودشان این‌گونه رفتار می‌شود.

تا سیاهان آماده شهادت نباشند، حقوق خود را پس نمی‌گیرند

با ملت‌های ما آن کردند که به شما روا می‌دارند. چرا سیاهان آمریکا شورش می‌کنند؛ اما انقلاب نمی‌کنند؟ ۵۰ میلیون سیاه‌پوست در آمریکا در غلیان و جوشش هستند؛ اما چرا تنها یک درصد از اقتصاد آمریکا در دست آنان است و چرا جمعیت سیاهان در زندان‌های آمریکا این قدر زیاد است؟ چرا یک‌ونیم میلیون سیاه در آمریکا مقفود هستند؟ چرا نمی‌توانند حقوق خود را پس بگیرند؟ چون هنوز آماده نشده‌اند قربانی بدهند. ملت ایران ۱۰ هزار شهید داد تا از رژیم شاه آزاد شد. مسلسل روی ما بسته‌اند، اما مردم آمدند تا حکومت آمریکایی را شکست دادند. وقتی در خیابان‌های آمریکا هم روزی چند شهید دادید و اگر به این حد از شجاعت رسیدید. اگر مسلسل به روی شما گشودند و خیابان‌ها را ترک نکردید خواهید دید که حقوق تان در پس می‌گیرید.

با این اوصاف چه کسی وحشی است و چه کسی انسان است؟ بومیان آمریکا اهل خشونت نبودند و نمی‌دانستند خشونت چیست؟ اما کلمب گفت به همین دلیل آنها می‌توانند خدمتکاران خوبی باشند و غربی‌ها با یک سپاه ۵۰ نفری قادر خواهند بود همه‌شان را شکست دهند و این طرز فکر اروپایی – آمریکایی است پس جنایت از کجا به کجا صادر شد.

جنایات غرب علیه بومیان آفریقا مانند جنایات آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه مسلمانان است

نکته دیگر درباره غرب قساوت و خشونت است. شکنجه‌هایی که علیه ما و علیه اجداد شما انجام داده‌اند هیچ جای دیگر انجام نمی‌گرفت. آنقدر سیاهان آفریقایی شکنجه می‌شدند که به طور دسته‌جمعی دست به خودکشی می‌زدند. نیمی از جمعیت هائیتی طی چند سال کشته شدند. نسل‌کشی واقعی در آنجا انجام گرفت. بومیان در مزارع خود تحت فشار قرار می‌گرفتند. آمریکا این‌گونه ساخته شده است. کاری که اروپاییان در آفریقا و آمریکای جنوبی با بومیان کردند آمریکایی‌ها و صهیونیست‌ها با ما مسلمانان انجام می‌دهند. پیش از انقلاب به ایرانیان یاد می‌دادند چگونه انقلابیون را شکنجه کنند.

غرب تمدن‌سوزی کرد نه تمدن‌سازی

نکته، تمدن‌سوزی به جای تمدن‌سازی است. کشف آمریکا مسخره است. این در واقع شروع غارت آمریکا بود. من که نمی‌توانم خانه شما را کشف کنم. سیاهان و سرخ‌پوستان از نظر کشاورزی

پدران حقوق بشر و مدرنیته کسانی هستند که بدترین جنایات را به حق آفریقایی‌ها روا داشتند و همین الآن هم روا می‌دارند. ادبیات مدرنیته ادبیاتی است که می‌گوید سیاه سزاوار مجازات است، اما این ادبیات از کجا آمده است؟ همین ادبیات علیه مسلمانان استفاده می‌شود در حالی که وحشی‌ترین‌ها را خودشان تربیت کردند

غرب تمدن بشر را به دروغ نوشت

غربی‌ها تاریخ بشر و حقوق بشر را دوباره به دروغ نوشتند. وقتی اروپاییان در دو قرن ۱۵ و ۱۶ میلادی وارد آفریقا شدند

هستند؛ اما آمریکایی‌ها با همه جا این کار را می‌کنند. اول فرهنگ‌ها را نابود می‌کنند و بعد اخلاق را از بین می‌برند. وقتی کریستف کلمب با کمک ملوانان مسلمان و تجهیزات مسلمانان به آمریکا رفت، در سفرنامه خودش ذکر کرد که ابتدا با سکه‌هایی با ضرب عربی در سواحل مواجه شدند. مسلمانان پیش از آنها به آمریکا رفته بودند، اما هیچ‌کس را به بردگی نگرفتند و با ساکنان آنجا تجارت می‌کردند. در سفرنامه کلمب آمده است وقتی ما وارد شدیم فکر کردند میهمان هستیم و با گل و میوه به استقبال ما آمدند. مردم آمریکای لاتین با کمال میل هرچه داشتند به ما دادند.

خودشان نوشتند که فرهنگ آفریقا جلوتر از اروپا بود. در کشاورزی، صنعت نساجی، معماری و شهرسازی آفریقایی‌ها جلوتر از اروپایی‌ها بودند. قوانین اروپا به نفع سرمایه‌داری بود و مجازات وحشیانه نیز به نفع سرمایه‌داری صورت می‌گرفت؛ اما در همان زمان در آفریقا پیوندهای گرم مالکیت خصوصی وجود داشت، اما خشن نبود. پدران حقوق بشر و مدرنیته کسانی هستند که بدترین جنایات را به حق آفریقایی‌ها روا داشتند و همین الآن هم روا می‌دارند. ادبیات مدرنیته ادبیاتی است که می‌گوید سیاه سزاوار مجازات است، اما این ادبیات از کجا آمده است. همین ادبیات علیه مسلمانان استفاده می‌شود، در حالی که وحشی‌ترین‌ها را خودشان تربیت کردند.

چرا سیاهان، نژاد مظلوم در آمریکا چند قرن است که شورش می‌کنند، اما انقلاب نمی‌کنند؟

در سفری به آمریکا در حالی که برای سوار شدن به وسایل نقلیه عمومی به سمت ایستگاه می‌رفتم، شنیدم که صدای کسی می‌آید که در سرویس بهداشتی سخنرانی می‌کرد. با مراجعه به محل دیدم جوان سیاه‌پوستی است که آنجا سخنرانی می‌کند. وی فردی جدی بود و درباره حقوق سیاهان به طور جدی سخن می‌گفت. گفت جای دیگری برای سخنرانی ندارم. اینجا هم ایرادی به سخن گفتن من گرفته نمی‌شود. حکومت‌های غربی از آزادی می‌گویند، اما انسان‌ها و آمد و شد همه آنها تحت کنترل است. کمونیست‌ها و فاشیست‌ها و همه در قرون وسطی این قدر نظارت بر مردم نداشتند.

موسیقی‌هایی اعتراضی که سیاهان علیه سرمایه‌داری و لیبرال‌دموکراسی می‌سازند در رسانه‌های آنان معنایش تغییر می‌کند و هر وقت سیاهان خواستند انقلاب کنند کسانی نفوذ کردند و گفتند تن به خطر ندهیم و کشته نشویم. «ملکوم ایکس» گفته است کجا مظلومی حق خود را بدون کشته دادن گرفته است؟ تا روزی نباید که کشته دهید، تا روزی هزار کشته ندهید، به حق خود نمی‌رسید. او تا مدتی پیش از ترورش به دست افبی‌آی از انحراف سخن می‌گفت و آن زمان سفیدان دعوت به گفت‌وگو کردند؛ اما چسرا پیش از آن گفت‌وگو نکردند؟ رهبری تظاهرات سیاهان را نفوذی‌ها به دست گرفتند. جلو آمدند و گفتند سیاهان سر خود کار می‌کنند، این نهضت را بی‌اثر کردند و راه‌پیمایی‌ها به سیرک تبدیل شد. انقلاب آغاز اما مصادره و اشغال شد. پیام این است که اگر توانستید راه‌پیمایی را راه بیندازید و اگر گفتند به خانه‌های تان برگردید و به خانه‌های تان برگشتید آنها تصمیمات دیگری خواهند گرفت. در انقلاب ما تانک‌ها را به خیابان آوردند؛ اما مردم مقاومت کردند. مردم در خیابان‌ها خوابیدند و به خانه‌های‌شان برگشتند. جنازه‌های مردم را در گورهای دسته‌جمعی دفن کردند؛ اما ملت ما باز هم به خیابان آمدند. ملت ما ۲۰۰ هزار شهید داد تا دوام آورد. اگر شما یک دویستم ما هم شهید بدهید، دوام خواهید آورد.

جزیره بردگان

مهدی سعیدی در دوران جدید پرتغالی‌ها نخستین کسانی بودند که در سال ۱۴۴۴ میلادی با کشف جزیره گوره در دهانه رودخانه سنگال وارد این جزیره شدند. در سال ۱۸۱۷ جزیره گوره تحت سیطره استعمارگران هلندی قرار گرفت و به یک ایستگاه بین راهی برای کشتی‌های هلندی تبدیل شد که بین ساحل طلا (کشور غنای فعلی) و هند در رفت و آمد بودند. بعداً انگلیسی‌ها جزیره گوره را از چنگ هلندی‌ها درآوردند و مدتی آن را در سیطره خود گرفتند، البته بار دیگر هلندی‌ها این جزیره را اشغال کردند.

سپس در عهد گسترش قدرت دریایی فرانسه جزیره گوره در سیطره آنها قرار گرفت. در سال ۱۸۰۲ نیز طبق معاهده‌ای صلح‌آمیز این جزیره به طور کامل به فرانسه تعلق گرفت و تا سال ۱۹۶۰، یعنی زمان استقلال سنگال در اختیار فرانسوی‌ها بود.

جزیره گوره به دلیل موقعیت جغرافیایی و نزدیکی به قاره آمریکا در عصر برده‌داری به مهم‌ترین مرکز صدور و انتقال برده تبدیل شد، به گونه‌ای که طی مدت ۳۵۰ سال حدود ۲۰ میلیون نفر از محرومان سیاه‌پوست آفریقا به مثابه برده از این جزیره راهی دنیای نو در قاره آمریکا شدند تا به قول رئیس‌جمهور سنگال با خون خود مزارع کشورهای مرفه‌تر را آبیاری کنند.

پس از لغای برده‌داری در سال ۱۸۴۸، جزیره گوره به مرکزی برای سیاست‌های دریایی و تجاری قدرتهای اشغالگر و استعماری تبدیل شد. سپس به موازات کاهش نقش تجاری این جزیره، گوره به مرکزی برای گسترش استعمار فرانسوی و ترویج مذهب مسیحیت در غرب آفریقا و اولین مرکز جامعه فرانسوی غرب آفریقا تبدیل گردید.

اکنون که گوره در کنار زندگی عادی مردمان فقیر خود در فهرست میراث جهانی یونسکو به ثبت رسیده، مهم‌ترین کارکرد آن جنبه توریستی آن است. در جزیره گوره آنچه بیش از همه جلب توجه می‌کند، خانه بردگان است. اولین خانه بردگان در گوره را پرتغالی‌ها در سال ۱۵۳۶ ساخته‌اند و از آن برای آماده‌سازی انتقال برده‌ها به قاره آمریکا استفاده کرده‌اند. خانه بردگانی که امروز توریست‌ها در گوره از آن بازدید می‌کنند، در سال ۱۷۷۶ به دست هلندی‌ها ساخته شده است.

این خانه در دو طبقه ساخته شده است: در طبقه بالای آن امکانات خوبی وجود دارد که صاحبان و تاجران برده در آن مستقر بوده‌اند؛ طبقه پایین از همه نظر وضعیت اسفباری داشته است که در آن بردگان حبس بوده‌اند. در این طبقه در اتاق‌هایی به اندازه ۲/۵ در ۲/۵ متر حدود ۵۰ برده نگهداری می‌شده است که در طول شبانه‌روز یک بار برای قضای حاجت بیرون می‌رفتند.

در این خانه جای مردان، زنان و کودکان از یکدیگر جدا بود و وضعیت بد بهداشتی و شیوع بیماری‌ها بسیاری از آنان را در مدت حضور در این خانه که سه ماه طول می‌کشید، از پای در می‌آورد که مجموع آن بالغ بر شش میلیون نفر است. افزون‌بر این، در این محل تاجران برده فقط طالب بردگان مرد چاق و تنومند بالای ۶۰ کیلوگرم و زنان برده زیبا بودند.

از این رو بسیاری از بردگان که واجد این شرایط نبودند، تا مدت‌ها در

ایمن وضعیت تلخ باقی می‌ماندند. همچنین، جداکردن زنان، مردان و کودکان

از یکدیگر سبب می‌شد تا در نهایت هنگام انتقال آنان به دنیای جدید برای



همیشه بین پدران، مادران و فرزندان جدایی بیفتد و هر کدام به نقطه دور از دیگری بروند.

از جمله مکان‌های خانه بردگان که امروزه به محل عذرخواهی سران و مقامات کشورهای غربی از رفتارهای زشت و ناپسند پیشینیان خود با بردگان آفریقا تبدیل شده، «در بدون بازگشت» است. این در که عبور از آن برای بردگان به معنی خداحافظی دائمی با آفریقا بوده، راهرو کوچکی است که از یک درگاه به ایقائوس اطلس متصل می‌شود و به‌وسیله پلی به کشتی متصل است تا بردگان از طریق آن به کشتی منتقل شوند. البته در دو طرف درگاه سنگرهایی وجود دارد که هنگام انتقال بردگان به کشتی افراد مسلح در آن مستقر می‌شدند و چنانچه برده‌ای برای فرار از دست تاجران خود را به دریا می‌انداخت، به او شلیک می‌کردند تا نتواند جان سالم به در برد.

سال ۱۹۹۲ پاپ ژان پل دوم با حضور در جزیره گوره و در حالی که سخنان او از شبکه‌های تلویزیونی جهان پخش می‌شد، از محل در بدون بازگشت از رفتار مسیحیان با بردگان عذرخواهی کرد. لوح این عذرخواهی نیز اکنون در کلیسای گوره نصب شده است. همچنین، برخی دیگر از رهبران غربی مانند بیل کلینتون، رئیس‌جمهور سابق آمریکا و تونی بلر، نخست‌وزیر انگلیس از این محل دیدار و از سیاه‌پوستان عذرخواهی کرده‌اند.

نقش تاریخی گوره در تجارت برده سبب شده است، امروز این جزیره نقش نمادینی در تاریخ بشر داشته باشد. در سال ۱۹۷۸ جزیره گوره در فهرست میراث جهانی یونسکو به ثبت رسید. این جزیره افزون‌بر یونسکو در اینترنت زمینه سفر مجازی به خانه بردگان را فراهم کرده است.

کوشیرو ماتسورا، مدیرکل یونسکو در پیامی به مناسبت افتتاح این پایگاه تأکید کرده است: «جزیره گوره محلی تاریخی در غرب آفریقااست که صدها هزار زن، مرد و کودک از سراسر آفریقا دستگیر شدند و با غل و زنجیرهایی که بر پا داشتند، از آن به دنیای جدید منتقل شدند. این مکان مشهور اکنون یک زیارتگاه جهانی است که همه ما از قاره‌های مختلف باید به آنجا بیاییم و با غم و اندوه ترازودی‌ای را که زمانی انسان‌هایی همچون ما بر افراد دیگری از همونوع‌مان تحمیل کرده، یادآوری کنیم».

همچنین، «عبدالله واده» رئیس‌جمهور سنگال نیز در پیامی به مناسبت افتتاح پایگاه مسفر مجازی به خانه بردگان از جانب یونسکو تأکید کرده است: «بسیار خوشوقتم که در دروازه موزه جزیره بردگان به شما خوشامد گویم. در این سفر شما محلی را مشاهده خواهید کرد که دربردارنده خاطرات میلیون‌ها زن و مردی است که اکنون جان باخته‌اند، مردان و زنانی که با زور از خانه‌های‌شان بیرون کشیده شدند تا با خون خود مزارع کشورهای مرفه‌تر را آبیاری کنند. اکنون در فجر هزاره سوم فناوری‌های اطلاعات به مردم جهان اجازه دیدار از موزه بردگان در سنگنال و تجربه حضور در فصل دردناکی از تاریخ بشریت را هر چند به صورت مجازی می‌دهد.»



✽ لطفاً بفرمایید نگاه غرب و فلسفه غرب به انسان چگونه است و چطور شد که از دل فلسفه غرب توحش به وجود آمد؟

نکته‌ای که درباره غرب وجود دارد این است که اول باید تعریف کنیم منظورمان غرب فکری است، یا غرب جغرافیایی؟ عمدتاً باید تأکید و تمرکز بر روی غرب فکری باشد، چون غرب جغرافیایی الزاماً یک هویت واحد و منسجم ندارد. این اشتباه است که ما غرب جغرافیایی را برای یک مکتب و آیین، منسجم و اندام‌واره بدانیم. کما اینکه شرق جغرافیایی را هم نمی‌توانیم یک کلیت اندام‌واره و منسجم بدانیم. حتی اگر این کار را هم انجام ندهیم و نگوییم غرب فکری؛ باید دقت داشته باشیم که همه غربی‌ها، یعنی همه کسانی که در غرب جغرافیایی زندگی می‌کنند به معنای آنچه که در سده ۱۸ به اوج خودش رسیده (یعنی آنچه که ما از آن به مدرنیته یا اومانیسمم یاد می‌کنیم)، غربی نیستند؛ یعنی همه کسانی که در غرب زندگی می‌کنند الزاماً طرفدار اومانیسم و لیبرالیسم نیستند؛ به عبارتی، اگر شما این گونه تلقی داشته باشید که همه اینها اومانیسم هستند، یعنی غرب را فاقد هر گونه تضاد دانسته‌اید، در حالی که غرب سرشار از تضاد و

تعارض است و بعضاً سعی می‌کند که این تعارضات خودش را از طریق تولید فضا به کشورهای دیگر فراقکن کند. متأسفانه این تلقی صفر و یک که خودش یک پدیده غربی به شمار می‌آید متوجه ما هم شده است. یک تفکر صفر و یک که امکان هرگونه تبادل نظر را بین شرق و غرب منتفی می‌داند و یک تومیی را القا می‌کند که اگر ما بپذیریم این رابطه صفر و یک را در مقابل اینکه همان‌طور که



✽ لطفاً بفرمایید نگاه غرب و فلسفه غرب به انسان چگونه است و چطور شد که از دل فلسفه غرب توحش به وجود آمد؟

نکته‌ای که درباره غرب وجود دارد این است که اول باید تعریف کنیم منظورمان غرب فکری است، یا غرب جغرافیایی؟ عمدتاً باید تأکید و تمرکز بر روی غرب فکری باشد، چون غرب جغرافیایی الزاماً یک هویت واحد و منسجم ندارد. این اشتباه است که ما غرب جغرافیایی را برای یک مکتب و آیین، منسجم و اندام‌واره بدانیم. کما اینکه شرق جغرافیایی را هم نمی‌توانیم یک کلیت اندام‌واره و منسجم بدانیم. حتی اگر این کار را هم انجام ندهیم و نگوییم غرب فکری؛ باید

دقت داشته باشیم که همه غربی‌ها، یعنی همه کسانی که در غرب جغرافیایی زندگی می‌کنند به معنای آنچه که در سده ۱۸ به اوج خودش رسیده (یعنی آنچه که ما از آن به مدرنیته یا اومانیسمم یاد می‌کنیم)، غربی نیستند؛ یعنی همه کسانی که در غرب زندگی می‌کنند الزاماً طرفدار اومانیسم و لیبرالیسم نیستند؛ به عبارتی، اگر شما این گونه تلقی داشته باشید که همه اینها اومانیسم هستند، یعنی غرب را فاقد هر گونه تضاد دانسته‌اید، در حالی که غرب سرشار از تضاد و

تعارض است و بعضاً سعی می‌کند که این تعارضات خودش را از طریق تولید فضا به کشورهای دیگر فراقکن کند. متأسفانه این تلقی صفر و یک که خودش یک پدیده غربی به شمار می‌آید متوجه ما هم شده است. یک تفکر صفر و یک که امکان هرگونه تبادل نظر را بین شرق و غرب منتفی می‌داند و یک تومیی را القا می‌کند که اگر ما بپذیریم این رابطه صفر و یک را در مقابل اینکه همان‌طور که

✽ نظام سرمایه‌داری یا نظام اومانیستی چندین تضاد دارد؛ در واقع، تضاد مبنا و بناست؛ یعنی مبناى آنها مبناى دولت حداقلی بوده، اما بنای آنها یک بنای امپریالیستی یا جهان‌گستری است. این دو با هم همخوانی ندارند

ما نمی‌توانیم از غرب، جغرافیایی بگیریم به تبع جغرافیای غرب هم نمی‌تواند از ما چیزی بگیرد؛ یعنی این بر شاخ نشستن و بُن بریدن است. ضمن اینکه در سابقه تاریخی غرب، هم تعاطی بوده، هم ارتباط و تعامل بوده است، اما آن چیزی که در فجواى پاسخ به این پرسش وجود دارد، اومانیسم است. به طور کلی اومانیسم به قیمت مرگ خدا انسان را مطرح کرد. انسان را نه خلیفه و جانشین خدا، بلکه جایگزین خود خدا قرار داد. این جایگزینی انسان به جای خدا آن چیزی است که ما اومانیسم می‌نامسیم. این سر از هلنیزم درآورد. در واقع، وقتی شما تکیه‌گاه انسان را که خدا باشد از بین می‌برید و مرگ خدا



را اعلام می‌کنید، باید منتظر مرگ انسان هم باشید. نتیجه منطقی و طبیعی

انسان‌کشی هلنیزستی خداکشی است. چون در صورتی می‌توان از انسان گفت و

از ذات او دفاع کرد که برای او تکیه‌گاه خدایی قائل باشیم. انسان منهای خدا یک

موجود معلق و پا در هوا یا در واقع همان چیزی است که از آن به هیچ‌انگاری یاد می‌شود و این هیچ‌انگاری آبستن خشونت‌های نازیستی و هیترلی است که ما در



✽ سربازان آمریکایی برای اینکه مانع از مخفی شدن سربازان ویت‌کنگ در زیر شاخ و برگ درختان و بوته‌ها شوند، از مواد دیفولیانت (گردی که برای ریزش برگ گیاهان به کار می‌رود) استفاده کردند. یکی از مشهورترین این مواد «عامل نارنجی» نام دارد

دیوکسیسن موجود در بدن این افراد نسبت به دیوکسین موجود در بدن افرادی که در دیگر مناطق ویتنام و نیز کشورهای صنعتی زندگی می‌کنند، بالاتر است. از آن گذشته، به دلیل میزان بالای دیوکسین موجود در شیر مادرانی که در معرض این مواد قرار گرفته‌اند این ماده سمی به نسل بعدی نیز منتقل می‌شود. برخی از بیماری‌هایی که در اثر این ماده در این افراد مشاهده شده از این قرار است: تومور بدخیم بافت نرم، لنفوم غیر هوچکین، بیماری هوچکین، کلرآکنه، سرطان‌های دستگاه تنفسی، سرطان پروستات، تومور بدخیم سلول‌های مغز استخوان، نوروپاتی محیطی، اسپینا بیفیدا، پورفیریا کوتانئا تاردا، زایمان زودهنگام، زایمان جنین مرده، نقص‌های مادرزادی و…

پرونده‌ای برای حقوق بشر آمریکایی



تاریخ غرب شاهد آن بودیم و اتفاقاً آیه قرآن خیلی زیبا این را به تصویر کشیده است: «وَلَا تُكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنسَاهُمْ أَنفُسَهُمْ» یعنی به مثابه کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند و خدا هم آنها را اسیر خودفراموشی کرد. رابطه خدا و انسان در آموزه‌های اسلامی و شیعی ما یک رابطه متقارن است؛ یعنی اگر درد انسان دارید، باید درد خدا داشته باشید و همچنین اگر درد خدا دارید، حتماً باید درد انسان هم داشته باشید. در واقع، این دو گانه خدا و انسان سبب شد که غرب به نام حقوق بشر سر از ضدبشر دربیورد و تفاوت‌گرایی که ما در عصر پست‌مدرنیسم شاهد آن هستیم هیچ نسبتی به ذات‌گرایی موردنظر اومانیست‌ها نداشت، چون اومانیسم می‌خواست انسان را بر سر بنشانند، اما چون به تکیه‌گاه الهی او توجه نکرد به ضد خودش تبدیل شد و آن چیزی که امروز غرب با آن سروکار دارد در واقع یک انسان بی‌بنیاد و رها شده است که به طور حتم می‌تواند دست به هرکاری بزند؛ یعنی در خلأ یک ذات یا تفاوت‌گرایی محض هر چیزی مباح می‌شود و یکی از تجلیات این اباحه‌گری همین بحث توحش، خشونت و جنگ‌طلبی‌هایی است که در گذشته رخ داده است.

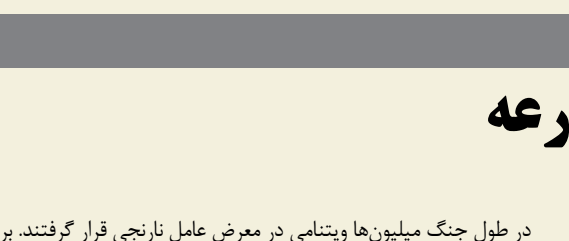
یکی دیگر از تجلیات توحش در غرب یا جنگ‌طلبی در غرب به تضادهایی که نظام سرمایه‌داری یا آن روبه‌رو است، برمی‌گردد. بارها تأکید داشته‌ام که نظام سرمایه‌داری یا نظام اومانیستی چندین تضاد دارد؛ در واقع، تضاد مبنا و بناست؛

یعنی مبناى آنها مبناى دولت حداقلی بوده، اما بنای آنها یک بنای امپریالیستی یا جهان‌گستری است. این دو با هم همخوانی ندارند. چون فاقد عام‌گرایی است. وقتی عام‌گرایی نبود (که این عام‌گرایی فقط ویژه ادیان ابراهیمی است) در واقع این امر یک ناسازگاری ایجاد می‌کند.

یکی دیگر خود تضاد سود و نیاز است؛ یعنی سود یا سودگرایی نظام سرمایه‌داری یا نیازهای مردم ناسازگار است، چون مردم به اشتغال و عدالت اجتماعی نیاز دارند. اما سودگرایی سرمایه‌دارانه با این سطح نیازها منافات دارد؛ یعنی اینکه ابتدا باید هزینه‌ها کاهش پیدا کند تا سود ارتقا یابد. سرانجام تضاد سوم، یعنی تضاد خرد خودبنیاد و آن دلالت‌های مبنایی و مبانی لازم و دلالت‌های هلنیزستی؛ است؛ یعنی خرد خودبنیاد و خدابنیاد وجود دارد. وقتی این سه نوع تضاد دست‌به‌دست هم می‌دهند، نظام سرمایه‌داری می‌خواهد خودش را نجات دهد و دست به تولید فضا می‌زند. تولید فضا یعنی کشورهای جدید را اشغال کردن و بازارهای اقتصادی را تحت تأثیر خود قرار دادن! این هم در واقع یکی از بحث‌هایی است که می‌تواند به سیاست‌های گسترش طلبانه

سرمایه‌داری کمک کند برخلاف بحث‌هایی که مطرح می‌شود.

نکته سوم در رابطه با حق است؛ نظام سرمایه‌داری یا نظام اومانیستی نگاه تقلیل‌گرا به حق دارند و به همین دلیل اسیر بازتاب‌ها و واکنش‌های خاص می‌شوند. نگاه تقلیل‌گرا یعنی حق را فقط برای فرد قائلند و از حق اجتماعی و عدالت غافل هستند، چون اومانیسم فردگرا که با حق اجتماعی بیگانه است،



عامل نارنجی و عملیات کارگر مزرعه

محمد گنجی

بر روی ۶۸۸/۰۰۰ هکتار از زمین‌های کشاورزی و به ویژه شالیزارها، پاشیده شد.

آثار منفی استفاده از عامل نارنجی بر انسان‌ها

عامل نارنجی و دیوکسین، به ویژه برای سلامتی انسان مضر است. آزمایش‌های اخیر بر روی نمونه‌های بافت انسانی (خون، چربی و شیر سینه) از افراد ساکن در بخش‌هایی از ویتنام که این مواد بر آن اسپری شده است نشان می‌دهد میزان

در طول جنگ میلیون‌ها ویتنامی در معرض عامل نارنجی قرار گرفتند. بر اساس برخی بررسی‌های مقدماتی، برآورد می‌شود که امروز حدود یک میلیون ویتنامی در اثر این ماده دچار معلولیت یا دیگر مشکلات سلامتی هستند. بنا بر این مطالعات حدود صدهزار نفر از این یک میلیون ویتنامی کودکانی با معلولیت‌ها و نقص‌های مادرزادی هستند. اما باید گفت این انسان‌های آسیب‌دیده تنها با ناتوانی‌ها و مشکلات سلامتی فیزیکی دست و پنجه نرم نمی‌کنند؛ بلکه ناراحتی‌های روانی نیز گریبانگیرشان است. بسیاری از این کودکان قادر به مدرسه رفتن و پدر و مادران‌شان قادر به کار کردن نیستند.

آثار منفی استفاده از عامل نارنجی

بر محیط زیست

آثار ویرانگر استفاده از این ماده شیمیایی سمی بر روی محیط زیست همچنان ادامه دارد. میلیون‌ها لیتر عامل نارنجی به کار رفته در این جنگ به از بین رفتن توازن بوم‌شناختی، نابودی چوب‌ها، حیوانات وحشی و محصولات جنگلی منجر شده است. از بین رفتن پوشش جنگلی که به حفظ آب کمک می‌کند سبب سیل در فصل بارانی و خشکسالی در فصل خشک شده و تولیدات کشاورزی را تحت تأثیر قرار داده است. بدون پوشش گیاهی، خاک سطحی به سادگی شسته می‌شود و همین موضوع مانع از بازسازی پوشش گیاهی از دست رفته خواهد شد. زمین‌های مرتفع همچنان فرسوده می‌شوند و زمین‌های پست مملو از رسوب می‌شود که همین امر خطر وقوع سیل را افزایش می‌دهد.

در سه هزار و سیصد و شصت روستای بخش جنوبی ویتنام که از این ماده شیمیایی استفاده شد، هم اینک حدود هشتصد هزار نفر از آسیب‌های مختلف جسمی رنج می‌برند و باید همواره تحت مراقبت‌های پزشکی قرار گیرند.

از سوی دیگر، پاکسازی ماده سمی دیوکسین در خاک این کشور، معضل دیگر زندگی مردم این کشور است. یک مؤسسه غیر دولتی آمریکایی که در ویتنام به فعالیت مشغول است، اعلام کرده که تنها پاکسازی خاک منطقه پیرامون یک پایگاه سربازان آمریکایی در شهر دانانگ، نیازمند یک بودجه چهارده میلیون دلاری است. یک مطالعه صورت گرفته نشان می‌دهد که مقدار دیوکسین موجود در خاک یکی از پایگاه‌های سابق ارتش آمریکا، سیصد تا چهار صد برابر بیش از حد مجاز پذیرفته شده بین‌المللی است. به علاوه، مشخص شده که دیوکسین موجود در باران، با نفوذ در منابع آب زیرزمینی و چاه‌ها، آب آشامیدنی شهروندان این کشور را به شدت آلوده می‌کند.

طبعاً و ذاتاً نمی‌تواند توجهی به عدالت اجتماعی داشته باشد. در واقع یکی دیگر از چالش‌ها همین چالش عدالت اجتماعی و آزادی‌های فردی است.

❖**آیا آمریکا به لحاظ مبانی اندیشه‌های می‌تواند نماینده و مدعی حقوق بشر باشد؟**

ما خودمان نسبت به این حقوق بشر حرف داریم و این حرف‌ها را هم بنده شخصاً در چند مجمع بین‌المللی مطرح کرده‌ام. انسان اگر حق بشر را می‌خواهد باید به چند چیز توجه داشته باشد: یکی اینکه این حق یک مبنا دارد و یک دلالت! دلالتش غایت و مبنایش خداست. یعنی ما در صورتی می‌توانیم از حق بشر دفاع کنیم و حرف برای گفتن داشته باشیم که به سه‌گانه غایت، ذات و خدا توجه داشته باشیم. این نکته بسیار فلسفی و اساسی است و به تازگی هم فیلسوفان غرب به این مسئله توجه دارند. برای نمونه یک آقای به نام «اون تیمو» می‌گوید اصلاً توجه به آزادی، دموکراسی و برابری یک توجه متافیزیkal می‌خواهد و آقای ترکی هم پاسخ می‌دهد که این توجه متافیزیkal فقط در ادیان پیدا می‌شود و اینکه همه در برابر خداوند یکسانند. بنابراین خداگرایی لازمه توجه به حقوق بشر است و اگر شما خداگرایی را پذیرفتید و قبول کردید که بذر توجه متافیزیkal برای حق بشر در ادیان ابراهیمی نهفته است پس دیگر نمی‌توانید سکولار باشید؛ یعنی اگر توجه متافیزیkal در اختیار اینها هست و از سویی دیگر اینها از نظر تاریخی نقش‌های خوبی داشتند به همین دلیل نمی‌توان گفت که در تاریخ این نقش را بازی کردند و توجه متافیزیkal را هم به دست آوردند؛ اما در گوشه‌های در پستو قرار بگیرند. بنابراین نقد ما یکی بی‌توجهی به دلالت و مبناسt و حقوق بشر را می‌خواهند در یک بستر سکولاریستی پیش ببرند؛ نکته دوم این است که جامع هم نیست، فقط به حق فردی توجه دارد و از توجه به حق گروهی و جامعه‌ای غافل شده است. بنابراین نمی‌تواند به عدالت‌اجتماعی توجه داشته باشد. نکته سوم حتی نگاهش به فرد هم نگاه تقلیل‌گرایانه لذت‌گرایانه است؛ یعنی توجه ندارد که این انسان خودش یک حق معنوی هم دارد. یعنی نیاز او به نیازهای فردی تقلیل پیدا کرده و حق هم حق سیاسی است. توجه به حقوق سیاسی، اجتماعی و معنوی نشده و از

سویی به حقوق فرهنگی جامعه‌ای هم توجهی نداشتند. بنابراین از حقوق بشری که دم می‌زنند شاید ما هم مدافع حق بشر باشیم به شرط آنکه هم به آن مبانی و دلالت‌هایش توجه شود، هم به جامعیت و هم به مبنای توجهی متافیزیkal در بستر تاریخی که ادیان برای آنها فراهم می‌کردند.

❖**تناقض‌های درون گفتمانی فلسفه غرب که به این وضعیت توحش و تبعیض در جامعه اروپایی خاصه در آمریکا منجر می‌شود را چطور می‌توان بازخوانی کرد؟**

جامعه هم از فرد تشکیل شده، هم از گروه‌ها و هم کلیت جامعه! به عبارتی، هم هستی فردی، هم هستی گروهی و جامعه‌ای داریم. وقتی تنها هستی فردی دنبال شود خواه ناخواه به تعارض برخورد می‌کنند. چون جامعه و گروه‌های اجتماعی نسبت به این موضوع، واکنش نشان می‌دهند. این در بهترین حالت است. ضمن اینکه این حق بشر با مفهوم نژادپرستی توأم شده است؛ یعنی در واقع کسانی که امروز حاکم هستند یک نوع نژادگرایی و نژادپرستی را دنبال می‌کنند. نکته دوم اینکه بر حسب این نژادگرایی و نژادپرستی‌شان نگاه تبعیض‌آمیز دارند. آن‌جایی که پای دیگران به میان می‌آید می‌توانند به راحتی حق را پایمال کنند. برای نمونه ما می‌توانیم در آمریکا از فرد تشکیل شده، هم از گروه‌ها و هم کلیت جامعه! به عبارتی، هم هستی فردی، هم هستی گروهی و جامعه‌ای داریم. وقتی تنها هستی فردی دنبال شود خواه ناخواه به تعارض برخورد می‌کنند. چون جامعه و گروه‌های اجتماعی نسبت به این موضوع، واکنش نشان می‌دهند. این در بهترین حالت است. ضمن اینکه این حق بشر با مفهوم نژادپرستی توأم شده است؛ یعنی در واقع کسانی که امروز حاکم هستند یک نوع نژادگرایی و نژادپرستی را دنبال می‌کنند. نکته دوم اینکه بر حسب این نژادگرایی و نژادپرستی‌شان نگاه تبعیض‌آمیز دارند. آن‌جایی که پای دیگران به میان می‌آید می‌توانند به راحتی حق را پایمال کنند. برای نمونه ما

پرده سوم

ایالات متحده آمریکا از جمله کشورهای پیشرو در تولید مواد رادیواکتیو، سلاح‌های شیمیایی و میکروبی، استفاده از سلاح‌های اتمی و کشتار جمعی … است که در راستای برنامه آمریکا در آنچه که مبارزه با تروریسم و دفاع از حقوق بشر نام گرفته است، از سوی دولت‌مردان این کشور انجام می‌پذیرد. یکی از برنامه‌های خطرناک این کشور برای توسعه سلاح‌های کشتار جمعی، تولید سلاح‌های بیولوژیک و بیوتروریسم است؛ اقداماتی که به ظاهر کاملاً علمی و در آزمایشگاه‌های مجهز در نقاط مختلف و با هدف یافتن راه درمان بیماری‌های مختلف انجام شده، اما نگاهی دقیق‌تر به این فعالیت‌های علمی نشان می‌دهد هدف اصلی، شناسایی عوامل مخرب علیه بشریت، آزمایش آنها بر روی نمونه‌های انسانی و استفاده از آن (در جنگ‌های تحمیلی به ملت‌ها) در مقیاس گسترده بوده است.

حادثه یازده سپتامبر و اجرای آنچه دولتمردان آمریکا «برنامه مبارزه با تروریسم» می‌دانند بهانه خوبی بود تا تعداد آزمایشگاه‌های تحقیقات بیولوژیک در این کشور روزبه‌روز افزایش یابد. موضوع نامه‌های آلوده به سیاه‌زخم نیز جنجال دیگری بود که می‌توانست مردم و نمایندگان کنگره آمریکا را قانع کند تا با این ادعا که «دشمن علیه ما تسلیحات بیولوژیک به کار می‌برد» هزینه‌هایی را که قرار بود صرف تولید دارو برای مداوی بیماران شود، به تحقیق بر روی تسلیحات بیولوژیکی اختصاص دادند. در نهایت هم مظنونان به ارسال نامه‌های آلوده، دانشمندان آمریکایی حوزه تحقیقات سلاح‌های بیولوژیک بودند.

نتیجه این اقدام این شد که هم‌اکنون بیش از ۴۰۰ مرکز تحقیقاتی در درجات امنیت بیولوژیک ۳ و ۴ در آمریکا فعال هستند که توانایی تولید عواملی چون باکتری سیاه‌زخم و فراورده‌های آن را دارند و بیش از چهارده هزار نفر بر روی تولید چنین عوامل خطرناکی کار می‌کنند.

مرکز فورث دیتریک

دولت آمریکا در بهار سال ۱۹۴۲ به دستور فرانکلین روزولت، رئیس‌جمهور وقت این کشور در ایالت یوتا اولین تحقیقات خود برای ساختن بمب‌های میکروبی و ویروسی

را آغاز کرد. در سال ۱۹۴۳ با در اختیار گرفتن محققان این تحقیقات توسعه یافت و بلافاصله آزمایشگاه فورث دیتریک در ایالت مریلند به مرکز اصلی تحقیقات تسلیحات بیولوژیک تبدیل شد. در خلال سال‌های پس از آن، آمریکا موفق شد انبار عظیمی از عوامل و سلاح‌های بیولوژیک داشته باشد.

این برنامه تا سال ۱۹۶۹ در آزمایشگاه فورث پیگیری می‌شد، تا اینکه در این سال رئیس‌جمهور وقت آمریکا ریچارد نیکسون به ظاهر این نوع تسلیحات را تحقیقات را به طور رسمی مذموم و مطرود دانست و اهداف فورث دیتریک را تغییر داد.

می‌بینیم که چه توجه حق بشری دارد جنایت‌های آمریکا در افغانستان، سوریه، عراق و… چه توجهی دفاع آمریکا و حقوق بشر از سیاست‌های صهیونیسم دارد. اینها به آن نگاه دوگانه‌ای که نسبت به حق بشر وجود دارد، برمی‌گردد. علاوه بر آن مشکلات فلسفی که اشاره شد نگاه دوگانه آنها حکایت از نوعی منفعت‌طلبی نژادپرستانانه است؛ به هر حال شاید در ظاهر هم بگویند ما نژادپرست نیستیم و در بوق و کرنا هم بکنند که نژادپرستی امر ناپسندی است. آن چیزی که برای ما ملاک داوری است، واقعیت‌هاست. ضمن اینکه اینها هرچیزی را که در فضای



اگر همه شرایط و لوازم حقوق بشر اسلامی خوب مطرح بشود مسلم است که با حقوق بشر ناتوان و ترک‌خورده و بی‌ریشه غرب چالش خواهد داشت

جغرافیایی خاص‌شان قرار بگیرد در واقع توجهی می‌کنند. ممکن است که حق بشر را هم در این موقعیت‌ها پاس بدارند، اما خارج از مرز جغرافیایی خودشان نادیده بگیرند. سؤال اینجاست اگر حق بشر یک مفهوم عام است دیگر در واقع خود و دیگری ندارد. دیگر آمریکا و غیر از آمریکا ندارد. معلوم می‌شود که بیشتر یک حربه سیاسی است و پشت آن منافع قدرت‌طلبانه آمریکا نهفته است.

❖**ضمن تبیین شاخصه‌های میان حقوق بشر غربی و اسلامی یک مقایسه‌ای داشته باشید و بگویید چرا آمریکا تمام توان خود را به کار گرفته تا این حقوق بشرر اسلامی حتی در بین کشورهای اسلامی طرح نشود و به تعبیری با نگیرد؟**

اگر حقوق بشر اسلامی را خوب تعریف کنیم؛ یعنی هم به آن مبانی توجیهی متافیزیkal توجه داشته باشیم و هم سه‌گانه غایت، ذات و خدا را مدنظر قرار دهیم و هم با نگاه جامع به حق توجه کنیم. یعنی تجلی گروهی، جامعه‌ای و فردی داشته باشیم و هم توجه به حق معنویت و حق گروه‌ها داشته باشیم و ضمناً از یک انترناسیونالیسم هم پرهیز کنیم. یعنی قرار نیست به اسم حقوق بشر اسلامی مثل امپراتوری عثمانی یا امپراتوری عرب و… رخ بدهد که عرب و

عجم و ترک و غیر ترک بشود. همه کشورها باید بسته به آن باورهای ملی‌شان در این حقوق بشر اسلامی جایگاه داشته باشند. اگر همه شرایط و لوازم حقوق بشر اسلامی خوب مطرح بشود مسلم است که با حقوق بشر ناتوان و ترک‌خورده و بی‌ریشه غرب چالش خواهد داشت. چون منافع و نیازهای بیشتری را تأمین کرده و دربرمی‌گیرد. این منفعتی که صرفاً به معیشت و لذت و قدرت تقلیل پیدا کرده را به چالش می‌کشد. اینها فهمیده‌اند که حقوق بشر اسلامی اگر در کلیت خودش با همه شرایطی که اشاره شد مطرح بشود اولین کاری که انجام می‌دهد به چالش کشیده شدن این نگاه تقلیل‌گرایانه و لذت‌گرایانه حقوق بشر آمریکایی است و آن منافع خودش را در آن تعریف پیش برده است. بنابراین طبیعی است که بتواند واکنش نشان بدهد؛ واکنش آنها عمدتاً اقتصادی است، اما دلالت‌های سیاسی و فرهنگی دارد، واکنش و عمل ما عمدتاً فرهنگی است که حالا دلالت‌های اقتصادی و سیاسی هم دارد، آنها چون در بُن‌مایه‌های خود صرفاً اقتصادی هستند، مسائل سیاسی و فرهنگی، فرع هستند. اما چون بُن‌مایه‌های ما بیشتر اخلاقی و فرهنگی و معنوی است، مسائل اقتصادی و سیاسی فرع هستند. خیلی باید دقت کنیم؛ تفاوت ما با آمریکا در همین نگرش فرهنگی ما و اقتصادی غرب است. قرار نیست ما جا پای آمریکا بگذاریم. قرار نیست صدور انقلاب‌مان مسیر سیاسی، اقتصادی و نظامی را طی کند، در حالی که صدور انقلاب ما باید فرهنگی و معنوی باشد. در حالی که وقتی آنها در کشورهای دیگر جای پا باز می‌کنند برای رهایی از بن‌بست‌ها و تضادهای درونی و در جهت منافع اقتصادی خود حرکت می‌کنند.

❖**به دنبال آن تناقض گفتمانی در مبانی فکری و عملکرد در صحنه اجتماعی چگونه آمریکا توانسته خود را حامی بشر و محور حقوق بشر جا بیندازد؟**

این یک جوک است؛ باور کنید کسی آمریکا را محور حقوق بشر نمی‌شناسد و در واقع با توجه به قدرت شبکه‌ای و رسانه‌ای‌اش این طور در جهان القا می‌کند. کسی قبول ندارد و فکر نکنید به راحتی اروپایی‌ها زیر سایه آمریکایی‌ها می‌روند و حرکت می‌کنند، اصلاً این طور نیست. فقط به دلیل اینکه فعلاً قدرت، امکانات و فرصت‌هایی که آمریکا دارد، مواقعی حرف‌های‌شان به کرسی می‌نشیند. اصلاً این طوری نیست که آنها راضی بشوند که کاملاً آمریکا را پرچمدار حقوق بشر بدانند؛ یعنی فرانسوی‌ها، انگلیسی‌ها، اتریشی‌ها گفته‌اند! این یک تصور نادرستی است که بعضاً القا می‌شود. اصلاً این چنین نیست. اگر از سران و مردم کشورهای اروپایی نظرخواهی هم بکنید اصلاً راضی نیستند زیر چتر کسی بروند که آن شخص یا کشور آمریکا باشد. به نظر من این تصور اصلاً تصور صحیحی نیست و تقابل‌هایی که با آمریکا می‌شود خودش را نشان می‌دهد. شما نگاه کنید فرانسه، انگلیس و تمام کشورها باورهای ملی خودشان را دارند. در یک نشستی که در دانمارک برگزار شده من آن موقع نماینده مجلس بودم، یکی از متولیان برپایی این نشست در صحبت‌هایش توهینی به ایران کرد و من غذا نخوردم. ایشان از من سؤال کرد چرا غذا نمی‌خورید؟ گفتم شما که ایران می‌آید ما از شما پذیرایی می‌کنیم، ولی اینجا شما در مقابل بنده به وطن توهین می‌کنید. گفت من عذرخواهی بکنم شما ناهار می‌خورید؛ عذرخواهی کرد و بعد گفت این حقوق بشری که نوشته شده براساس تجربه غرب بوده است و اصلاً در آن به تجربه‌ای از شرق اشاره نشده و من حق را به شما می‌دهم. این حقوق بشر براساس تجربه تاریخی غرب است و نه شرق؛ یعنی عده‌ای خاص آمدند و این را نوشتند؛ یعنی همه کشورها در تنظیم حقوق بشر سهم نداشتند.

خطرناک بیولوژیک همچون باکتری‌ها و ویروس‌ها را آغاز کنند.

بر اساس اعلام کارشناسان ارتش آمریکا از جمله «اریک شوماخر» این آزمایشگاه با پیشرفته‌ترین فناوری بررسی آلودگی‌های بیولوژیک تجهیز خواهد شد تا از انتشار اتفاقی ارگانسیم‌های خطرناکی مانند باکتری سیاه‌زخم، باکتری طاعون و ویروس ابولا جلوگیری به عمل آید.
از معروف‌ترین افرادی که در مرکز فورث دیتریک مشغول به فعالیت هستند می‌توان به رابرت گالو اشاره کرد. نام وی به دلیل ایفای نقش در کشف ویروس ایدز و شناسایی آزمایش‌های خونی برای کشف این بیماری شناخته شده است.
در حالی که مطابق ادعای برخی دانشمندان بیولوژیک مانند جاکوب سگال ویروس ایدز به وسیله ایالات متحده و در همین مرکز فورث دیتریک ایجاد شده است.

سگال مدعی بود که رابرت گالو از جمله کسانی است که در تولید این ویروس نقش جدی برعهده داشته است.
«کلاتز» و «سیلستر» دو نفر از کارشناسان برجسته دفاع بیولوژیک، در کتابی با عنوان «پرورش نامنی بیولوژیک: چگونه برنامه دفاع بیولوژیک آمریکا سبب گسترش ترس، جهانی شدن خطر و نام‌تر شدن همه ما می‌شود؟» در سال ۲۰۰۹، می‌نویسند: «در سال‌های پس از حادثه ۱۱ سپتامبر، آمریکا میلیاردها دلار را برای گسترش آزمایشگاه‌های بیولوژیک دارای امنیت بالا هزینه کرده و دانشگاه‌ها و مؤسسات خصوصی را ترغیب کرده تا این آزمایشگاه‌ها را بسازند.» این مؤلفان میزان هزینه‌ای که

آمریکا پس از ۱۱ سپتامبر بر روی سلاح‌های بیولوژیک صرف کرده را تا حدود ۶۰ میلیارد دلار ذکر می‌کنند.
به نظر می‌رسد، دیگر هزینه‌های ساخت و نگهداری تسلیحات هسته‌ای چندان به صرفه نیست و نظم نوین جهانی ادعا شده از سوی جهان غرب نیاز به اسلحه نوین کم‌هزینه و مخرب‌تری دارد. با این وصف توسعه تسلیحات بیولوژیک خطر جدی مسابقه تسلیحاتی قدرت‌ها در جهان آینده خواهد بود؛ زیرا هم‌اکنون در آمریکا و برخی دیگر از کشورهای مدعی قدرت، مراکز ملی دفاع بیولوژیک در تمامی زیرشاخه‌ای آن تأسیس شده است.

پرده چهارم

«فرزندان خورشید» یا غار تگران وحشی

محمد مرادی
امپراتوری اینکا، یکی از بزرگ‌ترین حکومت‌های مستقر در قاره سرخ بود که از قرن دوازدهم آغاز شد و تا حضور اسپانیایی‌ها در قرن شانزدهم ادامه یافت. پادشاهان اینکا پس از آنکه قبایل «ایمارا» را مطیع و منقاد خود کردند در کوسکو مستقر شدند و این شهر به زودی پایتخت امپراتوری اینکا شد. امپراتوری اینکا در اوج عظمت خود ۲۵ میلیون نفر جمعیت داشت و تقریباً تمامی سرزمین‌های فعلی بولیوی، پرو، اکوادور، شیلی شمالی و قسمتی از آرژانتین را در بر می‌گرفت و مرکزیت آن در سرزمین کنونی پرو بود. پرو کشوری است در آمریکای جنوبی که پایتخت آن «لیما» نام دارد. این کشور از شمال با اکوادور و کلمبیا، از شرق با برزیل، از جنوب شرقی با بولیوی، از جنوب با شیلی و از غرب با اقیانوس آرام هم‌مرز است. پرو گذشته از اینکه مهد امپراتوری اینکا شناخته می‌شود، وطن شمار زیادی از بومیان قاره آمریکا است. از این رو، کشوری با پشتوانه غنی تاریخی و فرهنگی است.

در سال ۱۵۳۱، ماجراجوی اسپانیایی، فرانسیسکو پیزارو، پاناما را با سه کشتی به قصد پرو ترک می‌کند. او با شنیدن اخبار تحریک‌کننده درباره ثروت اینکاها، دولت اسپانیا را قانع می‌کند تا وسایل سفر بهتری برای اکتشاف در اختیار او قرار دهند. بخت با پیزارو یار بود، به طوری که در هنگام عزیمت او، «آتاھو الپا» سرگرم جنگ با برادر خود «هواسکار» بود که از یک پدر و دو مادر متفاوت بودند و فرصت پرداختن به کار اسپانیایی‌ها را نداشت. هنگامی که پیزارو تصمیم گرفت به قصد دیدار «آتاھو الپا» عزیمت کند، او موفق شده بود برادر خود را شکست داده و به بند بکشد.

در راه پیزارو و همراهانش به سمت پایتخت، نمایندگانی از سوی اینکا به سوی آنها روانه می‌شدند تا به آگاهی آنها برسانند که اینکا از آمدن آنها شادمان است و با آغوش باز آنان را که طبق افسانه‌ای قدیمی «فرزندان خورشید» می‌دانستند، خواهند پذیرفت و در ضمن ارمغان‌هایی را هم از سوسی «آتاھو الپا» به دست آنان رساندند. هنگامی که به شهر رسیدند آنها را در میدانی جا دادند تا اینکا به استقبال‌شان بیایند. از سوی دیگر پیزارو هم برادر خود را به همراه فرستادگانی به دیدار اینکا فرستاد. آتاھو الپا از فرستادگان پیزارو به گرمی پذیرایی کرد و قرار بر این شد که فردا اینکا به دیدار پیزارو برود. فرستادگان هنگامی که به نشیمن‌گاه پیزارو بازگشتند از فزونی ثروت و جواهرات دربار گفتند و اینگونه نقشه کشیدند که شاه اینکا را نزد خود در بند نگه دارند و به دست او کارهای خود را پیش برند.

فردا صبح پیزارو به آرایش سپاه خود پرداخت و پس از آنکه اینکا با شکوه و جلال بسیار و چندهزار تن همراه بر روی تخت روان به جایگاه اسپانیایی‌ها رسید آنها بدون فوت وقت کشیشی را صلیب و انجیل به دست به پیشگاه دربار اینکا فرستادند تا ضمن آنکه بومیان را به آیین مسیحی بخواند به آگاهی آتاھو الپا برساند که پاپ الکساندر ششم سراسر آمریکا را به پادشاه اسپانیا سپرده است و اگر زبردستی او را بپذیرد در امان خواهد بود و در غیر این صورت باید آماده جنگ با آنها باشد. آتاھو الپا که پس از ترجمه این سخنان به خشم آمده بود چنین گفت که آن سرزمین، سرزمین نیاکان آنها است و پاپ حق



چنین بخششی را ندارد. در ضمن پرستش خدای خورشید را به پرستش خدای ناتوان آنان که به دار آویخته شده بود ترجیح می‌دهد. در این کنشاکش کشیش در پاسخ به این پرسش آتاھو الپا که این اعتقادات را از کجا می‌داند انجیل را به دست او داد. آتاھو الپا پس از کمی تکان دادن کتاب با ریشخند، آن را به زمین انداخت که این موجب خشم کشیش شد و به تحریک سپاهیان پرداخت. سپاهیان پیزارو هم که مترصد موقعیت بودند به تاخت‌وتاز پرداختند و شمار زیادی از بومیان را به خاک و خون کشیدند و دارایی‌های بسیار زیادی را غارت کردند. خود پیزارو با گروهی به نزد آتاھو الپا رفت و او را از تخت به پایین کشید و در بند کرد.

پس از چندی اینکا از فرانسیسکو پیزارو درخواست کرد که در برابر آزادی او اتاقی را که در آن نشسته است را پر از زر و سیم کند. پیزارو که از این پیشنهاد او شگفت‌زده شده بود این پیشنهاد را پذیرفت. مردم به امید آزادی فرمانروای خود از پرستشگاه‌های خود ظرف‌ها و کالاهای زرین می‌آوردند و سرانجام به وعده خود جامه عمل پوشاندند، اما بنا به دلایلی پیزارو به وعده خود عمل نکرد و در دادگاهی او را به جرم کشتن برادر و گرفتن زنان متعدد که بر خلاف سنت نیاکان خود بود و همچنین پنهان کردن بخشی از دارایی خود و نداشتن باور به خدای راستین به دار آویختند.

ادواردو گالائو ماجرای تسخیر پایتخت امپراتوری اینکا را چنین شرح می‌دهد: «پیزارو قبل از آنکه سرر آتاھو الپا را از تن جدا کند، به زور تاوانی از او گرفت که «تخت روانی بود به ارزش بیست هزار ماک نقره ناب و یک میلیون و سیصدویست‌وشش هزار اکر زو ناب» سپس به کوسکو حمله کرد. پایتخت امپراتوری اینکا آنقدر عظمت داشت که سربازان پیزارو پنداشتند وارد شهر قیصرها شده‌اند. با این همه برای غارت خورشید لحظه‌ای درنگ نکردند. سربازان زره‌پوش که هر یک می‌خواستند سهم بیشتری به چنگ آورند به جان هم افتاده و با هم درگیر شده بودند. زینت‌آلات و مجسمه‌ها را زیر پا خرد می‌کردند و ظروف را با چکش می‌کوبیدند تا تکه‌تکه و قابل حمل شوند… برای اینکه آنها را به شمش تبدیل کنند. تمام گنجینه معبد، از جمله لوح‌هایی که دیوارها را پوشانده بود و تندیس‌های اعجاب‌انگیز درختان و پرندگان و سایر اشیای موجود در باغ را در بوته زرگری ریختند.»

شرح این لشکرکشی را یک کشیش چنین نوشته است: «به چشم خود دیدم که دست‌های سرخ‌پوست‌ها را قطع می‌کردند. دماغ و گوش آنها را از زن و مرد می‌بریدند. سگ‌های درنده را به جان آنها می‌انداختند تا آنها را پاره کنند. خانه‌ها را آتش می‌زدند. بچه‌ها را از سینه مادر کشیده و پرتاب می‌نمودند. ملت اینکا از برق توپ‌ها و منظره سوارها به‌قدری ترسیده بود که به فکر دفاع نینفادتند. پادشاه اینکا را اسیر کردند و پس از اینکه برای نجات خود تلی از طلا به آنها داد باز او را به مرگ محکوم و خفه کردند.»

رفتارهای ضد بشری آمریکا در جهان

■ ■ ■ دکتر حسین شیخ‌الاسلام* ■ ■ ■

انرژی هسته‌ای به خوبی این ساختار مالی – پولی مخوفی را که آمریکایی‌ها ایجاد کرده‌اند، لمس کرده‌ایم. آمریکایی‌ها می‌گویند دلار برای ماست و ما اجازه نمی‌دهیم شما از آن استفاده کنید. به عبارتی هیچ‌کس حق ندارد در تبادلات یا ایران از دلار استفاده کند. این حرف آمریکایی‌ها پس از توافق برجام است. آنها پیش از این توافق با تهدید و فشار سراسر جهان را با خود همراه



■ **ساختار مخوف مالی و پولی، یکی از شیطنت‌های این شیطان بزرگ است و**

این کشور بدون اینکه مردم و ملت‌ها متوجه باشند پول آنها را می‌دزدد و در

جیب عده‌ای خاص می‌گذارد



کردند تا ایران را تحریم مالی و پولی کنند.

ساختار مخوف مالی و پولی، یکی از شیطنت‌های این شیطان بزرگ است و این کشور بدون اینکه مردم و ملت‌ها متوجه باشند پول آنها را می‌دزدد و در جیب عده‌ای خاص می‌گذارد. همین ساختار ظالمانه در داخل آمریکا نیز حاکم است و کاری که بانک‌ها و مؤسسات سرمایه‌گذاری آمریکا نسبت به کل مردم آمریکا و تعداد کمتر از یک درصدی که در رأس هرم قدرت هستند،

کسانی که امروز در آمریکا هستند، در حقیقت ساکنان اصلی این سرزمین

نیستند. ساکنان آمریکا همه از خارج از این قاره آمدند و ساکنان اصلی آن را که سرخ‌پوستان هستند، سرکوب کردند و سپس آنها را در قسمت‌های محدودی از این سرزمین پنهانوار جای دادند. سرخ‌پوستان آمریکا امروز در اردوگاه‌های خاصی زندگی می‌کنند. این کار آمریکایی‌ها درست مانند رژیم صهیونیستی است که از خارج فلسطین آمدند، فلسطینی‌ها را سرکوب و از خانه‌های‌شان بیرون کردند، زمین‌های‌شان را غصب کردند و امروز در سرزمین‌شان زندگی می‌کنند؛ صهیونیست‌ها همان کسانی هستند که فریاد حقوق بشر سر می‌دهند.

یکی از ساختارهایی که آمریکایی‌ها به جهان تحمیل کرده‌اند، ساختار مالی – پولی است. در گذشته، پایه پولی رو پایه تبادل جهان طلا بود؛ پس از جنگ جهانی دوم که آمریکایی‌ها به مثابه قدرت برتر سر بلند کردند، همه سعی خود را به کار گرفتند تا ساختارهای سیاسی، مالی، پولی و حقوقی خود را بر جهان تحمیل کنند. یکی از اقداماتی که با این اهداف پس از جنگ انجام دادند، این بود که در هتلی در واشنگتن در مقابل همه مردم جهان تعهد دادند هر کسی یک اونس طلا بیاورد، ۳۶ دلار به او می‌دهند و هر کسی ۳۶ دلار بیاورد، یک اونس طلا به او می‌دهند و به این ترتیب پایه پولی از طلا به دلار منتقل شد.

در طول زمان آمریکایی‌ها مرکب و کاغذ چاپ کردند و به دست مردم جهان دادند و در مقابل آن کالا وارد کردند، به ویژه در قضایای جنگ ویتنام که نیازهای زیادی داشتند، تورم سختی ایجاد کردند و پس از جنگ بانک مرکزی انگلستان چند میلیارد دلار به خزانه‌داری آمریکا داد و درخواست طلا کرد که آمریکایی‌ها نتوانستند طلا بدهند. نیکسون، رئیس‌جمهور آمریکا در آگوست ۱۹۷۱ توافق آمریکا با تمام جهان را یک‌جانبه به هم ریخت و طی اطلاعیه‌ای اعلام کرد، تا امروز طلا و دلار با هم ردوبدل می‌شود، از این پس نرخ دلار مانند هر کالای دیگری در

بازار آزاد به صورت شناور تعیین می‌شود. امروز یک اونس طلا بیش از ۳۰۰ دلار است؛ یعنی همه مظلومان جهان و همه پابرنه‌ها که ثروت‌های‌شان در بانک‌های مرکزی به صورت دلار است، ۵۰ برابر ضرر کردند؛ چون ۳۶ دلار به ۳۰۰ دلار تبدیل شده است.

هر آمریکایی هر سال چند هزار دلار بیش از آنکه تولید کند، مصرف می‌کند که این کار آمریکایی‌ها نوعی دزدی آرام و بی‌صداست. ما در قضایای

پرده پنجم

نقش رسانه‌های آمریکایی در مقابله با حقوق بشر

■ ■ ■ فرهاد مهدوی ■ ■ ■

به‌اصطلاح ضد‌تروستی آمریکا کشانده است.

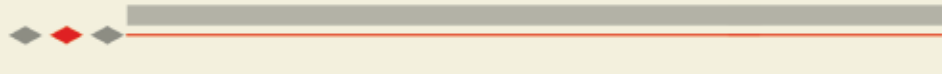
۳- نشانه‌گذاری غلط حمایت از حقوق بشر: به کار بردن انواع نشانه‌ها در فعالیت رسانه‌ای به مخاطبان کمک می‌کند که موضوعات را سریع فرابگیرند و هیچ‌گاه فراموش نکنند و همیشه با آن مقابله کنند. در سال‌های اخیر یک پدیده ضد انسانی به نام داعش با حمایت کمپانی‌های سلاح‌های غرب از کشورهای غرب آسیایی سر برآورد که نشانه‌های اسلام را با خود داشت؛ اما به کمک رسانه‌ها در



■ **در آمریکا قوانین ضد انسانی فراوانی علیه انسان‌ها به صورت نظام‌مند**

تصویب می‌شود که معارض با حقوق بشر است؛ اما همین رسانه‌ها به گونه‌ای

به تبلیغ و ترویج آن مبادرت می‌کنند که به یک رویه تبدیل شود



جهت تصویرسازی‌های دروغین از اسلام و نیز ایجاد تفرقه و جنگ داخلی در میان مسلمانان به کار گرفته شد و مسلمانان زیادی قربانی این تصاویر نادرست از اسلام شدند. اکنون این تصاویر است که مدام اسلام را بازتولید می‌کند و کشتار مسلمانان در سراسر جهان به یک رویه معمول تبدیل شده است.

۴- حمایت از خشونتگران: در ماه‌های گذشته بسیار شاهد بوده‌ایم که صفحات فیسبوک، توئیتر و یاهو بسیاری از کسانی که برخلاف منافع غرب کار کرده‌اند، مسدود شده است و در مقابل صفحات تروئیست‌ها در این شبکه‌ها جزء پربازدیدترین‌ها قرار گرفته است. امروز با وجود اینکه گفته می‌شود آمریکا با داعش

می‌کنند، بر مبنای چنین ساختاری است.

در حقیقت، آمریکا از وحشتی که با قلدری خود ایجاد کرده و از جنایتی که با آن تهدید می‌کند، بهره می‌برد. آمریکا تنها کشوری است که از بمب اتمی استفاده کرده و صدها هزار نفر را نابود کرده است. اگرچه پس از بمب اتمی اول در هیروشیما، ژاپن تسلیم شده بود (حتی ژاپن پیش از انداختن بمب نیز تسلیم شده بود)؛ اما آمریکا بمب دوم را هم انداخت. البته آمریکا پس از انداختن بمب اول فهمید که ابعاد این جنایت چقدر بزرگ است، اما بار دیگر این اقدام ضد بشری را تکرار کرد که به جهان بگوید در این گیتی هر کسی اربابی من را قبول نکند، باید منتظر چنین جنایتی باشد.

با این منش زورگویانه بود که آمریکا پس از جنگ جهانی دوم نظام‌های مالی، پولی، سیاسی و حقوقی ظالمانه خود را بر جهان تحمیل کرد و امروز ساختاری ظالمانه‌تر از شورای امنیت وجود ندارد. شورای امنیتی که می‌گوید چون من بمب اتم دارم، اگر آن چیزی را که می‌خواهم به من ندهید، از بمب اتم استفاده می‌کنم و شما راهی جز این ندارید که سر میز مذاکره بنشینید و آن چیزی را که من می‌خواهم، مؤدبانه و محترمانه به من بدهید؛ یعنی از ترس مرگ خود کشتی کنید.

در تاریخ معاصر در مقابل این ساختار ظالمانه تنها جمهوری اسلامی ایران ایستادگی کرد. امام خمینی(ره) و پس از ایشان رهبر معظم انقلاب به لطف خداوند و پشتیبانی ملت توانستند در برابر آمریکا بایستند، به زورگویی آمریکا «نه» بگویند و از او تبعیت نکنند. در پرتو این ایستادگی و مقاومت است که بیداری اسلامی، آزادی لبنان و فلسطین شکل گرفته و می‌گیرد. رئیس‌جمهور آمریکا به صراحت می‌گوید، بششار اسد باید کنار برود، اما پس از پنج سسال هنوز نتوانسته است خواسته خود را محقق کند. این نشان می‌دهد که دیگر آمریکا آقای جهان نیست و هر آنچه آمریکا می‌گوید نمی‌شود. نه تنها رئیس‌جمهور آمریکا، بلکه همه قطب‌های استعماری با هم به دنبال تغییر حکومت سوریه بودند؛ از جمله رئیس‌جمهور فرانسه، نخست‌وزیر انگلیس، شاه عربستان، رئیس‌جمهور ترکیه، امیر قطر و همه قطب‌های استکباری که گفتند بشار اسد باید برود، اما معلوم شد جهان دیگر آن جهانی نیست که هر آنچه آنها می‌گویند، بشود.

مدیر کل امور بین‌الملل مجلس

پرونده‌ای برای حقوق بشر آمریکایی

پرده ششم

نقض نظام‌مند حقوق‌بشر در آمریکا

نقض حقوق بشر ممکن است از جانب مأموران یا مقامات هر کشوری اتفاق بیفتد، اما آنچه بیانگر میزان تعهد یک کشور در رعایت حقوق بشر است، نبود قوانین و رویه‌های ناقض حقوق انسان‌ها و نیز نوع برخورد دستگاه قضایی و مقامات رده بالای آن کشور با چنین اقداماتی است. در صورت وجود چنین قوانین یا اجرای رسمی چنین رویه‌هایی، می‌توان نتیجه گرفت که نقض حقوق بشر در این کشور موردی اتفاقی نبوده، بلکه سیاست دائمی است که می‌توان آن را نقض نظام‌مند حقوق بشر نامید. در حالی که آمریکا خود را در سطح جهان مدعی حقوق بشر معرفی می‌کند، اما شواهد متعدد نشان می‌دهد، چنین سیاست‌های ضدحقوق بشر در آمریکا به صورت نظام‌مند وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود؛

گزارش‌هایی از شکنجه در زندان‌های آمریکا

یک محقق فرانسوی در گزارشی در پایگاه اینترنتی «ولترنت» از زندان‌های شناور و مخفی نیروی دریایی ارتش آمریکا در دریا در زمان بوش پرده برداشت که در آن قفس‌هایی، همانند آنچه در گوانتانامو استفاده می‌شد، برای شکنجه افراد تعبیه شده بود.

طبق گزارش عفو بین‌الملل در سال ۲۰۰۸ در مراکز حبس و زندان‌های ایالات متحده برای شکنجه زندانیان از دستگاه شوک‌دهنده به‌طور گسترده استفاده شده است. از سال ۲۰۰۱ بیش از ۳۰۰ مورد مرگ ناشی از این شوک‌ها گزارش شده که ۶۹ مورد آن در سال ۲۰۰۸ بوده است.

نقض نظام‌مند حریم خصوصی

پس از حملات ۱۱ سپتامبر، دولت آمریکا به نام مبارزه با تروریسم به مقامات اطلاعاتی خود اجازه داد که ارتباطات ایمیلی شهروندان خود را حک کنند و هرگونه اطلاعاتی را که ممکن است از طریق ابزار فنی منافع ملی آمریکا در اینترنت را تهدید کند، بررسی و آنها را پاک کنند.

«مصوبه میهن‌دوستی» آمریکا به سازمان‌های مجری قانون اجازه می‌دهد ارتباطات تلفنی و ایمیلی و همچنین سوابق مالی، پزشکی و دیگر پیشینه‌های شهروندان این کشور را جست‌وجو کنند و صلاحدیدهای مقامات مجری قانون و همچنین مقامات اداره مهاجرت آمریکا را برای بازداشت و بازگرداندن متهمان به فعالیت‌های تروریستی به کشورشان تعمیم دهند. این مصوبه تعریف تروریسم را گسترش داد و در نتیجه تعداد فعالیت‌هایی که می‌توان قدرت‌های اجرایی قانون را درباره آنها اعمال کرد، بیشتر کرد.

قربانیان اقدامات غیرقانونی

سازمان امنیت ملی آمریکا (NSA) از سال ۲۰۰۱ در سراسر این کشور تجهیزات استراق سَمع نصب کرده تا تماس‌ها، فکس‌ها و ایمیل‌های شهروندان آمریکایی را بررسی کند و به ارتباط‌های داخلی این کشور دسترسی داشته باشد. این برنامه‌های شنود در ابتدا شهروندان عرب – آمریکایی را هدف قرار می‌داد، ولی با گذشت مدت کوتاهی برای همه شهروندان آمریکایی اعمال شد. آژانس ملی بیش از ۲۵ پایگاه شنود



در شهرهای سن‌خوزه، سن دیه‌گو، سیاتل، لس‌آنجلس، شیکاگو و سایر شهرهای آمریکا دایر کرده است. طبق گزارش «انلاین جورنال»، مردی به نام «تاچیو» که از شرکت در برنامه نظارت آژانس ملی سرباز زده بود، به جرم ۱۹ فقره قاچاق داخلی متهم و به شش سال زندان محکوم شد.

نقض نظام‌مند حقوق بشردوستانه و حمایت از آن

بر اساس حکم دادگاهی در آمریکا، آن دسته از بازداشت‌شدگان مظنون به شرکت در فعالیت‌های تروریستی که از سوی «سیا» و در چارچوب برنامه «تحویل فوق‌العاده» دولت بوش برای شکنجه به کشورهای دیگر منتقل شده بوده‌اند، به دلیل «مسائل امنیت ملی» نمی‌توانند از شرکت‌های خصوصی شکایت کنند که انتقال آنها را به کشورهای خارجی به عهده داشته‌اند.

نقض نظام‌مند حقوق مسلمانان

سیاست‌های دولت آمریکا پس از حوادث ۱۱ سپتامبر تأثیر منفی بسیار زیادی بر مسلمانان آمریکا گذاشته و آزادی‌های مدنی آنها را به شدت محدود کرده است. اسلام‌ستیزی رهبران مسیحیان پروتستانی آمریکا مانند «فرانکلین گراهام»، «جری فالول» و «پت رابرتسون» نیز از دیگر اقدامات ضداسلامی در آمریکااست. بر اساس این، امروزه اسلام‌هراسی در آمریکا به چالشی فرهنگی، اجتماعی و سیاسی تبدیل شده است.

معضل هدف قرار گرفتن مسلمانان در موارد نقض حقوق مدنی به دلیل اختیاراتی است که به واحدهای اجرای قانون داده شده است. این اختیارات بر اساس قانون میهن‌پرستی که ۴۵ روز پس از حملات ۱۱ سپتامبر به تصویب کنگره آمریکا رسید، به واحدهای اجرایی داده شد. موج جدید اسلام‌ستیزی در ایالات متحده در سال ۲۰۱۰ تشدید شد. این روند با اظهارات کشیشی در یک کلیسای کوچک در فلوریدا شکل گرفت. تری جونز پیش از برگزاری مراسم ۱۱ سپتامبر اعلام کرد: مرکز امداد جهانی صلح درصدد سوزاندن نسخه‌هایی از قرآن است. در بخش‌هایی از اعلامیه این مرکز آمده بود: ما قصد داریم نسخه‌هایی از قرآن را بسوزانیم تا آگاهی مردم را بالا برده و نسبت به تعلیم و ایدئولوژی این دین به آنها هشدار دهیم. وی سال پیش نیز نوشته‌ای بر سر در کلیسای خود آویزان کرده بود که در آن درج شده بود: اسلام زاینده شیطان است؛ عنوانی که بعدها آن را برای کتاب خود نیز انتخاب کرد. با وجود اظهارات افراطی این کشیش تنها هشت هزار نفر در فیس‌بوک به عضویت گروه او درآمدند. نکته جالب توجه اینکه برخی از سیاستمداران آمریکایی نیز از سخنان وی استقبال کرده‌اند. برای نمونه ران مک‌نیل، یکی از نامزدهای حزب جمهوریخواه در سخنرانی خود اعلام کرده است مسلمانان می‌خواهند زندگی ما را ویران کنند و ما باید با آنها مقابله کنیم.

تاریخ سیاسی دفاع مقدس – ۱۲

مهم ترین مناقشات

مؤلفه‌های مؤثر در شکل‌گیری روابط بین دو ملت و کشور چنان گسترده است که هر یک توانایی تبدیل شدن به مؤلفه‌ای مؤثر در چگونگی تدوام روابط بین دو کشور را دارد. در این میان، به برخی از مؤلفه‌ها به دلیل اهمیت و گسترته موضوع و نیز توجه مکرر دولت‌های دو کشور به آنها، ایفاکننده نقش مهم‌تری در روابط هستند. در این چارچوب، با توجه به سیر تاریخی روابط ایران و عراق، طی سال‌های ۱۹۸۰–۱۹۲۲، چند موضوع اصلی در روابط بین دو کشور وجود دارد که حل‌وفصل نشدن آنها سبب شد تا فضای تشنج و تنش بین این دو کشور باقی بماند. در چنین فضایی به طور حتم باید منتظر وقایع غیرمنتظره‌ای نیز بود؛ وقایعی از جمله درگیری‌های مرزی و در نهایت وقوع جنگ تمام‌عیار یکی علیه دیگری. مهم‌ترین مناقشات ظاهری که موجب واگرایی ایران و عراق شد را می‌توان به موارد زیر خلاصه کرد:
۱– مناقشه بر سر اروندرود (شط‌العرب) یکی از مسائل مهم در این زمینه است که از چند منظر قابل توجه است:
بُعدِ تیساری، بازگانی و حمل‌ونقل اروندرود، بُعد امنیت داخلی اروندرود، به مثابه ابزاری برای حفاظت از منطقه جنوبی (دربراره عراق) و جنوب غربی (دربراره ایران)، بُعد تبلیغاتی اروندرود به عنوان ابزار فشاری در دست عراق برای نفوذ در خوزستان، بُعد حمل‌ونقل اروندرود به عنوان مسیری راهبردی برای حضور در خلیج‌فارس.
۲– یکی دیگر از مسائل مهم در روابط دو کشور مسئله خلیج‌فارس بود که به منزله فضای حیاتی در سیاست خارجی عراق مورد توجه رژیم بعثی قرار داشت و دسترسی آسان به آن خوی گسترش‌گرای را در دولت عراق تقویت می‌کرد.
۳– مسئله آب و مدیریت و مهار آب‌های سرحدی یکی دیگر از مباحث مورد مناقشه ایران و عراق در سال‌های منتهی به آغاز جنگ تحمیلی بود که در تیره و تار شدن روابط دو کشور تأثیرگذار شد.
۴– رشد قومیت‌گرایی عربی در عراق که رژیم ناسیونالیست بعثی در تشدید آن نقش اساسی داشت، یکی از عوامل محرک در ایجاد دوقطبی بین ایران و عراق و صفت‌بندی کاذب بین دو ملت مسلمان و شیعی بود که سال‌ها بدون کمترین اختلافاتی و با بیشترین همگرایی با یکدیگر زندگی کرده بودند.
۵– مسائل کردها و کردستان نیز یکی دیگر از مباحثی بود که در ایجاد اختلافات دو کشور نقش مؤثری داشت. عـوضعت ایرانیان مقیم عراق همواره یکی از مسائل مهم برای ایران بوده است که در دوران حاکمیت رژیم بعثی و سیاست‌های کنترلی و خـوشنـآمیز آنان علیه ایرانیان مقیم عراق، به‌ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی موجب تیره و تار شدن روابط شد.
۷– قرار گرفتن عتبات عالیات و حوزه‌های علمیه در سرزمین عراق و حضور علما و مراجع عظام تقلید در این کشور، یکی از مسائل مهمی بود که با پیروزی انقلاب اسلامی بر اهمیت آن افزوده شد و این در حالی بود که رژیم بعثی حاکم از گسترش تعاملات جهان تشیع به شدت نگران بود و بلافاصله سخت‌ترین سیاست‌ها را برای مدیریت و مهار مراکز علمی تشیع در عراق اتخاذ کرد. این مسئله خود در تیره شدن روابط دو کشور نقش داشت.
۸– مهم‌ترین مؤلفه آغاز جنگ تحمیلی که مسئله پیروزی انقلاب اسلامی بود، موضوعی اساسی است که در شمارده‌های آتی به هر یک از موارد برشمرده به تفصیل خواهیم پرداخت.

انفجار در حزب جمهوری اسلامی

تشکیل شده بود. گزارش خبرنگاران در ساعت ۲۲ دیشب از مقابل دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی ایران حاکی بوده است که در زمان مخابره خبر ۲۰ مجروح به وسیله آمبولانس به بیمارستان‌های مختلف تهران از جمله بیمارستان طرفه و سینا انتقال یافتند و از بیمارستان طرفه خبر رسید که تا آن ساعت هشت شهید که پیکر آنها به کلی متلاشی شده را به این بیمارستان آورده‌اند. یکی از این شهدا آقای طباطبایی نماینده مجلس بود، اما هویت هفت نفر دیگر هنوز مشخص نشده است. خبرنگاران در گزارش خود اضافه کرده‌اند که در فاصله ساعت‌های ۲۳ تا ۲۴ دیشب ۲۴ جسد را از زیر آوار خارج کرده‌اند.»

پس از این واقعه، ابتدا از سرنوشت دکتر بهشتی اطلاعی در دست نبود و برخی امیدوار بودند نام وی در میان شهدا نباشد، اما حوالی صبح ۸ تیر خبر رسید که وی نیز در میان شهداست. در پی



واقعۀ انفجار در دفتر حزب جمهوری اسلامی، از اولین ساعات صبح فردای آن روز عده زیادی از مردم در مقابل ساختمان انتقال خون در خیابان ویلای تهران اجتماع کردند تا با اهدای خون، به مجروحان این حادثه یاری برسانند.

حدود ساعت دو و نیم بامداد هشتم تیر بود که مشخص شد بمب‌ها در

سطل زباله نزدیک سن سالن اصلی حزب کار گذاشته شده بود.

عامل واقعه هفتم تیر چه کسی بود؟

یک هفته پس از انفجار، هویت عامل آن شناسایی شد و طی اطلاعیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با اعلام مشخصات وی از مردم برای دستگیری او درخواست کمک شد: «… در تحقیقات مشخص شد که این عمل وحشیانه توسط سازمان آمریکایی مجاهدین خلق تدارک دیده شده و یکی از افراد مؤثر در این جنایت فردی است به اسم «محمدرضا کلاهی‌صدمی» که مشخصات نامبرده بدین شرح اعلام می‌گردد:
محمدرضا کلاهی فرزند حسن متولد ۱۳۲۸ دارنده شماره شناسنامه ۱۲۵۱، دانشجوی سال اول رشته برق دانشگاه علم و صنعت ایران و دارای دیپلم ریاضی از دبیرستان بامداد واقع در خیابان جمهوری اسلامی، خیابان گلشن، که نامبرده در حین وقوع حادثه متواری شده است.»

سخنگوی سپاه نیز در مصاحبه‌ای با ارائه توضیحات بیشتر درباره نتایج تحقیقات گفت: «… بمب‌گذاری از ناحیه سازمان مجاهدین خلق، این گروه وابسته و مزدور آمریکایی صورت گرفته است. شکل و نحوه کار هم به این طریق بوده که به وسیله یک

سیدهادی خسروشاهی

عامل نفوذی به نام محمدرضا کلاهی که در میان کارکنان حزب جمهوری اسلامی نفوذ کرده بود… این بمب‌گذاری صورت می‌گیرد… این بمب‌گذاری خیلی ساده و به نوعی بوده که هر کسی می‌توانسته این کار را انجام بدهد. به جهت اینکه فرصت کافی داشته و یکی از بمب‌ها را در زیر تریبون قرار داده، بمب دیگر در کنار ستونی از سالن کار گذاشته…»

حجت‌الاسلام محمدی ری‌شهری، اولین وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی ایران در خاطرات خود آخرین و کامل‌ترین اطلاعات به دست آمده درباره کلاهی را ارائه داده است: «محمدرضا کلاهی‌صدمی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ به سازمان منافقین پیوست. ابتدا در انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه علم و صنعت و پس از مدتی با خط‌دهی سازمان از انجمن اظهار بریدگی نموده، ضمن اینکه در همان مقطع با سازمان ارتباط تنگاتنگی داشته است به عنوان پاسدار کمیته انقلاب اسلامی ولی‌عصر تهران واقع در خیابان پاستور شروع به فعالیت کرده‌ا و به تدریج با هدایت منافقین وارد حزب حزب جمهوری اسلامی می‌شود. کلاهی در تشکیلات دفتر مرکزی حزب در جایگاهی قرار می‌گیرد که از کلیه جریانات مهم حزبی و مملکتی (دولت،مجلس، نهاده‌ا و … مطلع بوده و همچنین مسئول دعوت‌ها برای نشست‌ها، میزگردها یا جلسات بوده، ضمن اینکه حفاظت سالن نیز به عهده او بوده است. او مستقیم زیر نظر یکی از افراد کادر مرکزی منافقین به نام هادی روشن‌روانی با نام مستعار مقدم قرار داشته است.

کلاهی از تاریخ ۱۳۵۹/۹/۱ در منزل شخصی فردی به نام سیدعباس مؤذب‌صفت به عنوان مستأجر و به صورت انفرادی زندگی می‌کرده و بعضاً افرادی را نیز با خود به منزل می‌آورده است. وی ساعت ۷ صبح از خانه خارج و حدود ۸ شب به خانه برمی‌گشت و در رفت و آمد بسیار محتاط بود و مرتباً خودش را چک می‌کرد و حتی برای رفتن به دستشویی در اتاق خودش را قفل می‌نموده است. وی چند روز پیش از انفجار حزب، کیف سامسونت خود را عوض کرده و یک کیف بزرگ را با خودش حمل می‌نموده و چون رفت‌وآمد وی در طول روز به حزب زیاد بوده، کمتر مورد بازرسی قرار می‌گرفت. پس از انفجار حزب جمهوری اسلامی، او متواری و در خانه‌های تیمی منافقین مخفی و نهایتاً از طریق مرز غرب کشور توسط عوامل منافقین به عراق منتقل شد. در مقطعی که وی در ایران مخفی بود گزارش‌های متعددی مبنی بر محل اختفای وی در مناطقی از جمله: جاده چالوس، روستای سیاه‌پیشه، قلعه میرفتاح در اطراف همدان، واصل شد که با مراجعه تیم‌های عملیاتی نتیجه‌ای حاصل نشد.

گفته می‌شود کلاهی در سال ۱۳۷۰ در فهرست اعضای «مسئله‌دار» سازمان قرار گرفت، در ۱۳۷۲ از سازمان بیرون آمد و در ۱۳۷۳ از عراق رهسپار آلمان شد.

جهان در آینه تاریخ

رهبر مبارزه با استعمار در غرب آفریقا

دکتر عبدالله شهبازی

او نخواهد بود؛ لذا تصمیم گرفت که تا حد ممکن از رویارویی با آنان دوری کند؛ اما فرانسویان در سال ۱۸۸۵ به سپاهیان ساموری هجوم بردند و آن را ناجار به مقابله نظامی کردند. در این جنگ هر چند نزدیک بود که نیروهای فرانسوی با شکست روبه‌رو شوند؛ اما ساموری از راه گفت‌وگو درآمد و موافقت کرد که از پیشروی به سوی غرب خودداری کند، مشروط بر آنکه فرانسوی‌ها راه پیشرفت او را به سوی شرق – که در آنجا قبایل سنوفو راه او را سد کرده بودند – آزاد بگذارند.

پس از این توافق، ساموری توری منطقهٔ سیکاسو، مقر سنوفوها را در محاصره گرفت و این محاصره از رمضان ۱۳۰۵/مه ۱۸۸۷ تا ذی‌حجه ۱۳۰۵ /اوت ۱۸۸۸ طول کشید؛ اما فرانسویان به انواع توطئه‌ها و فتنه‌انگیزی‌ها پرداختند و در میان پیروان ساموری شورش ایجاد کردند. امید آنان این بود که حکومت ساموری متلاشی شده و به جنگ آنها بیفتد؛ اما ساموری توانست بر این شورش نیز غلبه کند (۱۸۸۸–۱۸۹۰)



و سلطهٔ خود را بر تمام منطقه حکومتی خویش حفظ کرده، به تعدیل سیاست داخلی و نوسازی سپاه و رویارویی مجدد با فرانسویان بپردازد. فرانسویان که از این راه ناامید شده بودند در سال ۱۸۹۱ سپاهی به مقابله او فرستادند و از آن تاریخ تا سال ۱۸۹۴ نبردهای متعددی میان دو طرف روی داد که ساموری تاگزیر شد نیروهای خود را به سوی شمال ساحل عاج انتقال دهد. در آوریل سال ۱۸۹۵ یک حملهٔ دیگر فرانسویان را دفع کرد و در سرزمین جدید اقامت گزید؛ اما در سپتامبر ۱۸۹۸ فرانسوی‌ها با سپاهی مجهز و بزرگ در ناحیه جیلیمیو در ساحل عاج او را غافلگیر کرده و پس از نبردی سخت وی را به اسارت گرفتند و به گابن منتقل کردند و او سال بعد (۱۹۰۰) در این کشور درگذشت. ساموری رؤیاهای بلندی در سر داشت. وی می‌کوشید تا از طریق وحدت اسلامی، تمام سرزمین‌های آفریقایی غربی را متحد و یکپارچه کند و با نوسازی اقتصادی و عمران، به آرزوهای مردم ستمدیده جامعهٔ عمل پوشاند، لکن با تمام خردمندی و جسارت و دل‌آوری، سرانجام در برابر نیروهای برتر و مجزتر استعمارگران ناکام ماند؛ اما نام او در تاریخ مبارزات استقلال‌طلبی و آزادی‌خواهی آفریقا جاوید ماند.

هفته نامه سیاسی،فرهنگی و اجتماعی
دوشنبه ۷ تیر ۱۳۹۵/ ۲۱ رمضان ۱۴۳۷/شماره۷۵۵

امام خامنهای در گذر زمان

نماینده امام در شورای عالی دفاع

در مبحث گذشته اشاره شد که امام خامنهای نماینده امام(ره) در شورای عالی دفاع بود و در آن زمان این شورا تحت ریاست مهندس مهدی بازرگان، رئیس دولت موقت تشکیل و اداره می‌شد. گفته شد افرادی که در این شورا عضویت داشتند غالباً از شخصیت‌های وابسته به رژیم پهلوی یا عناصر غرب‌زده و لیبرال بودند و حضور امام خامنهای در آن جلسه برای‌شان خوشایند نبود و در همین شورای‌عالی دفاع بود که مهندس بازرگان و رفقایش تصمیم داشتند نام ساواک را به معاونت انقلاب تغییر دهند و مستشاران آمریکا در ارتش و دستگاه‌های دیگر باقی بمانند و تنها نام آن را تغییر دهند تا حساسیت ایجاد نکنند، بنابراین دولت موقت قصد داشت که طی مصوبه‌ای آن را قانونی کند. اما امام خامنهای وجود چنین تشکیلاتی در ارتش جمهوری اسلامی و نظام را غیرقانونی تلقی کرده و به شدت با آن برخورد می‌کنند و بر تقویت جریان انقلاب و روحیه انقلابی اصرار می‌ورزند و حضور مستشاران آمریکایی در ایران را نمی‌پذیرند و به شدت با این اقدام مخالفت می‌کنند. از پیروزی انقلاب تا پایان سال ۵۸ امام خامنهای با این کشمکش‌ها روبه‌رو بودند، به‌ویژه پس از روی کار آمدن بنی‌صدر در مقام فرمانده کل قوا که نمایندگی امام خامنهای در شورای عالی دفاع با مشکلاتی روبه‌رو می‌شود، تا اینکه مجلس خبرگان قانون اساسی به کار خود پایان می‌دهد و نهاده‌ا و دستگاه‌ها بر مبنای اصول قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی تشکیل و تأسیس می‌شوند و طبق ماده ۱۱۰ قانون اساسی، حضرت امام وی ووزند و نمایندگی خود در شورای عالی دفاع ملی منصوب می‌کنند تا گزارش‌های جلسات را به استحضار ایشان برسانند. حضرت امام خمینی در تاریخ ۱۳۵۹/۲/۲۰ اقدام به تأسیس این نهاد می‌کنند و طی حکمی امام خامنهای و شهید مصطفی چمران را به نمایندگی از طرف خودشان معرفی و منصوب می‌کنند. متن آن حکم چنین است: «جناب حجت‌الاسلام آقای حاج‌سیدعلی خامنهای – دامت افاضاته – برای تشکیل شورای عالی دفاع ملی بر مبنای اصل یکصدوده قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، جناب‌عالی به‌عنوان مشاور از طرف این‌جانب منصوب می‌شویید و در این موقع چون در وضع استثنایی هستیم لازم است هر هفته با بررسی کامل و با کمال دقت رویدادهای داخلی ادارات مختلف ارتش را برای این‌جانب ارسال دارید.»

از این تاریخ امام خامنهای در سمت نماینده امام در شورای عالی دفاع مشغول فعالیت می‌شوند و با قدرت، ابتکار عمل را در این شورا به کار می‌گیرند و برخلاف جریان‌های توطئه‌گری چون بنی‌صدر که فرماندهی کل قوا را داشت، امام خامنهای محکم بر رعایت ضوابط اصول انقلاب ایستادگی می‌کنند.

ایران در آینه تاریخ

ملکه دموکرات – شاه مستبد!؟

و هم با وجهه‌ای که با تبلیغ گسترده همین اقدامات در خارج از کشور به دست می‌آورد، مشروعیتی بین‌المللی برای حکومت پهلوی کسب می‌کرد؛ مشروعیتی که در داخل به شدت زیر سؤال بود و به همین دلیل اقدامات به ظاهر دموکراتیک و آزادی‌خواهانه فرح در خارج از کشور می‌توانست حداقل وجهه‌ای بین‌المللی برای رژیم پهلوی کسب کند و از بار سنگین انتقادات در داخل بکاهد. تلاش فرح برای کسب حمایت عمومی در داخل و خارج از کشور با آگاهی از بیماری شاه در ماه‌های پایانی سلطنت پهلوی بیشتر شد. او در واقع تلاش داشت تا جایگاه خود و فرزندش را برای زمانی که شاه دیگر زنده نبود، به ویژه میان قدرت‌های بزرگ غربی حامی شاه تثبیت کند.

مجموعه کارهایی که برای نشان دادن چهره لیبرال دولت و نظام ایران در این زمان صورت می‌گرفت، صرفنظر از تصور جلب رضایت مردم کشور، نگاهی هم به خارج و به ویژه به کاخ سفید داشت و با این هدف صورت می‌گرفت که امریکای کارتر الگوی موردنظر حقوق بشری خود را در پیشانی



آن ببیند و به آن جلب شود. البته، به جز این نباید از روابط شخصی شهبانو با کاخ سفید و خانم کارتر و اساساً محافل آمریکایی از طریق تماس با موسسه اسپن (Aspen) و سفر مرتب او به آمریکا بی‌توجه گذشت… او امیدوار بود از طریق این کانال‌ها در موقع معین حمایت لازم را دریافت کند.

طبق اسناد به دست آمده آمریکایی‌ها نیز که از وخامت حال شاه در بودند، ارزیابی بسیار مثبت ازآنس اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) از فرح دیا بودند. جایگاهی که این سررویس برای فرح پس از فوت شاه در نظر گرفته بود، این احتمال را تقویت می‌کند.

فرح پهلوی هرچند در طول دوره طولانی حضور خود در دربار تلاش داشت چهره‌ای متفاوت از دیگر اعضای این خانواده در اذهان عمومی از خود ارائه دهد؛ اما نگاهی دقیق به اقدامات وی نشان می‌دهد عملکرد سیاسی فرح در نهایت سوپاپ اطمینانی برای جلوگیری از افتادن رژیم پهلوی در دام انقلاب‌های مردمی بوده است؛ سیاستی که البته به دلیل جذب گروهی محدود از روشنفکران، همراهی نکردن عموم مردم و در نهایت سرشت استبدادی حکومت کارآمد نبود.

سازمان سیا همواره ارزیابی بسیار مثبتی از عملکرد سیاسی فرح دیا در هیئت حاکمه ایران، به کاخ سفید گزارش داده، به نوعی که او را جانشینی مطلوب برای روزی که محمدرضاشاه نباشد، در نظر گرفته بود. این نکته نشان از مهارت فرح در بازی سیاسی در درون حکومت استبدادی شاه داشت.

فرح پهلوی از هنگام ورود به دربار با انجام فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی مردم‌گرایانه تلاش کرد تا چهره‌ای متفاوت از دیگر افراد بانفوذ دوران پهلوی دوم از خود نشان دهد؛ اما این سیاست‌ها تا چه اندازه واقعی بود و آیا توانست در عمل تأثیری بر سرشت استبدادی رژیم پهلوی بگذارد؟

سیاست فرهنگی در برابر مشت آهنین

فرح پهلوی تلاش داشت تا در جایگاه دختری تحصیلکرده در غرب از خود چهره‌ای دموکرات و لیبرال‌منش نشان دهد. در دفتر او و بنیادی که به بنیاد فرح معروف بود بسیاری از شخصیت‌های روشنفکر، چپی‌های منتقد حکومت، هنرمندان غربگرا، فمینیست‌های طرفدار حقوق زنان و به طور خلاصه شخصیت‌هایی که امکان راه‌یابی به دربار و گفتن حرف‌های‌شان در عرصه عمومی را نداشتند، رفت‌وآمد می‌کردند.

در واقع، فرح، محمدرضا پهلوی را توجیه کرده بود که اشاعه بخشی از مطالب مارکسیستی به نفع سلطنت اوست و نه خطری علیه آن؛ لذا در دوران فرح و با حمایت دفتر او تفکرات کمونیستی و آته‌یستی رواج داده می‌شد و روشنفکران مارکسیست، مانند فیروز شیروانلو جذب دفتر فرح می‌شدند، یا نهادهایی همچون «کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان» تحت حمایت او قرار می‌گرفتند و به این ترتیب، این طرز تلقی در میان بخشی از جامعه ایجاد شده بود که نگاه ملکه به مسائل سیاسی با شاه تا حدود زیادی متفاوت است؛ او می‌تواند صدای مخالفان باشد و جای جامعه مدنی و احزابی را که در ایران آن زمان یا وجود خارجی نداشت، یا کارپوزهای نمایشی داشت، گرفته و در حکم نهاد واسطی میان مردم و حکومت عمل کند. اتخاذ سیاست مدارا با منتقدان و حتی جذب و پذیرش آنان، هم به نفع فرح بود و هم در نهایت مزیتی مهم برای حکومت پهلوی و شخص شاه به شمار می‌آمد. به این ترتیب، حداقل بخشی از منتقدان رژیم شاه به جای خارج شدن از دایره حکومت و قرار گرفتن در زمره مخالفان انقلابی، انتقادهای‌شان را به شکلی ملایم و بی‌خطر آن هم در محلی همچون دفتر فرح و در جمع‌های محدود و کوچک بر زبان می‌راندند که تبعات منفی برای حکومت پهلوی نداشت.

ملکه دموکرات در برابر شاه مستبد؛ زدن یک تیر با دو نشان!

در واقع رویکرد سیاسی فرح در قبال منتقدان رژیم شاه و تحمل و پذیرش آنان در دستگاه عریض و طویل اداری او که خود به مانند وزارتخانه‌ای دولتی عمل می‌کرد، منفعتی دوسویه برای شخص فرح و همچنین رژیم شاه داشت. مهم‌ترین شاخصه اصلی کنش سیاسی فرح در طول زمامداری حکومت پهلوی، ارائه تصویری جدید از حکومت در برابر منتقدان رژیم و همچنین معرفی خود به عنوان چهره‌ای لیبرال و روشنفکر بود که گاهی حتی در نقطه مقابل حکومت استبدادی و مطلقه محمدرضا به نظر می‌رسید. به این ترتیب، مقاب با اقداماتش به نوعی، هم چهره خشن استبداد پهلوی را تلطیف می‌کرد

فتح‌الله پیرشان

اندیشه سیاسی و عدالت از منظر آقاجمال خوانساری

زندگی سیاسی هر اندیشمند و سیاستمداری متأثر از واقعیات سیاسی و اوضاع فکری و فرهنگی عصر و زمانه حیات وی است. سیدجمال‌الدین محمد خوانساری از آخرین سلسله مهم و معروف عالمان شیعی عهد صفوی نیز از این حکم کلی مستثنی نیست. تعامل خوب و مناسب دستگاه حکومت صفوی با وی و سایر علمای شیعی، حاصل هدایت فکری مرحوم خوانساری نسبت به آخرین شاهان صفوی (شاه سلیمان و شاه سلطان حسین) است که خودش را در قالب تألیف و اهدای چندین رساله و کتاب به نام آنها نشان می‌دهد. از مهم‌ترین این کتاب‌ها، رساله نماز جمعه و کتاب شرح غررالحکم در شش جلد است.

در پاسخ به پرسش از چیستی اندیشه سیاسی خوانساری، لازم است با کلیات آرا و آثار سیاسی وی و تعریفی که از مفاهیمی مانند؛ نظام سیاسی، رهبری و سیاست‌های حکومت اسلامی ارائه کرده است، آشنا شویم. آنچه در این بررسی مشهود است، تأثیرپذیری رفتار سیاسی خوانساری از مسائل سیاسی –اجتماعی و نیز اندیشه سیاسی او از مبانی فقهی و کلامی او است؛ یعنی خوانساری به سیاست از دریچه دین و نگاه متأملانه دینی می‌نگرد. وی از نظر روش‌شناسی و مسلک علمی در حوزه قضاوت و علوم نقلی، تابع مسلک اجتهاد بوده و اثر مشهور او در فقه استدلالی، یعنی حاشیه شرح لمعه از آثار مهم و ماندگار متأخرین در این زمینه به شمار می‌آید. خوانساری در حوزه علوم عقلی، با گرایش به فلسفه و حکمت یونانی شروح بسیاری بر کتب و رسائل حکما و فلاسفه نوشت^[۱]

او در عصر سیطره و ضدیت اخباری‌ها با فلسفه و حکمت، با روشی عالمانه تضاد یا تناقض ظاهری عقل و نقل را حل کرد و حوزه هر یک از آنها را به دقت از یکدیگر متمایز ساخت. از نگاه وی علوم عقلی مانند فلسفه، نه تنها مُضَل و مضر نبوده، بلکه خود ضرورتی است که برخی از عالمان دینی به منظور پاسخگویی به شبهه‌های مخالفان دین، باید آن را فراگیرند.تعریفی که خوانساری از مفهوم سیاست ارائه می‌دهد نظری و انتزاعی نیست؛ بلکه ناظر به واقعیت خارجی پدیده سیاست و معطوف به هدف است. وی در تفسیر سیاست به امر و نهی مردم و اصلاح امور ایشان نظر دارد و معتقد است: مراد به سیاست امر و نهی کردن است و تعلیم کسی، آنچه را صلاح حال او باشد در زندگانی؛ خواه امری باشد که متعلق به خصوص او باشد، یا از برای معاشرت و اجتماع با جمعی که با او باشند در یک خانه یا یک شهر، ضرور باشد، یا نافع.^[۲] در اندیشه سیاسی خوانساری عدالت از مفاهیم محوری به شمار می‌آید. وی با تمایز بین مفهوم عرفی عدالت – که در مقابل ظلم و جور به کار می‌رود – و معنای اصطلاحی آن – که مقابل فسق و مِرَادف با کلمه تقوا است – معضَل توصیف پادشاهان و سلاطین جور به وصف «سلطان عادل» را حل می‌کند. او دربارهٔ مفهوم عدل چنین گفته است: معنای دوم عدالت «مقابل ظلم و جور است و شایع در عدل که در پادشاهان و حکام استعمال کنند، این معنی است.»از نگاه خوانساری عدالت تنها هدف اساسی و علت غایی تشکیل حکومت است؛ به گونه‌ای که در متون روایی حاکمان به تأکید بر رعایت آن توصیه شده است. خوانساری احادیث فراوانی را – که درباره عدل پادشاهان می‌باشد – در اثر روایی خود شرح غررالحکم شرح و تفسیر کرده است.^[۳]

مرحوم خوانساری در ذیل حدیثی بسیار شیوا که درباره پیوند دین و سیاست نقل شده است؛ حدیثی که بیان‌کننده پیوستگی دین و حکومت است، دو کارویژه اساسی نهاد دین و نهاد دولت را تشریح می‌کند و با بیان این نکته که «نظام هر دولتی ناچار است از فتن و رتق امور؛ یعنی شکافتن و به هم آوردن» بر تفکیک نندن این دو نهاد از یکدیگر تأکید می‌کند: «السیف فاتق والدین رائق فالدین یأمر بالمعروف و السیف ینهی عن المنکر»؛ شمشیر بازکننده گره‌ها و دین، سامان‌دهنده امور است؛ پس دین، امر به معروف می‌کند و شمشیر، نهی از منکر می‌نماید.» لازم به ذکر است که واژه «سیف» به معنای شمشیر ناظر به نهاد دولت و قدرت برتر و بلازمان است که با قهرش معضلات و گره‌ها را که با وسایلی دیگر امکان باز کردن آنها نیست، باز می‌کند و دین با مهرش نابسامانی‌ها و گره‌های باز شده‌ای را که به هم نمی‌پیوندند، به هم می‌رساند و اوضاع را سامان می‌دهد.

✽ **منابع در دفتر نشر به موجود است.**

در شماره گذشته این ستون به

این موضوع پرداخته شد که دولتی شدن جریان فمینیسم در دوره پهلوی اول در واقع، چتر امنیتی‌ای را برای ادامه فعالیت‌های آن جریان در ایران فراهم کرد و در این راستا گروه‌هایی شکل گرفتند که در شماره پیش به دو شکل آن اشاره شد. در این شماره تعدادی دیگر از ایسن گروه‌ها به ویژه مهم‌ترین آنها، یعنی کانون بانوان به اجمال بررسی می‌شوند.

۳- انجمن بیداری زنان

انجمن بیداری زنان، شاخه انشعاب یافته جمعیت نسوان وطن خواه است که در سال ۱۳۰۶ در تهران تشکیل شد. داشتن تفکرات مارکسیستی و عدم اعتقاد به رعایت حجاب در جامعه از جمله ویژگی‌های این انجمن محسوب می‌شود. این انجمن شاخه‌ای نیز در قزوین تأسیس کرد.^[۱]

۴ – انجمن زنان وطن‌پرست

انجمن فمینیستی زنان وطن‌پرست با مرام سوسیالیستی، در واقع، شاخه زنان حزب سوسیالیست ایران در دوره رضاخان است. محترم اسکندری، همسر سلیمان اسکندری و مدیر یکی از مدارس دخترانه کشور، دبیری این انجمن را برعهده داشت. مبارزه برای وضع قوانین حمایتی زنان، برگزاری کلاس‌های سوادآموزی، انتشار مجله و اجرای نمایش‌نامه برای ارتقای سطح آگاهی عمومی، از جمله فعالیت‌های انجمن زنان وطن‌پرست می‌باشد.^[۲]

۵ – جمعیت نسوان وطن‌خواه
جمعیت نسوان وطن‌خواه یکی از انجمن‌های فمینیستی اواخر دوران مشروطه است که در آن دوره فعال بود. در این بخش، فقط به مهم‌ترین اقدامات این انجمن در دوره رضاخانی اشاره می‌شود.

برگزاری دومین کنفرانس منطقه‌ای زنان کشورهای شرقی در سال ۱۳۱۱ش در تهران، یکی از مهم‌ترین اقدامات و فعالیت‌های جمعیت نسوان وطن‌خواه است. نمایندگان کشورهای چین؛ مصر، عراق، ترکیه، لبنان و هند در این کنفرانس شرکت داشتند.

ریاست کنفرانس را نیز یک فمینیستی رادیکال از لبنان به نام «نور حماده» برعهده داشت. ریاست افتخاری این کنفرانس نیز بر عهده شمس پهلوی بود.^[۳] همچنین مستوره افشار معاونت و صدیقه دولت‌آبادی منشی‌گری آن کنفرانس را برعهده داشتند.^[۴] مبارزه برای کسب آزادی بیشتر، ضرورت اتحاد بین زنان مسلمان و مسیحی در خاورمیانه و کشف حجاب به عنوان نخستین قدم به سوی آزادی زنان تحصیلکرده شهری طبقه متوسط، از جمله موضوعات مورد تأکید و اتفاق سازمان‌دهندگان این کنفرانس بود.^[۵]

ذکر ترقیات روزافزون زنان اروپایی و محرومیت زنان کشورهای عربی و ایرانی و لزوم جنبش و اقدامات جدی از طرف زنان روشنفکر، محور مباحث سخنرانی‌ها و کمیسیون‌های متعدد کنفرانس را تشکیل می‌داد.^[۶] مستوره افشار از سخنرانان این کنفرانس، ضمن بیان عقب‌ماندگی زنان ایرانی از هماتیان اروپایی خود و ذلت‌بار معرفی کردن وضعیت زنان ایرانی تا پیش از روی کار آمدن سلطنت پهلوی، از تلاش مطبوعاتی جریان فمینیسم در ایران در جهت تحقق تساوی حقوقی زنان با مردان به سبک غربی پرده برمی‌دارد.^[۷]

تفقاتی حق انتخاب کردن و انتخاب شدن از دولت در صورت حاصل شدن استعداد و کفایت در زنان و همچنین حصول اکثریت در زنان فاضله، عالمه و تربیت شده، تأسیس مدارس اکابر نسوان در نقاط مختلف کشور، اعزام زنان برای تحصیل به خارج از کشور، ممنوعیت تعدد زوجات شرعی، لزوم استفاده زنان از البسه وطنی، الگوبری از عادت‌ها و اخلاق خوب و پسندیده غربی، ممنوعیت فحش‌های سزّی و محدود کردن و ممنوع کردن فحش‌های علنی، از جمله مصوبات کنفرانس نسوان شرق در ایران می‌باشد.^[۸]

۶ – کانون بانوان

کانون بانوان که در اوایل سال ۱۳۱۴ در تهران تأسیس شد؛ اولین جمعیت فمینیستی در ایران است که به

جریان‌شناسی فکری – فرهنگی ایران معاصر – ۲۳

کانون بانوان و گسترش سبک زندگی زن غربی در ایران

■ ■ ■ **علی‌اصغر نصیری – عبدالله شمس** ■ ■ ■

دستور حکومت تشکیل شد. بدرالملوک بامداد، تشکیل کانون بانوان را به دستور مستقیم رضاخان در راستای پیشبرد جنبش زنان ایران چنین معرفی می‌کند: «در ۲۲ اردیبهشت ۱۳۱۴،ش. بامداد اعلی‌حضرت رضاشاه کبیر و با دعوت وزیر معارف وقت- آقای علی‌اصغر حکمت-عهده‌ای از زنان فرهنگی، انتخاب و به محل دارالمعلمات و کوچه ظهیرالاسلام خیابان شاه‌آباد دعوت شدند. به آنها گفته شد که

درباره کانون بانوان به وزارت امور خارجه ارسال شد نیز رفع حجاب، هدف اساسی این کانون معرفی شده است. «مقصود اساسی جمعیت کانون بانوان از آغاز تأسیس، رفع حجاب بود و اعضای آن که غالباً مدیران مدارس و مأموران وزارت معارف هستند، در این بساب جدیت زیادی دارند و در مدارس دختران، رفع حجاب را ترویج نمودند.»^[۱۳]

از این گزارش می‌توان فهمید



که تأکید جریان فمینیسم بر آموزش زنان و دختران در حقیقت در راستای ترویج سبک زندگی زن غربی بوده است که از جمله اهداف و الگوهای زن در جریان فمینیسم است. برگزاری مراسم و تشریفات اجرای کشف حجاب در ۱۷دی ماه ۱۳۱۴ در دانشسرای دختران به ریاست هاجر تربیت و حضور زنان عضو کانون بانوان و زنان معلم در آن مراسم^[۱۴] و نیز سخنرانی هاجر تربیت در آن جلسه علیه حجاب و معرفی کردن حجاب به عنوان جامعه‌های خفت و حقارت برای زنان^[۱۵]، نشان می‌دهد که کانون بانوان و مدارس دخترانه از عوامل همسو با کشف حجاب در ایران دوره رضاخان بودند. از تاریخ اعلام رسمی کشف حجاب در ایران، کانون بانوان تمام فعالیت‌های خود را در راستای تحقق

و پری حسام شهرتیس، ریاست شعبهٔ تربیت بدنی هیئت‌مدیره کانون بانوان را برعهده داشتند.^[۱۶] باوجود اشاره نکردن صریح به رفع حجاب در اساسنامه کانون بانوان، برداشتن چادر از سر زنان و رفع کامل حجاب اسلامی از جمله اهداف کانون، بلکه مهم‌ترین هدف آن به شمار می‌رفت.

بدرالملوک بامداد ترک چادر سیاه را که وی از آن به ترک کفن سیاه تعبیر می‌کند، هدف اصلی کانون بانوان معرفی می‌کند. بامداد اضافه می‌کند که کانون برای اجرای هدف مذکور در ابتدا از اعضای خود شروع و سپس با ترتیب جلسات سخنرانی، زنان دیگر را به برداشتن چادر و حجاب تشویق می‌کرد.^[۱۷]

در گزارشی که در سال ۱۳۱۴

هرچه بیشتر بی‌حجابی در ایران تنظیم کرد. به عبارت دیگر، تمام اقدامات کانون از برگزاری کلاس‌های آموزشی برای زنان و دختران، مجالس سخنرانی و جشن‌ها گرفته تا کلاس‌های تربیت نهادینه کردن کشف حجاب در ایران و گسترش سبک زندگی زن غربی در میان زنان، به‌ویژه زنان مرتبط با کانون بود.

غیر از تلاش در جهت رفع حجاب، ایجاد مجالس سخنرانی، نمایش‌ها، کلوپ‌های ورزشی، کتابخانه و کلاس‌های اکابر برای زنان، از جمله فعالیت‌های کانون بانوان ایران در دوره ریاست یک‌ساله هاجر تربیت می‌باشد.^[۱۸]

تأسیس دبستان شش کلاسه برای دوشیزگان و بانوانی که به دلیل سن بالا نمی‌توانستند در مدارس دولتی درس بخوانند، تأسیس هنرستانی برای زنان و دختران بالای ۱۲سال در سال ۱۳۱۷، که بُرش و خیاطی و کارهای دستی آموزش داده می‌شد^[۱۹]، تأسیس مطب مجانی کودکان در سال ۱۳۱۶ برای کمک به بیماران بی‌ضاعت، برگزاری کلاس موسیقی، تأسیس انجمن ادبی، انجمن تشویق به سادگی، انجمن ورزش و انجمن خیریه^[۲۰]، برگزاری جشن‌ها و سخنرانی‌های متعدد تربیتی، بهداشتی و اجتماعی^[۲۱]، رسیدگی به درخواست‌های مساعدت زنان در رابطه با مشکلات آنان در جامعه^[۲۲] و نیز دادخواهی نسبت به شکایت زنان از تعدیات مردان به حقوق‌شان^[۲۳]، تلاش در زمینه اعطای حق طلاق به زنان و تصحیح قانون ازدواج^[۲۴]، از جمله اقدامات و فعالیت‌های کانون بانوان در عرصه داخلی در دوره ریاست صدیقه دولت‌آبادی به شمار می‌آید. در عرصه بین‌المللی نیز کانون بانوان در راستای انعکاس فعالیت‌های خود در جهان، مکاتباتی را با انجمن‌های زنان در سایر کشورهای جهان داشت.^[۲۵]

✽ **منابع در دفتر نشریه موجود است.**

اصطلاحات

لایب‌گری در انتخابات آمریکا

از انتقادهای مهم به نظام انتخاباتی آمریکا، محوریت‌یابی لایب‌گری و نقش تعیین‌کننده برخی از لایب‌های قدرتمند و سنتی مانند لایب صهیونیستی در تعیین نمایندگان و حتی رئیس‌جمهور این کشور است. به همین دلیل نیز نامزدهای ریاست‌جمهوری و کنگره همواره تلاش می‌کنند تا حمایت لایب‌ها، به ویژه لایب‌های طرفدار رژیم صهیونیستی را به دست بیاورند.

لایب‌گری در آمریکا با امواج بزرگ مهاجرت در قرن نوزدهم آغاز شد. آمریکایی‌های ایرلندی تبار یکی از تأثیرگذارترین لایب‌های قومی در آن دوره به شمار می‌آیند؛ اما لایب گروه‌ها و قومیت‌های مختلف در ۲۵ سال اول قرن بیستم رشد چشمگیری پیدا کرده است. با توجه به افزایش نقش کنگره در سیاست خارجی آمریکا، گروه‌های قومی و لایب‌گر نیز نقش بیشتر و تأثیرگذارتری ایفا کردند. گروه‌های قومی و لایب‌های آنها نیز در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ رشد بسیار بالایی داشتند.

واژه «لایب» در لغت به معنای راهرو و سرسرا است. به نظر می‌رسد ریشه لغوی لایب را باید در ساختار فیزیکی پارلمان بریتانیا یافت که در آن اتاقی سرپوشیده بیرون ساختمان تالار اصلی وجود داشت و شهروندان عادی برای ملاقات با اعضای پارلمان در این مکان حضور می‌یافتند و از آن زمان به بعد به این افراد لایب‌گر می‌گفتند. واژه لایب را می‌توان برای گروه وسیعی از اقدامات استفاده کرد و به طور کلی به معنای حمایت، تبلیغ یا پیشبرد یک هدف است. در این وضع، هر کنشی را که درصدد تأثیرگذاری بر یک موضوع یا وضع سیاسی باشد، می‌توان لایب‌گری نامید. برخی از مهم‌ترین گروه‌های لایب‌کننده در نظام سیاسی آمریکا، به ویژه در حوزه سیاست خارجی این کشور عبارتند از:

۱- لایبی کوبایی‌ها؛ مهاجرت کوبایی‌ها به ایالات متحده در نیمه دوم قرن بیستم موجب شکل‌گیری یک لایب قدرتمند شد که تأثیر فراوانی بر جهت‌گیری‌های سیاست خارجی آمریکا در قبال کوبا داشته است.

۲- لایب هندی‌ها؛ کمیته اقدام هندی – آمریکایی مهم‌ترین گروه لایب طرفدار هند است که پس از حوادث ۱۱سپتامبر و در سال ۲۰۰۲ تشکیل شد.

۳- لایب ارمنی‌ها؛ این لایب از گروه‌ها و افرادی تشکیل شده است که در حمایت از سیاست‌های دولت ارمنستان لایب می‌کنند.

۴- لایب اعراب در ایالات متحده؛ لایب اعراب در آمریکا با حمایت مالی مستقیم از سوی دولت‌های عربی به‌منظور تحقق منافع ملی این کشورها فعالیت می‌کنند.

۵ – لایب‌های طرفدار رژیم صهیونیستی؛ شروع فعالیت‌های لایب‌های طرفدار رژیم صهیونیستی را می‌توان دهه ۱۹۵۰ و با تشکیل کمیته امور عمومی صهیونیستی – آمریکایی (آیپک) به دست ال‌سی‌کنن ذکر کرد. آیپک در ابتدای شروع فعالیت‌های خود، بیشتر بر کنگره تمرکز داشت؛ اما پس از به قدرت رسیدن جرج دبلیو‌بوش این لایب توانست بر سیاست‌های کاخ سفید تأثیر بیشتری داشته باشد. هم‌کانون این لایب صهیونیستی بیش از صدهزار عضو دارد و قدرتمندترین لایب در آمریکاست؛ به‌گونه‌ای که پاپولوت تعیین‌کننده رئیس‌جمهوری نامیده می‌شود.

تحلیلی بر نسل نوین جنگ نرم علیه انقلاب اسلامی – قسمت یازدهم

تمایز مفهومی جنگ نرم، نفوذ و براندازی

قابیل اجراست. نتیجه‌هر دو اقدام به تغییر سیستم و در نهایت براندازی منجر خواهد شد. (اداره سیاسی سپاه، ۱۳۸۱: ۴۵)

نوعی براندازی نرم تلقی شده است. از این نظر از حیث مصادیق بین براندازی نرم و جنگ نرم اشتراکاتی وجود دارد. براندازی نرم از حیث روشی نیز با جنگ نرم اشتراک دارد؛ زیرا جنگ نرم نیز برنامه‌ای حساب شده، مسالمت‌آمیز و درازمدت است و هر دو برای دستیابی به هدف از روش‌ها و ابزارهای مشابهی استفاده می‌کنند. از حیث عرصه اعمال نیز تفاوتی با هم ندارند و همه عرصه‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و اطلاعاتی را در بر می‌گیرند. خاموش، براندازی در سکوت، براندازی خاموش، براندازی قانونی و غایت جنگ نرم است و جنگ نرم می‌تواند اوقات مصادیقی مانند انقلاب‌های رنگی

جنگ نرم	نفوذ	جنگ نرم	نسبت
نرم، نافیزیکی	سخت و نیمه‌سخت و نرم، فیزیکی و نافیزیکی	نرم، نافیزیکی	عموم و خصوص مطلق
تغییر رژیم	تغییر رفتار یا رژیم	تغییر رژیم	عموم و خصوص مطلق
تغییر و شکل‌دهی به باورها، ارزش‌ها، هنجارها و …	تغییر و شکل‌دهی به باورها، ارزش‌ها، هنجارها و …	تغییر و شکل‌دهی به باورها، ارزش‌ها، هنجارها و …	تساوی
سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و…	سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و…	سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و…	تساوی
بهرهمندی از اقعان و متقاعدسازی	بهرهمندی از اجبار و زور و اقناع و متقاعدسازی	بهرهمندی از اقناع و متقاعدسازی	عموم و خصوص مطلق
نفوذ برای جنگ نرم به مثابه هم روش و هم نتیجه است	جنگ نرم برای نفوذ به مثابه روش است	نفوذ برای جنگ نرم به مثابه هم روش و هم نتیجه است	عموم و خصوص مطلق
در شرایط صلح	در شرایط جنگ و صلح	در شرایط صلح	عموم و خصوص مطلق
همه طیف‌های افراد و اقشار، گروه‌ها، شخصیت‌های خودی و غیر خودی و بی‌طرف و داخلی و خارجی	تصمیم‌گیران، تصمیم‌سازان، نخبگان و مردم	همه طیف‌های افراد و اقشار، گروه‌ها، شخصیت‌های خودی و غیر خودی و بی‌طرف و داخلی و خارجی	عموم و خصوص مطلق
تردیدسازی، منفعل‌سازی هواداران، اشتباه محاسباتی طیف‌های حامی، بی‌طرف و مخالف، مشروعیت‌زدایی، تعارض‌سازی، تحریک‌سازی و فلج‌سازی، نافرمانی، اردوکشی خیابانی و…	تعریف‌سازی، منفعل‌سازی هواداران، اشتباه محاسباتی طیف‌های حامی، بی‌طرف و مخالف، تعارض‌سازی، تحریک‌سازی و فعال‌سازی	تردیدسازی، منفعل‌سازی هواداران، اشتباه محاسباتی طیف‌های حامی، بی‌طرف و مخالف، مشروعیت‌زدایی، تعارض‌سازی، تحریک‌سازی و فلج‌سازی، نافرمانی، اردوکشی خیابانی و…	عموم و خصوص مطلق
کروی و افقی و دو سویه	عمودی، یک سویه و از بالا به پایین	کروی و افقی و دو سویه	تباين
دولتی، غیردولتی	دولتی	دولتی، غیردولتی	عموم و خصوص مطلق

براندازی نرم	براندازی نرم	ماهیت	نسبت
نرم‌افزاری و هدفی	نرم‌افزاری و هدفی	ماهیت	عموم و خصوص مطلق
تغییر ساختار	تغییر ساختار	غایت	عموم و خصوص مطلق
تغییر نظام باورها، گرایش‌ها، اخلاقیات و عواطف	تغییر نظام باورها، گرایش‌ها، اخلاقیات و عواطف	هدف	تساوی
همه طیف‌های افراد و اقشار، گروه‌ها، شخصیت‌های خودی و غیر خودی و بی‌طرف داخلی	همه طیف‌های افراد و اقشار، گروه‌ها، شخصیت‌های خودی و غیر خودی و بی‌طرف داخلی	آماج	عموم و خصوص مطلق
بی‌خشونت	بی‌خشونت	روش	عموم و خصوص مطلق
ابزارهای نوشتاری، دیداری، شنیداری، نهادی و فنآوری‌های ارتباطاتی نوین	ابزارهای نوشتاری، دیداری، شنیداری، نهادی و فنآوری‌های ارتباطاتی نوین	ابزار	عموم و خصوص مطلق
عمودی، یک سویه و از بالا به پایین	عمودی، یک سویه و از بالا به پایین	ساختار نقش	تباين
عموم و خصوص مطلق	عموم و خصوص مطلق	نقش	عموم و خصوص مطلق

آینه خواص

صمصعهبن‌صوحان–۴

جهاد با زبان و شمشیر

در ماجرای صفین، پیش از شروع جنگ، سپاه معاویه که زودتر به منطقه درگیری رسیده بودند بر آب مسلط شدند و اجازه ندادند که یاران حضرت علی(ع) از آب بییاشمانند. ابوعر سواران و پیادگان را بر سر آب به صف کرد و تیراندازان را همراه با نیزه‌داران و سپرداران که همگی دستار سپید بر سر بسته بودند، پیشاپیش آنان گماشت.بی‌درنگ، گزارش ماجرا را به حضرت علی(ع) دادند. ایشان صمصعه را فراخواندند تا سراغ معاویه رفته و این پیام را به او ابلاغ کند: «ما مسیر خود را طی می‌کنیم و دوست نداریم پیش از آنکه حجت را تمام کنیم، آغازگر جنگ باشیم؛ پس، از اطراف آب کنار روید تا ببینیم سرنوشت ما و شما به کجا می‌انجامد، در غیر این صورت، جناح پیروز، آشنامند آب خواهد بود.» صمصعه این پیام را به معاویه رساند. بحث سختی میان معاویه و طرفدارانش از یکسو و صمصعه از سوی دیگر، در گرفت.امیرمؤمنان(ع) با توجه به بیان قوی و اعتمادی که به صمصعه داشت، در جنگ نهروان نیز وی را برای گفت‌وگو با خوارج فرستادند.بخشی از گزارش‌هایی که درباره صمصعه نقل شده مربوط به آخرین روزهای حیات و حکومت حضرت علی(ع) است و برخی چندان معلوم نیست که در چه مقطعی رخ داده است.از جمله مطالب مشهور درباره صمصعه، ماجرای بیماری اوست. اصبح‌بن‌نباهه می‌گوید: «صمصعه مریض شد. به همراهی حضرت علی(ع) برای عبادت وی به منزلش رفتیم. او که در بستر بیماری افتاده بود، با دیدن حضرت، بسیار خوشحال شد. حضرت علی(ع) به او محبت فراوان کرده، اما هنگام خداحافظی، فرمود: ای صمصعه، این دیدار تکلیف من بود؛ مبادا آن را موجب فخر و مباهات بر دیگران قرار دهی. صمصعه پاسخ داد: نه یا امیرالمؤمنین(ع)، آن را اجر و ذخیره آخرت می‌دانم. حضرت علی(ع) فرمود: به خدا قسم من تو را کم‌هزینه(برای نظام اسلام) اما پرتلاش می‌بینم.»صمصعه پاسخ داد: به خدا قسم! شما در نظر من بسیار آگاه به خاوند هستی و او در نظر شما بزرگ است. شما نیز نزد پروردگارت جایگاهی بلند داری و اهل حکمت و نسبت به مؤمنان مهربان و رحیم هستی.امام رضاع(ع) نیز در ملاقاتی که با احدین بن‌محمدبن‌ابی‌نصر بنظری داشتند، از صمصعه تجلیل کرده و به همین مناسبت اشاره فرمودند: پس از اختلاف مردم عراق درباره ترک جنگ پس از صفین، در محضر امیرالمؤمنین(ع) سخنانی گفته شد و هر یک از یاران مطالبی را بیان کردند. در میانه این صحبت‌ها، صمصعه برخاست و گفت:ای امیرمؤمنان، ما زمانی که مردم به سوی طلحه و زبیر می‌رفتند به سوی تو پیش افتادیم. شخص خردمندی ما را به پاری کارگزار تو، عثمان‌بن‌حنیف، فراخواند. ما نیز او را اجابت کردیم. او با دشمن تو جنگید تا اینکه با مردمی از بنی‌عبد قیس بر خورد کردیم. آنان خاوند را عبادت کرده بودند. زانوان آنان همچون زانوان شتر و پیشانی آنان همچون چرم سخت بود. سختی ما را در صفین دیدی،نامه‌ای را که حضرت علی(ع) برای مردم مصر درباره امارت مالک اشتر نوشتند، صمصعه نقل کرده است.



یادداشت

سپاه و عمل قرآنی

علیرضا جلالیان

رضان‌المبارک در ۱۳۹۵ ه‍.ق آغاز شد که پیش از آن رهبر معظم انقلاب در دیدار سالیانه با دانشجویان جوان پاسدار یک کنگشایی قرآنی درباره موضوع جهاد در صحنه رویارویی با استکبار کردند؛ رویارویی‌ای که در آن سه گونه جنگ سخت، نیمه‌سخت و نرم در راستای مقابله و عدم تبعیت از دشمنان رزم می‌خورد. از سویی امسال بر اساس برنامه‌ریزی‌های کلان در حوزه عقیدتی در سپاه موضوع آیات جهاد و پاسداری در سپاه در اولویت‌های آموزشی و اعتلای معنوی پاسداران قرار گرفته است. این دو نمونه از اخباری است که می‌تواند انسان را مسرور کند؛ سروری که ناشی از توجه خاص به ثقل اکبر است؛ نقلی از نقلین. در واقع، آنچه به معنای واقعی و کامل می‌تواند یک فرد را پاسدار اسلام و انقلاب اسلامی (به عنوان نمود عینی اسلام در زمان حاضر) کند، شناخت برنامه‌های اسلام، قرآن و وظایف پاسداری مصرح در قانون اساسی و توجه به آن است. این شناخت لازمه پاسداری از آن است و البته در این میان باید مفهوم پاسداری را هم از همین برنامه گرفت. اما همه ماجرا این نیست. اگرچه شاید سپاه در این حوزه پیش‌فراول است. ما امروز نمی‌توانیم بگوییم سپاه یک نهاد کاملاً قرآنی و برآمده از دستوره‌های قرآن است و بر آن مبنا عمل می‌کند. سپاه می‌تواند در این زمینه در کشور الگو شود، اما باید الزامات آن را فراهم کند.

برای نمونه لازمه جهاد کبیر شناخت دقیق قرآن برای مقابله با دشمن و عدم تبعیت از آنها است. مثال این امر حذف عملیات ربوی از اقتصاد کشور است که در قالب بانکداری غربی و اقتصاد تئولیبیرالیستی از سوی دولت‌های مختلف اجرا شده و عملاً بر اساس خطاب مستقیم قرآن این عمل جنگ با خدا و رسول او است که سپاه در این میان با توجه به حجم بالای نیروهای پایور، وظیفه و بسیجی می‌تواند به جای تبعیت از قوانین ربوی در حوزه اقتصاد، پیشفراول تغییرات اساسی در ساختار اقتصادی و مالی کشور و مقابله با جنگ با خدا باشد. سپاه باید نسخه‌های غربی را به سسل اشغال‌های تاریخ ببنداز. این وجه اول از نکاتی است که قرآن در جمله کوتاه «لا اله الا الله» بیان کرده است، ابتدا باید هر آنچه وجود دارد را نفی کرد و سپس آنچه درست است را تبیین کرد. در حوزه علوم انسانی که کمینگاه مهم دشمن در جهاد کبیر است سپاه می‌تواند پرچمدار تولید علم بومی در این حوزه شود و از توان بسیج استادان، بسیج دانشجویی و دانشگاه‌های خود برای این منظور بهره ببرد و صدها مورد دیگری وجود دارد که اگر چه بسیاری از جوانان مؤمن انقلابی درگیر تحقق آن هستند، اما سپاه باید وارد عرصه شده و در این جهاد همراه مجاهدان باشد. در واقع، عمل قرآنی سپاه می‌تواند الگوی عمل قرآنی در جمهوری اسلامی و در جهان اسلام شود که البته الزام آن شناخت قرآن، شناخت اهل‌بیت(ع)، شناخت درست مصادیق و توکل به خداوند در هنگام عمل است.

یکی از بشارت‌های عظیمی که خدای متعال در قرآن مجید، کتاب نورانی خود به نبی مکرم(ص) و همچنین به برکت آن وجود مقدس به امت حضرت عطا کرده، بشارت به شب قدر است: «أَنَا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَ مَا أَذْرُكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ». برای امت نبی اکرم(ص) بشارت بزرگی در این سوره مبارک است که به شفاعت حضرت، راه‌شان به اندازه‌ای کوتاه شده که می‌توانند راه طولانی امم گذشته را در یک شب طی کنند. از ظاهر روایات چنین برمی‌آید که شب قدر در امم گذشته وجود نداشته و آن را از برکات وجود مقدس نبی‌خاتم(ص) می‌دانند که به شفاعت ایشان و با آمدن ایشان راه امت کوتاه شده است. در روایت می‌خوانیم که کوتاهی عمر امت حضرت هم به همین دلیل است؛ چون بودن و زندگی در این دنیا هیچ موضوعیتی ندارد، دنیا مبعبر انسان‌هاست. «وَأَلَمْ نَعْمَرْكُمْ مَا يُتَذَكَّرُ فِيهِ مِنْ تَذَكُّرٍ»؛ به اندازه‌ای که برای رشد انسان لازم است، به او عمر می‌دهند. اگر عمر امت نبی اکرم به درازای عمر امم سابقه نیست، نکته‌اش همین است.

در روایتی نورانی، مرحوم فیض در کتاب شریف صافی ذیل سوره قدر نقل می‌کنند: در محضر وجود مقدس رسول‌الله(ص) درباره امم گذشته صحبت می‌شد، از فردی از بنی‌اسرائیل نام برده شد که بیش از هزار ماه در راه خدا ققط شمشیر به دوش کشید و در جبهه جنگ مبارزه کرد. ابتدا نبی‌اکرم(ص) بسیار شگفت‌زده شدند و بعد به خدای متعال عرضه داشتند: خدایا! در قبال این عمر طولانی که به امم گذشته عطا کردی، به امت من چه عطا کرده‌ای؟ آن گاه خدای متعال سوره قدر را بر وجود مقدس رسول اکرم(ص) نازل کرد؛ یعنی ما به برکت شما به امت شما شب قدر دادیم و نیازی به آن درنگ و توقف طولانی در عالم دنیا نیست، راه آنها را کوتاه کردیم، آنها با تو زودتر به مقصد می‌رسند.

نکته دیگری که باید درباره شب قدر گفت این است که شب قدر، عطای مخصوصی به خود نبی‌اکرم(ص)، برای به انجام رسیدن رسالت‌شان است، برای اینکه حضرت در آن هدف‌شان به نتیجه برسند؛ آن هدفی که خلاصه می‌شود در اینکه همه عالم را می‌خواهند به سمت خدا ببرند، می‌خواهند همه امت را شفاعت کنند. آنچه به حضرت عطا شده، برای اتمام مسئولیتی است که به دوش ایشان است.

رسالت حضرت در شب قدر، دستگیری از همه است. هر کسی به خدا می‌رسد، به واسطه نبوت مطلقه نبی‌اکرم(ص) است. حتی نبوت انبیای گذشته از فروع نبوت نبی‌اکرم(ص) و شعبه‌ای از شعب این نورانیتی است که به حضرت عطا شده است. پس

همه هدایت‌ها به حضرت بازمی‌گردد. آنچه به حضرت برای به مقصد رسیدن این رسالت و رفع موانع عطا شده، شب قدر است.

شب قدر، جبران اضلال بنی‌امیه

در صافی شریف روایتی چنین نقل شده است: رسول‌الله(ص) در خواب دیدند که بنی‌امیه از منبر حضرت بالا رفتند و مردم را رو به عقب برگرداندند؛ یعنی آنجایی که جای رسالت بود و دعوت به خدا بود. حضرت از آن موقعیت و منزلت، بشریت را به سمت خدا هدایت کردند و بنی‌امیه از همان منصب دارند استفاده می‌کنند و دوباره جان‌ها را متوجه دنیا می‌کنند و جاهلیت را به



شکل جدیدی باز می‌گردانند. وقتی حضرت از خواب برخاستند، محزون شدند. چون خواب حضرت به منزله وحی است، مطمئن بودند که این واقعه رخ می‌دهد. جبرئیل به حضرت عرض کرد: یا رسول‌الله! چرا نگرانید؟ فرمودند: چنین خوابی را دیدم. عرضه داشت: من از ماجرا بی‌خبرم. باید بروم و از خدای متعال خبر بیاورم. رفت و برگشت و آنچه برای حضرت آورد، سوره قدر و برخی آیات دیگر قرآن بود.

پس یکی از شأن‌نزول‌هایی که برای این سوره نقل شده، همین است که خدای متعال به پیامبر(ص) می‌فرماید: ما دولتی طولانی و هزارماهه به بنی‌امیه دادیم و به آنها اجازه دادیم که بیایند و بر منصب تو بنشینند و از منصب خلافت استفاده کنند. این اجازه، اذن تکوینی است، اذن شرعی نیست؛ یعنی آنها از نظر شرع مجاز به چنین کاری نبودند. ولی سرانجام اگر خدای متعال اجازه ندهد، هیچ حادثه‌ای در عالم اتفاق نمی‌افتد.

گفتاری از حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمهدی میرباقری

فاطمه(س) حقیقت شب قدر و طریق هدایت

حضرت حق آنها را امداد می‌کند به میزانی که با مشیبت بالغه و حکمت کلی خلقت همراه است؛ «كَلَّا نُمَدِّهُ هُوْلَاءَ وَ هُوْلَاءَ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَ مَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَخْطُورًا»؛ یعنی به حضرت بشارت دادند که ما به دشمنان شما اجازه دادیم؛ ولی نگران نباش، آنچه به تو عطا کردیم، بهتر از همه آنهاست و همه آنها با این عطیه جبران می‌شود. کار تو این است که مردم را به سوی خدا دعوت کنی و آنها شأن‌شان این است که مردم را به سمت دنیا برگردانند. به آنها مهلت می‌دهیم؛ ولی به تو چیزی عطا کردیم که با دادن این سرمایه همه آن دولت‌های ناپایدار، همه آن قدرت‌ها و مهلت‌ها و فرصت‌ها، تدارک و جبران می‌شود و آن شب قدر است. به تو شب قدر عطا کردیم که «خیر من الف شهر». از دولت هزار ماهه بنی‌امیه و بنی تیم و عدی که همه فتنه‌ها زیر سرر آنها بود، طولانی‌تر است. این شب قدر سرمایه حضرت است برای هدایت و شفاعت بشریت، نورانی کردن عالم و هدایت امم، سرمایه امت حضرت است تا راه‌شان را به سوی خدا نزدیک کند.

فاطمه(س)، حقیقت شب قدر

ظاهر شب قدر روشن است. امام صادق(ع) فرمودند: «اللَّيْلَةُ فَاطِمَةُ وَ الْقَدْرُ اللَّهُ فَمَنْ عَرَفَ فَاطِمَةَ حَقَّ مَعْرِفَتِهَا فَقَدْ أَدْرَكَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ»، اگر کسی بتواند به حقیقت معرفت فاطمه زهر(اس) راه پیدا کند، به شب قدر راه پیدا کرده است.

حقیقت راهیابی به شب قدر، راه یافتن به مقام ولایت خدای متعال و معرفت به مقام نورانیت اولیای الهی است. این معرفت، عین معرفت خدای متعال است. اگر کسی بتواند به آستانه رفیع فاطمه زهر(اس) راه یابد و نورانیت حضرت در دل او تجلی کند، برابر با شب قدر است؛ یعنی همه آن راه‌های طولانی با این معرفت، طی می‌شود.

در روایات می‌فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ذِكْرُهُ مَا خَلَقَ الْعِبَادَ إِلَّا لِتَعْرِفُوهُ»، هدف، معرفت‌الله است و معرفت‌الله هم این معرفت بر طریق حجت و استدلال نیست. آن چیزی است که برای فرارغنه تاریخ هم تمام می‌شود. حجت بر دشمنان هم تمام می‌شود؛ اینها که عارف بالله نیستند. معرفت آن معرفت حقیقی است. در روایت چنین آمده که این معرفت‌الله به معرفت الامام(ع) یا در روایتی معرفت امیرالمؤمنین(ع) است. آن معرفتی که باید به آن راه یافت و همه این عمر برای رسیدن به همین است واقع نمی‌شود، مگر از طریق معرفت انوار ائمه هدی. وجود

رئیس سازمان بسیج مهندسین کشاورزی سپاه استان تهران در گفت‌وگو با صبح صادق تشریح کرد

طرح ملی بسیج همگام با کشاورز

حسن فلاح

تهران در تشریح طرح ملی بسیج همگام با کشاورز، وظیفه سپاه را تجهیز این شبکه به سیستم سخت‌افزاری و نصب برنامه نرم‌افزاری شباب دانست و گفت: در جریان اجرای این طرح، فرمانده پایگاه بسیج روستایی مسئول شبکه بسیج همگام با کشاورز می‌شود و موظف است ۵ تا ۱۰ کشاورز را در این شبکه نام‌نویسی کند که ترجیحاً با تولیدشان بالا باشد یا نوع محصول‌شان از نظر کیفی خاص باشد و یا در کار خود نمونه و خیره باشند. در این شبکه یک کارشناس کشاورزی با مدرک لیسانس یا بالاتر به عنوان مربی این شبکه معرفی می‌شود؛ گفتنی است، این افراد در قالب شناسنامه‌ای که برای آنها تنظیم

شده، ساماندهی می‌شوند.

وی درباره فعالیت این شبکه، خاطرنشان کرد: این شبکه هر دو هفته یک بار تشکیل جلسه می‌دهد و اعضای آن درباره محدودیت‌ها و چالش‌هایی که در روستا وجود دارد، به بحث و گفت‌وگو می‌پردازند. برای نمونه، مربی مربوطه سعی می‌کند مشکل مربوط به کود، بذر، سم یا مشکل آبیاری و مدیریت مزرعه



حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمهدی میرباقری

موقعیت جغرافیایی شهرستان و پایگاه روستایی جمع‌آوری کردند؛ یعنی در زمینه کشاورزی سطح زیر کشت محصولات زراعی، باغی، گلخانه‌ای و منابع طبیعی تعیین شدند. در قدم بعدی برای کشاورزان خبره و نمونه شهرستان یک بانک اطلاعاتی تشکیل شد و افزون بر این میدان‌های اقتصاد مقاومتی شهرستان نیز برای توسعه شناسایی شدند

مسئول سازمان بسیج مهندسین کشاورزی سپاه استان

هفته نامه سیاسی،فرهنگی و اجتماعی
دوشنبه ۷ تیر ۱۳۹۵/ ۲۱ رمضان ۱۴۳۷/شماره۵۵۵

صدیق‌ه طاهره(س) به‌گونه‌ای این نور را در عالم تجلی داده که راه معرفت خدای متعال و معرفت این انوار الهی را آسان کرده است. عبادت ایشان، راه ایشان و مقاومتی که در مقابل دستگاه باطل کردند، راه رسیدن به مقام نورانیت و معرفت را بر همه امت کوتاه کرده است.

اگر رسالت حضرت، هدایت همه امت به سمت خدای متعال بود، آن کسی که همه موانع و تاریکی‌ها و ظلمت‌ها را جبران کرد، فاطمه زهر(اس) است؛ کسی که در مقابل دشمنان حضرت ایستاد.

فاطمه(س)، روشن‌ترین حجت ولایت

خدای متعال در مقابل هر پیامبری دشمنی قرار داده که قاعدتاً این دشمن یک هم‌اورد هم هست. شیاطین انسی و جنی که در مقابل وجود مقدس نبی اکرم شیطنت می‌کنند، رئیس همه شیاطین و سرآمد و محور همه هستند. در مقابل این دولت طولانی و در مقابل این ظلمتی که آنها در تاریخ ایجاد کردند، خدای متعال نور وجود مقدس فاطمه زهر(اس) را به پیامبر(ص) داده است. ایشا، حقیقت آن لیلۃ‌القدری است که خدای متعال به وجود مقدس رسول‌الله(ص) عطا کرده که راه ایشان را در دعوت به سوی خدای متعال کوتاه کند. کسی که مأموریت دارد پس از رحلت رسول‌الله(ص) بایستد و آشکارا مبارزه کند، امیرالمؤمنین(ع) است. ایشان مأمور به صبرند، شیعیان اندکی هم که گرد حضرت باقی ماندند، مأمور به صبرند؛ چون رفتن آنها سودی ندارد. در این شرایط، کسی که مسیر تاریخ را روشن و حجت را بر همه تمام می‌کند، فاطمه زهر(اس) است، آن هم با آن مقاومت سنگین و عجیبی که ایشان در این مدت بسیار کوتاه داشتند؛ ایشان راه را بر یک جبهه تاریخی سد کردند.

نور عبادت فاطمه زهر(اس)، نور بندگی ایشان بر ظلمت شیطنت و استکبار دستگاه ابلیس غلبه کرد و عالم را نورانی نمود و هیچ انسان مؤمن و موحدی نیست، جز اینکه در پرتو این نور راه، به سوی نبی اکرم(ص) می‌برد. اگر این نور نبود، راه همه عوالم به سوی نبی‌خاتم و امیرالمؤمنین(ع) بسته می‌شد. حقیقت و باطن دین، ولایت ولی‌الله است، حقیقت دین تجلی ولایت خداست؛ باطن دین، تولی و تبری است؛ حقیقت توحید، از طریق تولی و تبری حاصل می‌شود. حضرت فاطمه زهر(اس) حلقه اتصال همه عوالم به ولایت کلیه و نبوت مطلقه رسول‌الله(ص) هستند و شاید معنای شب قدر بودن فاطمه زهر(اس) برای وجود مقدس حضرت این باشد که ایشان طریق هدایت به رسول‌الله(ص) هستند.

را حل کند یا با کمک کشاورزان در قالب خردجمعی آن مشکلات را مرتفع می‌کنند و اگر به نتیجه نرسید، از طریق دستگاه رایانه به شهرستان و شبکه مرکزی استان انعکاس داده می‌شود و در نهایت سبیر این مکاتبات به وزارت کشاورزی می‌رسد.

خاکی در پاسخ به این پرسش که این طرح چه برکات و تأثیری داشته است، افزود: یکی از برکات این طرح که به وضوح قابل مشاهده است، انتقال تجربیات و طرح نظرات کشاورزان در جلسات تخصصی کارشناسی است. پیش از این تنها تلاشگران، کارشناسان و مربیان مطالبی را بیان می‌کردند. از طرفی کشاورزان در این طرح به عینه نظاره‌گر رفع مشکلات هستند و یک کشاورز می‌تواند حرف‌های دل خود را تا سطح نگر اول سازمان بسیج برساند.

وی در پایان گفت: تجربیات کشاورز نمونه که چندین برابر یک کشاورز عادی تولید دارد، در جریان اجرای این طرح به صورت رایگان در اختیار دیگر کشاورزان قرار می‌گیرد. بزرگ‌ترین حسن این کار که در پیشوا انجام شده، راه‌اندازی ۳۰ شبکه است و به کارگیری بسیاری از متخصصان و کارشناسان در کسوت مربی است که در حال القای مفاهیم مربوط به اقتصاد مقاومتی و تولید ملی هستند. گفتنی است، طرح ملی بسیج همگام با کشاورز از اواخر سال ۹۳ مطرح و در اوایل سال ۹۴ به طور جدی در شهرستان پیشوا پیگیری شد.

قبیله آفتاب

آموخته‌هایم چنین اجازه‌ای به من نمی‌دهد

روز اعزاز نزدیک بود و هر لحظه نشاط و نورانیت، سیمای آرام محمدمهدی را دلنشین‌تر می‌کرد. او علت رفتش را به مادر ولایتمدار این گونه گفته بود: «همی‌توأم در کنار همسر و فرزندانم باشیم، در حالی که در مقابل چشم کودکان سوریه و عراق، والدین‌شان سربریده می‌شوند؛ آموخته‌های من از اسلام و تحصیل دروس حوزوی چنین اجازه‌ای به من نمی‌دهد.»

به نقل از خانواده حجت‌الاسلام شهید محمدمهدی مالمیری

محمدمهدی دوشنبه ۲۶ خرداد ماه ۱۳۴۴هجری شمسی، مصادف با بیست‌وششم ماه مبارک کرمضان چشم به جهان گشود. پدر و مادرش هر دو اهل استان مازندران هستند. پس از گذراندن دوره‌های ابتدایی و راهنمایی بارته‌های عالی، در ابتدای نوجوانی در مدرسه علمیه فاطمی شروع به فراگیری دروس حوزوی خود کرد.سختکوشی و تهذیب سبب شد پس از سپری کردن مقامات و سطوح عالی حوزه طی هشت سال در جایگاه طلبه‌ای ممتاز در محضر حضرات آیات عابدی، املی‌لاریجانی، شبزندهدار، مدرس‌یزدی، سیفی‌مازندرانی و... بهره کافی ببرد تا جایی که پیش از سی‌سالگی در حوزه‌های علمیه کاشان، جامعه‌المصطفی‌العالمیه(ص) و مؤسسه حضرت جوادالائمه(ع) به تدریس دروس سطح (رجال، فرائیه، رسائل و کتایه) پرداخت.وی هرچند بخش زیادی از زندگی خود را صرف مطالعه و غور در مباحث علمی کرد، اما فعالیت‌های تبلیغی را تا هنگام شهادت به منزله تکلیف و وظیفه شرعی انجام داد.از نوجوانی تحولات کشورهای اسلامی برایش اهمیت فراوانی داشت. جناب‌ات فقیع گروه‌های افراطی و تکفیری و حرمت‌شکنی‌های بی‌شرمانه آنها آرام و قرار را از او ربوده بود. از همین رو سفرهای تبلیغی آخرش را به مناطق مرزی و سنی‌نشین رفت تا با نشر افکار التقاطی وهابیت و داعش مبارزه کند. وی دوره‌های فشرده آموزش نظامی را بدون اطلاع خانواده گذراند و با وجود شرایط مساعد کاری، تدریس و تحقیق را رها کرد تا به قول خودش به (حاصل آموخته‌هایش) برسد. راهی جبهه‌های نبرد علیه گروه‌های تکفیری آمریکایی شد و سرانجام در شامگاه دوشنبه ۳۱ فروردین ۱۳۹۴، مصادف با اول ماه رجب میلاد امام محمد باقر(ع) همراه با دیگر مجاهدان تیپ فاطمین در منطقه بصری الحریر استان درعی سوریه به آرزوی دیرینه‌اش رسید و جامه فاخر شهادت را بر تن کرد.

گزارشی از نمایش «فصل وصل»

سفر به اعماق تاریخ

حسین کارگر

نمایش «فصل وصل»، به کارگردانی سعید اسماعیلی و با روایت رسالت بوذری، همزمان با شب‌های ماه مبارک رمضان در باغ موزه دفاع مقدس اجرا می‌شود.این نمایش در ادامه آثاری، چون «شب آفتابی»، «شبی در کپکشان‌ها»، «فصل شیدایی» و… سبک و سیاقی متفاوت با سایر نمایش‌ها دارد.این نمایش‌ها به جای تالارهای محدود و محصور، در فضایی باز و گسترده و همراه با جلوه‌های ویژه و حتی انفجار و…اجرا می‌شوند. «فصل وصل» هم در ادامه این گونه آثار، تاریخ را روایت می‌کند.این نمایش از چهار فصل تشکیل شده و از دوران صدر اسلام آغاز می‌شود؛ در این بخش جاهلیت پیش از اسلام و زنده به گور کردن دختران با جاهلیت مدرن و کودک‌کشی آل سعود در بحرین پیوند می‌خورد و سپس به داستان بعثت پیامبر، مباحله و سرانجام غدیر خم ختم می‌شود. در ادامه این نمایش با ورود به دوران معاصر، مبارزات شهید جهان‌آرا در دوران پیش از انقلاب تا به پیروزی رسیدن نهضت به تصویر کشیده می‌شود و یادی از ماجرای حمله به خرمشهر و مقاومت مردم غیور این منطقه خواهد شد. سپس نمایش به عملیات بیت‌المقدس و آزادسازی خرمشهر می‌پردازد.فصل سوم به مقاومت مدافعان حرم در مقابل حملات داعش در حرم حضرت رقیه(س) اختصاص دارد که در این بخش روضه حضرت زینب نیز اجرا می‌شود.فصل پایانی «فصل وصل» مربوط به دوران آخرالزمان است و به مباحثی، چون گسترش شبکه‌های ماهواره‌ای، هجمه به اسلام و اسلام‌هراسی پرداخته می‌شود تا کار با رسیدن به فصل ظهور حضرت به پایان می‌رسد. سرلشکر سیدجی‌جی رحیم‌صفوی، دستیار و مشاور عالی رهبر معظم انقلاب در امور مربوط به نبروهای مسلح، یکی از تماشاگران ویژه نمایش «فصل وصل» بود. وی پس از تماشای نمایش «فصل وصل» در سخنانی گفت: «این نمایش را به دلیل اینکه چکیده‌ای از فیلم، تئاتر، صدا و نورپردازی است، می‌پسندم و چنین کارهای اثر ترکیبی را دوست دارم.» وی افزود: البته چند توصیه دارم که فکر می‌کنم این نمایش با عمل کردن به آنها می‌تواند موفق‌تر باشد. به اعتقاد من مطالبی که در چنین آثاری گفته می‌شود، باید حتماً مستند، دقیق و قابل فهم باشد. از آنجایی که تمام اقشار با سطح فرهنگ مختلف و رده‌های سنی گوناگون برای تماشای نمایش می‌آیند، امیدوارم سعی شود مضمون نمایش، هم برای بچه‌ها قابل فهم باشد، هم برای مسن‌ها و هم برای تحصیلکرده‌ها و…؛ این موضوع دشواری نمایش «فصل وصل» را بالا برده است.یکی از زیباترین و تأثیرگذارترین بخش‌های نمایش «فصل وصل» بخش شهدای مدافع حرم است. رسالت بوذری، مجری تلویزیون و راوی این نمایش با اشاره به بخش مدافعان حرم در این نمایش گفت: من به سوره‌یه رفته‌ام و از نزدیک با فضا و اتمسفر آنجا آشنا شده‌ام. حضور سبب تغییر نگاه می‌شود. وقتی شبکه بی‌بی‌سی در لب مرز با یک پناه‌جو گفت‌وگویی ترتیب می‌دهد تا او بگوید در ازای دریافت مبلغی در مقابل داعش می‌جنگد، انصاف نیست و مشخص است واقعیت‌های پشت پرده تغییر پیدا کرده‌اند. ما در حوزه شهدای مظلوم مدافع حرم کم‌کاری می‌کنیم. جوانان بسیاری هستند که این روزها مشغول جنگند و بعدها صرفاً عکس‌های‌شان زینب‌بخش خیابان‌های شهر می‌شود. از همین رو از گذشته در نظر داشتیم که کاری برای مدافعان حرم انجام دهیم و تلاش‌مان این بود که ماجرای مدافعان را گسترده‌تر به منصفه ظهور برسانیم.

کتیبه سبز

این آخرین هشدار است…

(به بهانه سلب تابعیت عالم مجاهد و نستوه شیعی از شیخ‌عیسی قاسم)

شیخ‌عیسی، عالمی برجسته از ابرار است گر نباشد، آن جزیره، خوار و بی‌مقدار است حاکم خودباخته، گرچه خلیفه نام توست می‌شود معلوم، جسم و جان تو بیمار است خویش را، گم کرده‌ای، با وعده‌های این و آن سرنوشت تو، به دست حضرت دادار است نوکری بر نوکران کردن، ندارد افتخار تکیه بر آل سعودی که، خودش مردار است گر نه در بحرین، غرقت می‌کند، اعمال تو آدمی مثل تو، بر بحرینیان سربار است تابعیت می‌ستانی، ای که از صاحب وطن تابعیت می‌دهی بر هر کسی، طرار است عمر تو پایان رسیده، بی‌گمان ای بی‌خبر ای که افسار تو، در دست یکی کفتار است هر که درافتاد با مردان حق، شد سرنگون آزمودیم ز «شاهنشاه»، این معیار است دست بردار، ز همراهی روه‌صفتان فطرت پاک، ز شیطان‌صفتان، بیزار است خویشتن دریاب، هشدار مرا، جدی بگیر خویش را اصلاح کن، این آخرین هشدار است

عبدالمجید فرائی

شهید حرم

خوش آمدی پیکر غرقه به خون

مدافع عمه رخ لاله‌گون

خوش آمدی پیرو خون خدا

حُبّ حسین بوده تو را رهنمون

ای که علمدار تو را مقتداست

غیرت تو از همه عالم فزون

مادر سادات دعایت نمود

تا که زدی ضربه کاری به دون

هجرت تو از وطن و خانهات

بهای آن شد که وطن شد مصون

ورنه که ما در «همدان» می‌شدیم

روبه‌رو با داعش و کفر از درون

بس که شجاعت ز شما دیده است

پشت هم آورده عدو صد قشون

«**ایستاده در غبار» اولین فیلم محمدحسین مهدویان،**

بی‌تردید مهم‌ترین اتفاق سینمایی ایران در سال‌های اخیر به‌شمار می‌آید: فیلمی که در قالبی متفاوت و جدید، زندگی یکی از قهرمانان تاریخ معاصر ایران یعنی سردار احمد متوسلیان، فرمانده جاویدالآثر سپاه محمد رسول‌الله(ص) را به تصویر کشیده‌است. مهدویان ۳۵ساله البته پیش از این سبک منحصربه‌فرد خود را در سریال «آخرین روزهای زمستان» هم تجربه کرده بود؛ اما فیلم «ایستاده در غبار» ساختار و روایت منسجم‌تری دارد. به بهانه اکران عمومی این فیلم، با محمدحسین مهدویان گفت‌وگویی صورت دادیم که از نظر تان خواهد گذشت.

» چطور شد که از میان همه قهرمانان و شهدای بزرگ دوران دفاع مقدس، زندگی احمد متوسلیان را برای ساخت فیلم انتخاب کردید؟

پس از پخش سریال «آخرین روزهای زمستان» سازمان اوج پیشنهاد داد که به همان سبک و سیاق درباره برخی از فرماندهان جنگ، فیلم بسازم. من هم پژوهش‌هایی درباره آن فرماندهان انجام دادم و به این نتیجه رسیدیم که زندگی و شخصیت حاج‌احمد متوسلیان، قابلیت و جذابیت بیشتری برای ساخت فیلم دارد.



» چه جذابیتی در شخصیت احمد متوسلیان دیدید؟
متوسلیان نسبت به آنچه در ذهن ما درباره فرماندهان جنگ شکل گرفته شخصیت متفاوتی داشت. او از ویژگی‌های شخصیتهی خاصی برخوردار بود. علاوه بر شخصیت جذاب و فوق‌العاده حاج‌احمد، زندگی او نیز بسیار دراماتیک بود. حاج‌احمد کمتر

گفت‌وگو با محمدحسین مهدویان کارگردان فیلم «ایستاده در غبار»

راه متوسلیان ادامه دارد

مهدی امیدی

از ۳۰ سال سن داشت؛ اما وقار و پختگی خاصی در نگاهش بود که شما او را به عنوان فرمانده می‌پذیرفتید. در ویژه سرنوشت عجیب و بی‌پایانش که خود این سرنوشت عجیب و مبهم نیز به لحاظ داستانی جذاب بود. این پایان برای من این معنا را داشت که مسیر حاج‌احمد همچنان پایدار است و این به نظرم ویژگی منحصربه‌فرد داستان احمد متوسلیان است و همین موضوع مرا مشتاق به ساخت فیلم کرد.

» لطفاً کمی درباره سبک و ساختار فیلم خود توضیح دهید. چطور به این سبک دست پیدا کردید؟

این شیوه بیشتر تحت تأثیر فیلم‌های مستند دهه‌های ۵۰ و ۶۰ و به ویژه فیلم‌های روایت فتح است. در واقع، ما تلاش کردیم که میزانسن‌های رایج در فیلم‌های مستند را وارد یک اثر داستانی و دراماتیک کنیم و فیلم‌هایی شبیه به مستند بسازیم. جزئیاتش نیز به تدریج و در طول کارها و با آزمون و خطاهای مختلف شکل گرفته است. البته، هنوز برای کامل شدن جای کار دارد تا به پختگی نهایی برسد. نتیجه فیلمی دو جنسیتی است؛ هم مستند است و هم داستانی!

» درباره واکنش خانواده احمد متوسلیان هم بگویید؛ گویا نظراتی درباره فیلم داشتند.

وقتی فیلم حاضر شد، بعد از اینکه خانواده دیدند، نظراتی داشتند و بخش‌هایی از فیلم ابهاماتی داشت که می‌خواستند برطرف شود. بعد از جشنواره فیلم فجر هم جلسات زیادی داشتیم و درباره برخی از صحنه‌های فیلم صحبت کردیم. از ابتدا متعهد بودیم که فیلم، به طور کامل مورد تأیید خانواده محترم متوسلیان باشد. به همین دلیل هم بخش‌هایی از فیلم را به خواست ایشان کوتاه کردیم که البته زیاد نیست و در حد دو سه دقیقه است و به روایت فیلم هم ضربه نمی‌زند.

» اتفاق مهمی که همزمان با اکران فیلم شما افتاده، انتشار خبرهایی درباره زنده بودن حاج‌احمد متوسلیان است، احساس و برداشت شما از این قضیه چیست؟

همزمان شدن این خبر با نمایش فیلم ما واقعا اتفاق عجیبی است. به ویژه اینکه قرار بود این فیلم در اردیبهشت اکران شود و بعد به تأخیر افتاد و به زمانی موکول شد که این خبر هم منتشر شد! ای کاش احمد متوسلیان برگردد و فیلم را ببیند.

» یکی از مسائل مهم درباره ایسن فیلم، انتخاب

بازیگرها بود. چیزی که به فیلم «ایستاده در غبار» جذابیت باورپذیری بخشیده، شباهت بسیار زیاد بازیگران به نقش‌های‌شان بود. چطور به این موفقیت رسیدید؟

ما برای شخصیت‌های فرعی از طریق فراخوان عمل کردیم تا به ظاهر شخصیت‌های مورد نظر برسیم. اما درباره شخصیت



حاج‌احمد نمی‌توانستیم ریسک کنیم و درباره شخصیت‌های اصلی دنبال بازیگران تئاتر بودیم و درباره این شخصیت با چند گزینه که تئاتری بودند صحبت کردیم و در همان جلسه اول پی بردیم که برای ایفای نقش مناسب نیستند. ما حدود یک ماه دنبال بازیگر این نقش بودیم و هر کدام از گزینه‌ها یک چیزی کم داشتند. اما نخستین‌بار بعد از تست گرمیم که هادی حجازی‌فر را دیدم، مطمئن شدم می‌تواند نقش حاج‌احمد را بازی کند. برای من مهم‌ترین مسئله این بود که بازیگر انتخابی شمایل حاج‌احمد را داشته باشد و جدا از استیل، از نفوذ چشمان حاج‌احمد برخوردار باشد. ببینید در آن دوران من تنها دنبال شباهت ظاهری نبودم و لازم بود وقتی کاراکتر راه می‌رود بتوان او را به عنوان فرمانده پذیرفت.

» درباره پروژه آینده خود بگویید، آیا در فیلم بعدی باز هم به زندگی فرماندهان دفاع مقدس خواهید پرداخت؟

راستش را بخواهید در حال بررسی چند طرح هستم که درمیان آنها موضوعات دفاع مقدسی هم هست. از جمله این طرح‌ها، زندگی شهید محمد بروجردی است که علاقه زیادی به ساخت فیلم او دارم. آیا اینکه آیا همین طرح، فیلم بعدی من خواهد بود یا نه هنوز قطعی نشده است و باید بیشتر بررسی کنم. اساساً علاقه اصلی من به حوزه تاریخ معاصر است و در این زمینه به کار خودم ادامه خواهیم داد.

دیگر دیدگاه‌ها

وجود متولی خاص، مدیریت ثابت و واحد پشتیبانی و داشتن برنامه مدون از سوی مردم و مسئولان را «محمدزارعی برآبادی» از خواف مطرح کرده «جعفر قدسی» از دلپجان معتقد است باید هم‌تراز جلسات مرثیه و جشن اهلبیت(ع) جلسات قرآن برگزار شود.

استفاده از فناوری‌های جدید آموزشی در جلسات قرآن را «آله نوعی» از تهران بیان کرده و «محمد فرخی» از پاکدشت برگزاری پرسش و پاسخ و تریبون آزاد مباحث قرآنی را پیشنهاد داده است. «محمد کریهزاده» از اصفهان نیز داشتن برنامه دوره‌ای روزانه و هفتگی قرآنی در مدارس و ادارات را مؤثر دانسته است.

اما «حسینعلی سخنگو» از کاشان عمل کردن به دستورهای قرآن را بهترین راه ترویج جلسات تلاوت قرآن دانسته و «مهدی اکبری» از اصفهان همراه شدن جلسه تلاوت با تفسیر مختصر و مفید را پیشنهاد داده است.

تشکیل جلسات قرآنی در منازل به‌ویژه منازل شهدای مدافع حرم در پیام «حجت‌الله نجفی‌بابادی» از کوهرنگ بیان شده است و «یوسف حسینعلی‌زاده» از تبریز هم بر محور بودن معانی آیات در جلسات تأکید کرده است.

«هادی رضائزاد» از «آذرشهر» اجرا و عملی کردن مفاهیم قرآن در جامعه اسلامی را در این امر مؤثر دانسته است. تداوم جلسات در طول سال را «علی مجیدی» از آذرشهر مطرح کرده و «موسی‌الرضا حیدری» از مشهد رونق مباحث اخلاقی و معنوی را در جلسات پیشنهاد داده است. «محمد بانسی» از شیراز بر اهمیت زمان برگزاری جلسات تأکید دارد و «غلامرضا شرفیانی» از کردستان معتقد است، آشنا کردن مردم با برکات قرآن، معرفی قرآن به‌منزله چراغ هدایت در رواج این جلسات مؤثر است.

«شیرزاد صحرایی» از صحنه آموزش‌های قرآنی را مطرح کرده و «سعید

حیدری» از گیلان‌غرب خواندن یک صفحه در روز را مؤثر می‌داند. تربیت معلمان قرآن قوی از جانب «عرب‌پور» از همدان، ایجاد فضایی ملو از جذابیت ظاهری و باطنی در پیام «اعظم پناهی» از کرمانشاه و استفاده از نخبگان قرآنی

در جلسات از سوی «ریحانه عباسی» از نقده مطرح شده است.

«زهر حصرانی» از صحنه گفته است: برای رواج جلسات تلاوت قرآن باید از دوران کودکی شروع کرد. «مینا قهرمانی» از زنجان هم معتقد است، بیان معنای آیاتی که در جلسه قرائت می‌شود و بحث و بررسی آن با حاضران

جذابیت جلسات تلاوت را افزایش می‌دهد.

«محمد و الهام عباسقلی‌پور» از املش و «جواد ایزانلو» از بجنورد هم در

این هم‌اندیشی همراه ما بودند.

اما نکته؛ آنچه برخی از همراهان مطرح کرده بودند، بیشتر به ترویج فرهنگ قرآنی مربوط می‌شد، اما پرسش ما به بیان رهبر معظم انقلاب مبنی‌بر ترویج جلسات تلاوت قرآن معطوف بود که صرفاً در آن قرآن تلاوت شده و مستمعان فقط برای شنیدن قرآن در این جلسات حاضر می‌شوند.

برندگان تریبون ششم

محمدهادی عرفانی از باشت / محمدزارعی برآبادی از خواف

جعفر قدسی از دلپجان

پرسش تریبون هفتم

چه عواملی سبب شکل‌گیری حقوق‌های نجومی

برای برخی مدیران دولتی شده است؟

 پیامک صبح صادق ۳۳-۹۹۰۰۳۰۰۰
ارتباط با سردار صفری مشاور فرمانده کل سپاه در امور ایثارگران
تلفن ۰۶-۲۳۲۳۴۲۲۲،۲۳۲۳۴۲۲۲

هنر- برلمان

خبرها

بازسازی حوادث فتنه ۸۸ در فیلم «ماه گرفتگی»
حوادث خیابانی فتنه سال ۸۸ ازجمله آتش زدن مسجد

لولاگر به دست فتنه‌گران در یک فیلم سینمایی به تصویر کشیده شد.

تاکنون ۸۰درصد تصویربرداری «ماه گرفتگی» با موضوع فتنه و به کارگردانی مسعود اطیابی انجام شده است. در این فیلم همچنین علاوه بر حادثه آتش زدن مسجد به دست فتنه‌گران، چند صحنه سنگین دیگر از جمله آتش زدن خودروها در خیابان نیز به تصویر کشیده می‌شود.

کامبیز دیرباز، فریا کوثری، شهرام عبدلی، سارا خونیانی‌ها، الهه حصاری، ارسلان قاسمی و… از جمله بازیگران «ماه گرفتگی» هستند. این فیلم در صورت تکمیل مراحل تولید، در جشنواره فیلم مقاومت شرکت خواهد کرد، در غیر این صورت، در جشنواره فیلم فجر رونمایی خواهد شد.
محمد گلریز: جشنواره موسیقی فجر بویی از انقلاب نبرده است

خواننده پیشکسوت موسیقی انقلابی گفت: با تهاجمی که دشمنان انقلاب در حوزه فرهنگ علیه ملت ایران آغاز کرده‌اند، ضرورت پرداختن به موسیقی انقلابی بیشتر احساس می‌شود. محمد گلریز، خواننده سرودهای انقلابی در گفت‌وگو با «راه دانا» اظهار داشت: تمام جهان بر روی تبلیغ می‌گردد، ولی متأسفانه رسانه‌های کشور ما برای معرفی موسیقی انقلابی و ارزشی اقدام چشمگیری انجام نمی‌دهند.

وی با بیان اینکه برخی می‌گویند دیگر زمان سرودهای انقلابی گذشته است، افزود: من به این افراد گفتم چرا راحت‌تر حرف نمی‌زنید و نمی‌گویید که زمان انقلاب سپری شده است؟ گلریز با بیان اینکه از مسئولان فرهنگی خواهش می‌کنم کمی تفکر کنند، بیان داشت: همین جشنواره موسیقی فجر را می‌بینید که به نام انقلاب است، ولی بویی از انقلاب نبرده است.
فیلمسازان ۱۰۲ کشور جهان در جشنواره مقاومت
تا کنون ۱۰۲ کشور جهان متقاضی حضور در چهاردهمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم مقاومت شده‌اند. به بخش مسابقه سینمایی بین‌الملل از ۱۰۲ کشور جهان آثاری رسیده است که کشورهای آمریکا، هند، آلمان، ترکیه، انگلستان، ایتالیا، فرانسه، کانادا، عراق، مصر، اسپانیا، بلژیک، سوریه و روسیه، بیشترین تعداد اثر را ارسال کرده‌اند.

گفتنی است، چهاردهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مقاومت به همت بنیاد فرهنگی روایت و انجمن سینمای انقلاب و دفاع مقدس امسال همزمان با هفته گرامیداشت دفاع مقدس برگزار می‌شود.

حسن ختام

به امید دیدار ...

آقاچان سلام!

اگر از احوالات اینجانب خواسته باشید

به یاری پروردگار خویم و ملالی نیست جز دوری شما... آقا! همه بگوئیم؛ پدر از صبحگاهان تا شامگاهان در امید لقمه نانی است

مادر می‌شوید و می‌روید و کودکان در آغوش می‌پیوردد پدر بزرگ آهسته قدم می‌زند و مدام با ساعت جیبی قدیمی‌اش زمان را اندازه می‌گیرد مادر بزرگ تسبیح به دست دائم ذکر می‌گوید و هر دم دعای خیرش را بدرقه راه‌مان می‌سازد هنوز تکه کلامش همان است؛ «الهی خیر ببینی مادر!» آقا همه سلام می‌رسانند

اینجا امن و امان است و همه‌چیز رو به راه
و زمانه با همه دشواری‌هایش چون آب روان می‌گذرد
و به قول معروف؛ «چون می‌گذرد غمی نیست...»
شما بگوئید، حال تان چطور است؟ امیدوارم در ظل عنایات حق خوب باشید؛

سفر سخت نگذشته باشد

و چیزی خاطر عزیزتان را مکتدّر نساخته باشد
راستی چرا سفرتان این قدر طولانی شد؟!
خیلی وقت است که چشم به راه‌تان داریم؛

تابستان از پی بهار و زمستان از پی پاییز
زودتر بیایید که همه دلتنگ گل روی شمایم

مراقب خودتان هم باشید
آخر ما جز شما جان‌پناهی نداریم

دیگر عرضی نیست
به امید دیدار...

